

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده مقالات چهاردهمین کنفرانس
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
تمهید مقدمات و الزامات اجرا

۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

این کنفرانس به صورت حضوری - مجازی برگزار می شود.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

این سند اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است که با تحقق آن که کاری عظیم و دشوار، اما ممکن و شیرین است کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلیعه مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رُخ خواهد نمود. ان شاءالله.

بخشی از فراخوان رهبر فرزانه انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه

اسلامی ایرانی پیشرفت، مهرماه ۱۳۹۷

دیرخانه چهاردهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چکیده مقالات چهاردهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: تمهید مقدمات و الزامات اجرا

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۳۵۲۰۸۰ - ۰۲۱ ۸۸۳۵۲۰۷۱

دورنگار: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

وبگاه: conference.olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان دکتر احمدی، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در چکیده‌های مقالات بر عهده نویسنده (گان) محترم است.

چهاردهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: تمهید مقدمات و الزامات اجرا

محورهای موضوعی:

* بایسته‌های تحول در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کشور متناسب با الگو

* الگو و برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

* گفت‌وگوی ملی درباره الگو؛ به سوی اجماع نخبگانی و مشارکت فعال مردمی

* الگو و پدیده‌های نوظهور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و فناوری

* تدبیرهای پیش‌ران الگو (تدبیرهای دارای اولویت زمانی)

* تقسیم کار ملی و نگاهت نهادی الگو

اعضای کمیته علمی

چهاردهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر هادی اکبرزاده؛ استاد دانشگاه صنعتی اصفهان (دبیر کنفرانس)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی؛ استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر فرج الله احمدی؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر غلامعلی افروز؛ استاد ممتاز دانشگاه تهران

دکتر الهام امین زاده؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر مصطفی ایزدی؛ دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

دکتر شهلا باقری میاب؛ دانشیار دانشگاه خوارزمی

دکتر حسینعلی بهرامی؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدحسین پناهی؛ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر محمدسعید جبل عاملی؛ استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حجت اله حاجی حسینی؛ دانشیار سازمان پژوهش های علمی و صنعتی

دکتر سیمین حسینیان؛ استاد دانشگاه الزهرا (س)

دکتر رضا خجسته مهر؛ استاد دانشگاه شهید چمران

دکتر محسن خلیجی اسکوئی؛ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر غلامحسین رحیمی؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس

آیت الله... علی اکبر رشاد؛ استاد خارج فقه و اصول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتر عباسعلی زالی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر محمدهادی زاهدی وفا؛ دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

دکتر حسین سالارآملی؛ استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم سید باقری؛ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی

دکتر سهیلا صادقی فسایی؛ دانشیار دانشگاه تهران

آیت ... ابوالقاسم علیدوست؛ استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم

دکتر موسی عنبری؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر منوچهر فرج زاده؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر جواد فرهودی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر شهلا کاظمی پور؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر اکبر کمیجانی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر الهه کولایی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر محمد علی کی نژاد؛ استاد دانشگاه صنعتی سهند

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین میر معزی؛ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتر شکوه نوابی نژاد؛ استاد دانشگاه خوارزمی

دکتر شهریار نیازی؛ دانشیار دانشگاه تهران

حجت الاسلام والمسلمین احمد واعظی؛ استاد دانشگاه باقر العلوم (ع)

دکتر علی یوسفی؛ دانشیار دانشگاه فردوسی

اعضای کمیته‌های هماهنگی

چهاردهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

امور علمی

کمیته راهبری کنفرانس:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی، دکتر غلامعلی افروز، دکتر حسین علی بهرامی، دکتر محمدحسین پناهی، دکتر محمدسعید جبل عاملی، دکتر محسن خلیجی، دکتر محمدحسن روزی طلب، دکتر حسین سالار آملی، دکتر موسی عنبری و دکتر شهریار نیازی.

همکاران امور داوری:

دکتر خدابخش احمدی، دکتر محمد اخباری، دکتر بهرام اخوان کاظمی، دکتر غلامعلی افروز، دکتر زهرا امام جمعه، دکتر علی امیری، دکتر ابراهیم برزگر، دکتر محمدحسین پناهی، دکتر فاطمه ثقفی، دکتر محمدسعید جبل عاملی، مهندس عباسقلی جهانی، دکتر عباس حاجی آخوندی، حجت الاسلام سیدعلیرضا حسینی، دکتر جلال درخشه، دکتر محمدحسین رامشت، دکتر محمدرضا رضوانی، دکتر محمدحسن روزی طلب، دکتر نادر زالی، دکتر اصغر زمانی، دکتر اکرم السادات سادات حسینی، دکتر حسین سالار آملی، مهندس خسرو سلجوقی، دکتر محمد سلیمانی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدکاظم سیدباقری، دکتر محمد شاهدی، دکتر محمد شیخی، دکتر اسماعیل شیعه، دکتر مهدی صادقی شاهدانی، دکتر صادق صالحی، دکتر حسن عباسزاده، دکتر رسول عباسی، دکتر موسی عنبری، دکتر محمدرحیم عیوضی، دکتر احمد غیاثوند، دکتر مصطفی قادری حاجت، دکتر سیدسپهر قاضی نوری، دکتر شهلا کاظمی پور، دکتر علیرضا کیقبادی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسلم گریوانی، دکتر عبدالحسین لاله، دکتر علی محقر، دکتر یوسف محمدزاده، دکتر محمدرضا محمدی زاده، حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرتضوی هشتروندی، دکتر سیدمحمدتقی موحد ابطحی، دکتر رضا مهدی، دکتر

سید محمد میر سندسی، حجت الاسلام والمسلمین سید عباس نبوی، دکتر جاوید نویخت، دکتر
رقیہ نوری پور لیاولی، دکتر شہریار نیازی.

امور ارتباطات

مسئول: علی متقیان

همکاران: احمد کرد و احسان عباسی

امور انتشارات

مسئول: دکتر نجف الہیاری فرد

همکاران: دکتر غلامرضا زارع و غلامعلی فرامرزی

امور اجرایی و پشتیبانی

دبیر کمیته اجرایی و مسئول پشتیبانی: محمدرضا رضانیا

همکاران پشتیبانی: سیروس قنادی و مصطفی نوری

امور فناوری اطلاعات

مسئول: مهندس وحید عبدالحسینی

همکاران: دکتر امیر محمد طاهری و مهندس بهلول محمدی

دبیر خانه کنفرانس

مسئول: دکتر همت ایمانی

همکار: حسین بهنیا

فهرست مطالب

بخش اول: مقالات شفاهی ۱

محور اول: مرجعیت علمی؛ بایدها و نبایدها (با همکاری اندیشکده علم) ۲

مرجعیت علمی: پرسش‌ها و پاسخ‌ها ۳

محمدعلی زلفی‌گل، مرتضی طاهری، حمید آقاجانی

تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی و آموزش پزشکی

ایران ۱۲

ناصر باقری‌مقدم

تجربیات تمدنی در مرجعیت علمی ۱۴

غلامحسین رحیمی

طراحی مسیرهای میان‌رشته‌ای برای دستیابی به مرجعیت علمی: تحلیلی بر پایه نقشه فضای

علم و پیچیدگی علمی ۱۶

صمد نژاد ابراهیمی

فرهنگ علم و فرهنگ علمی ۱۸

یعقوب فتح‌اللهی

محور دوم: مؤلفه‌های تحول و پیشرفت در حکمرانی سیاسی کشور (با همکاری

اندیشکده سیاست) ۲۰

تأثیر سیاست خارجی بر کارآمدی و اجرای برنامه‌های توسعه ۲۱

الهه کولایی

الزامات و بایسته‌های حاکمیتی توسعه یا پیشرفت سیاسی در ج.ا. ایران ۲۳

جلال درخشه

ضرورت و الزامات استقرار دولت توسعه برای تحقق توسعه در ج.ا. ایران ۲۵
رحیم ابوالحسنی

الزامات نظارت و پیگیری همه‌جانبه و کارآمد برنامه‌های توسعه ۲۷
علی مرتضویان

الزامات و بایسته‌های تنظیم‌گری در توسعه سیاسی در ایران ۲۹
یحیی فوزی

محور سوم: حکمرانی آمایش‌محور؛ بایسته و راهبردها (با همکاری اندیشکده
آمایش بنیادین) ۳۱
فناوری‌های ترکیبی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک ایران با رویکرد فرصت‌ها و تهدیدها ۳۲
محمد اخباری

شکل‌گیری سازمندی‌های اجتماعی جدید و لزوم تدوین سند راهبردی آمایش ساییری
ایران ۳۴
محمدحسین رامشت، طیبه محمودی، مریم غفاری

الزامات نهادی حکمرانی منطقه‌ای مبتنی بر رویکردهای منطقه‌بندی آمایشی ۳۶
نادر زالی

نظام برنامه‌ریزی آمایش‌محور (مفهوم و ابعاد) ۴۰
حسین آرامی

ضرورت نظام برنامه‌ریزی با محوریت پایداری محیط ۴۳
قاسم عزیزی

ظرفیت‌ها و چالش‌های پیوستن ایران به دالان‌های ارتباطی اولویت‌دار منطقه‌ای و جهانی
..... ۵۰
عابد گل‌کرمی

محور چهارم: پدیده‌های نوظهور اجتماعی - فرهنگی و بایسته‌های اجرای الگو (با همکاری اندیشکده امور اجتماعی)..... ۵۲

حساسیت سند الگو نسبت به پدیده‌های نوظهور اجتماعی ۵۳
محمدحسین پناهی

انواع پدیده‌های اجتماعی نوظهور ۶۱
سیدمحمد میرسندسی

مسئله حاشیه‌ای شدن اجتماعی در ایران..... ۶۴
غلامرضا غفاری

مسئله شورش‌های شهری و ادغام اجتماعی در ایران..... ۶۹
سهیلا صادقی فسایی، محمدصادق کربلایی

شبکه‌ای شدن جامعه و مسئله بیگانگی جمعی ۷۳
علی یوسفی

محور پنجم: عدالت و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (با همکاری اندیشکده عدالت)..... ۷۷

بررسی و نقد برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۳-۱۴۰۷) از منظر راهبردهای عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۷۸
سیدعباس نبوی

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و راهبردهای کاهش نابرابری در ایران با رویکرد عدالت فضایی با تأکید بر بند (۳۰) تدابیر..... ۸۱
حسین حاتمی‌نژاد

رابطه پیشرفت و عدالت ۸۳
سیدمحمد میرسندسی

- سازوکارهای حمایت از نیازمندان در تأمین اجتماعی اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در اسلام ۸۵
حسین عیوضلو، جواد کجوری
- نقش نخبگان و مشارکت فعالانه مردم در فراگیرسازی گفتمان عدالت محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۸۷
سید کاظم سیدباقری، حانیه ملاشفیع
- ضمانت فقهی ناشی از خلق پول و تورم ۸۹
محسن فقیه حبیبی
- محور ششم: پدیده‌های نوظهور اجتماعی- فرهنگی و بایسته‌های اجرای الگو (با همکاری اندیشکده امور اجتماعی) ۹۱
افول هنجارهای سبک زندگی جوانان ۹۲
مسعود گلچین
- کاهش باروری و مشارکت زنان ایرانی در بازارهای دوگانه مزدی و غیرمزدی (تعهدات خانوادگی زنان و بازتخصیص زمان) ۱۰۰
مجید کوششی، مهدی خلیلی
- تغییرات فرهنگ کار و تلاش در ایران ۱۰۴
شهلا کاظمی‌پور
- امید جمعی و انگیزه پیشرفت ۱۰۷
احمد غیاثوند
- دو قاعده بدنه جامعه و سلسله‌مراتب نیازها به منزله گرانیگاهی برای اجرای موفق الگوی پیشرفت ۱۱۱
رضا مهدی

محور هفتم: الزامات و بایسته‌های نهاده‌ها شدن رویکرد خانواده‌محوری در سند
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (با همکاری اندیشکده خانواده) ۱۱۳
مبانی روان‌شناختی: فرزندآوری هوشمندانه و فرزندپروری عاقلانه (آینده‌نگر) ۱۱۴
غلامعلی افروز

بایسته‌ها و الزامات نهاده‌سازی گفتمان خانواده‌محوری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی،
اقتصادی و سیاسی ۱۱۶
حبیب‌اله مسعودی فرید

بررسی تطبیقی سیاست‌های حمایت از فرزندآوری در ایران و برخی کشورهای جهان ۱۱۹
خدابخش احمدی

چالش‌ها و فرصت‌های فرزندآوری در سپهر سیاست‌های جهانی ۱۲۲
لیلا فلاحتی

بایسته‌های تحول در نظام سلامت ایران متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
چالش‌ها، نقدها و راهکارها ۱۲۷
اکرم‌السادات سادات حسینی، نغمه رزاقی

ازدواج پایدار و خانواده استوار ۱۲۹
شکوه نوابی نژاد

ازدواج پایدار و فرزندآوری در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ بایسته‌ها و الزامات
..... ۱۳۲

امیرمحمد طاهری، غلامعلی افروز

بایسته‌ها و الزامات استوارسازی بنیان نهاد خانواده، معطوف به ظرفیت و قابلیت سند الگو
..... ۱۳۴

محمدحسین ساجدی‌نیا

- محور هشتم: بایسته‌های سیاسی - امنیتی اجرای سند الگو (با همکاری اندیشکده دفاع و امنیت) ۱۳۷
- آینده جبهه مقاومت و عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸
- ابراهیم متقی
- ژئوپلیتیک نوین ایران و ضرورت تغییر در سیاست خارجی ۱۴۰
- ماندانا تیشه‌یار
- نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی در حوزه دفاع و امنیت ۱۴۲
- عباسعلی فرزندی
- امنیت اقتصادی، تأمین اجتماعی و مشارکت فعال مردمی ۱۴۴
- سعید حاجی ناصری، احمد کرد
- آسیب‌شناسی کارکردی مجلس شورای اسلامی در ایران و دلالت‌های آن برای تقویت مردم‌سالاری دینی مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۴۶
- محمد سلیمانی، محسن رحمتی‌نیا
- مبانی فقهی اقتدار جمهوری اسلامی ۱۴۸
- سیدابوالقاسم نقیبی
- محور نهم: سلامت معنوی و الگوی پیشرفت (با همکاری اندیشکده معنویت) ۱۵۱
- معنویت و غرور ملی: به سوی ایجاد اجماعی نخبگانی پیرامون سند الگو ۱۵۲
- بهزاد حمیدیه
- آینده دین و معنویت در چشم‌انداز تراانسانی ۱۵۴
- سیدمحمدتقی موحد ابیطحی
- تعامل سلامت معنوی و سبک زندگی از منظر روان‌شناسی ۱۵۶
- فرامرز سهرابی

دیپلماسی فرهنگی - معنوی ایران و ارتقای قدرت نرم (ظرفیت‌شناسی ورزش پهلوانی در گسترش دیپلماسی معنوی) ۱۵۸
احمد شاکر نژاد

الگوی معنویت در تمدن‌سازی ۱۶۰
حمیدرضا مظاهری سیف

تحلیل منطق پذیرش افراد ضعیف‌الحجاب در اندیشه معنوی آیت‌الله خامنه‌ای ۱۶۲
مسلم گریوانی

مداخلات و مراقبات سلامت معنوی ۱۶۴
مسعود آذربایجانی

معنویت مبتنی بر روان‌شناسی اشراق ۱۶۶
باقر غباری بناب

محور دهم: مدیریت آب و پایداری کشاورزی و منابع طبیعی (با همکاری اندیشکده آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی)..... ۱۶۸
بررسی و ارائه سازوکارهای مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت آب کشاورزی ۱۶۹
جواد فرهودی، محمد قربانیان کردآبادی

بررسی و ارائه راهکارهای ترمیم، احیاء و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی (گیاهی، جانوری و ریزموجودات) در ایران ۱۷۳
اسکندر زند

آسیب‌شناسی رژیم غذایی و چگونگی دستیابی به الگوی غذایی مطلوب در ایران ۱۷۵
محمد شاهدی

ارزیابی پیامدهای تغییر کاربری اراضی و راهکارهای مقابله با آن در ایران ۱۷۸
سعید یزدانی

رویکردی نقادانه به دلالت‌های نقشه جامع علمی کشور برای حکمرانی علم و فناوری در
بخش کشاورزی، معرفی طرح‌واره سه سطحی ۱۸۰
محمدشریف شریف‌زاده

تدوین چارچوب مطالعاتی برای حکمرانی بوم‌زاد احیای زیست‌بوم خلیج گرگان ۱۸۲
محمدشریف شریف‌زاده، غلامحسین عبدالله‌زاده

تبیین ضرورت و سیاست‌گذاری هوشمندسازی شبکه تأمین، انتقال و توزیع آب شرب
شهری و روستایی در راستای مدیریت تنش آبی در ایران ۱۸۴
شیرزاد ایرانمهر، علی موسوی، سیامک کاظم‌زاده حنانی

راهکارهای پایداری امنیت غذایی و سلامت غذا برای جمعیت آینده کشور ۱۸۶
محمد شاهدی

محور یازدهم: الگو و پدیده‌های نوظهور علمی و فناوری ۱۸۸
سیاست‌گذار و زنجیره جهانی علم و فناوری ۱۸۹
حسین سالار آملی

چالش‌های گزینش پژوهش‌های بنیادی در ایران: استفاده از زنجیره بلوکی برای
بهره‌گیری از مشورت همه‌نخبگان ۱۹۲
سیدسپهر قاضی نوری

از پیش‌بینی تا تجویز: کاربری‌های هوش مصنوعی در فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی
..... ۱۹۴
بابک حمیدیا

هوش مصنوعی در اصلاح سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی: الگویی مبتنی بر ایران .. ۱۹۶
حسن بشیری

آینده هوش مصنوعی: روندهای پدیدار شونده و پیامدهای آنها ۱۹۸
هاشم آقازاده، امیرسالار ونکی، مصباح سیوندیان

پیشران‌های پیشرفت علم و فناوری در ایران ۲۰۰
محمد رضا محمدی‌زاده

ارزیابی تطبیقی برنامه هفتم پیشرفت با سند الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت در حوزه
علم، فناوری و نوآوری ۲۰۲
محمد رضا رضوانی

محور دوازدهم: حکمرانی تعیین اولویت فناوری و نوآوری (با همکاری اندیشکده
چرخه نوآوری) ۲۰۴
اولویت فناوری: انتخاب یا تبلور/تکوین/تکامل؟ ۲۰۵
رضا حافظی، علی چاپرک

اولویت‌های فناوری، حاصل تشخیص و برنامه‌ریزی نهادهای توسعه‌ای علم و فناوری ۲۰۷
رضا اسدی‌فرد، علی محمد سلطانی

بخش دوم: مقالات پوستر ۲۰۹
رویکرد تطبیقی دو پارادایم حکمرانی مطلوب و فساد اقتصادی مبنی بر الگوی اسلامی
پیشرفت ۲۱۰
عارف بهروز، سید خالق غیورزادگان

عدالت اجتماعی و گردشگری در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ۲۱۲
فاطمه عزیزی

- کشورهای اسلامی و استعمار؛ نگاهی به وضعیت توسعه در کشورهای اسلامی از منظر وابستگی ۲۱۴
 مهدی نصیری
- الزامات تحقق هویت ملی در الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی ۲۱۶
 عباس مرادی
- مدیریت پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در راستای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۱۸
 فاطمه امیری، حسن کیائی
- بررسی سناریوهای اجرایی شدن اولویت‌های برنامه هفتم توسعه ۲۲۰
 مصطفی قادری حاجت، محمدشهاب احمدی
- تدوین مدل اجماع و مشارکت نخبگان در برنامه هفتم توسعه کشور از منظر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) با رویکرد تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۲۲
 علیرضا بهار، فاطمه اسدی، محمدحسن عطایی، محمدرضا صالحی
- رسیدن به اهداف ماده پنجم قانون برنامه هفتم (مردمی‌سازی اقتصاد) از طریق اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهار ۲۲۴
 صادق بافنده ایمان‌دوست
- ارزیابی قانون برنامه هفتم توسعه از منظر معیارهای عدالت اقتصادی در اسلام و قانون اساسی ۲۲۶
 محمدرضا محمدی

چالش‌های اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از طریق برنامه‌های توسعه کشور؛
مطالعه موردی بخش سلامت برنامه توسعه هفتم ۲۲۸
محمدحسین مهرالحسنی، روحانه رحیمی صادق، رستم سیف‌الدینی، علی‌اکبر حقدوست،
وحید یزدی فیض‌آبادی، سمیرا عمادی، رضا دهنویه، سمیه نوری حکمت، محمدرضا
رجبعلی‌پور

کاربست اقتصادی نظریه نوشهرگرایی در جهت اجرای تدبیر هفتم الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت ۲۳۱
حسین عیوضلو، حسین حاتمی نژاد، محمدعلی طبرانی

گذر از ویژه‌خواهی به شایسته‌سالاری محور پیشرفت و توسعه کشور (مطالعه موردی:
الگوی امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه) ۲۳۳
مصطفی لعل شاطری

سند الگو و پدیده‌های نوظهور علمی و فناوری- تکنولوژی اینترنت اشیاء ۲۳۵
سیداحسان علویان، وحید ظریفی، سعید نورین مقدم، حسین زرگرانی، ابراهیم رضایی
الننگ

نقشه راه عملیاتی توسعه سند باکس رگولاتوری استارت‌آپ‌های مبتنی بر فناوری‌های هوش
مصنوعی مولد ۲۳۷
حبیب کراری

ایجاد شبکه اجتماعی مبتنی بر بلاک‌چین برای تقویت اعتماد عمومی و شفافیت در
نهادهای دولتی ایران ۲۳۹
محمدجواد آهکی ورزانه

بررسی و تبیین چهارچوب سبک زندگی اسلامی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات
۲۴۱

مهسا ملک، مهدی واحدی

نوآوری و تحول نظام آموزشی برای چشم‌انداز پیشرفت در عصر هوش مصنوعی ۲۴۳
جواد تقی‌زاده فیروزجایی

بایسته‌ها و الزامات استوارسازی بنیان خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۴۵
امیرمحمد طاهری

نقش فضای مجازی در شکل‌گیری هویت و مشارکت اجتماعی نوجوانان در راستای
الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ۲۴۷
رقیه نوری‌پور لیاولی، سیمین حسینیان

فضای مجازی و شکاف بین‌نسلی و تأثیر آن بر بنیان خانواده ۲۴۹
سیمین حسینیان، سعیده فرج‌نیا

اثر بخشی برنامه بخشایشگری بر پرخاشگری، همدلی، روابط بین فردی و پیشرفت
تحصیلی نوجوانان ۲۵۱
زهره مشکوتی، باقر غباری بناب

سبک رهبری کاریزماتیک در جنگ: بررسی تطبیقی شیوه رهبری امام علی (ع) و امام
خمینی (ره) ۲۵۳
امید مهدیه، یوسف فتحی، انسیه عبدالهی نورعلی

نقش جهاد تبیین در تحقق گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر منظومه فکری
رهبر انقلاب ۲۵۵
محمد قوام‌آبادی

تاملی در مبحث بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی پایان‌پذیر در افق بین‌نسلی با رویکرد

خدا محور ۲۵۷

محمدعلی متفکر آزاد، سالار جلیل‌پور، مسعود ایرانی

اقتصاد دریامحور؛ پیشران توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و

مزیت‌های منطقه‌ای سواحل مکران ۲۶۰

محمد رضا رضوانی، علی اکبر رضوانی

بخش اول: مقالات شفاهی

محور اول:

مرجعیت علمی؛ بایدها و نبایدها

(با همکاری اندیشکده علم)

مرجعیت علمی: پرسش‌ها و پاسخ‌ها

محمدعلی زلفی گل^۱، مرتضی طاهری^۲، حمید آفاجانی^۳

چکیده

مرجعیت علمی یک جریان و فرآیند طولانی و مستمر است که از فرد آغاز و به جمع تبدیل می‌شود. نتیجه حد اعلای کیفیت علم تحقق مرجعیت است. مرجعیت علمی حاصل علم عنکبوتی و تقلیدی نیست، بلکه از مسیر پژوهش‌های اصیل محقق می‌شود. مرجعیت علمی شامل کل فرآیند، از ترویج علم تا تولید ثروت از دانش می‌شود که برای تحقق آن، داشتن ساختارهای دانش‌مدار در عصر دانایی ضروری است. ژنوم فرهنگی، فرهنگ عمومی و علمی حاکم بر جامعه نیز در تحقق مرجعیت علمی نقش سازنده‌ای دارد. در این ارائه سعی خواهد شد، فرآیند تحقق مرجعیت علمی، فناوری و نوآوری واکاوی شود و بایدها، نبایدها و پیامدهای مرتبط تبیین شود. در رابطه با مرجعیت علمی سؤالات متنوع و متعددی مطرح می‌باشد. به عنوان نمونه یک صد سؤال کلیدی ذیل ارائه می‌شود که لازم است، به این پرسش‌ها پاسخ‌های علمی، مستدل و منطقی داده شود.

۱. استاد دانشگاه بوعلی سینا، نویسنده مسئول، zolfi@basu.ac.ir.

۲. استاد دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

۳. دکتری، حوزه وزارتی، ستاد وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

- ۱- معنی، مفهوم و تعریف مرجعیت علمی چیست؟
- ۲- چرا مرجعیت علمی سرنوشت و مزیت ساز است؟
- ۳- در چه موضوعات و زمینه‌هایی بایستی در پی تحقق مرجعیت علمی باشیم؟
- ۴- شاخص‌های کمی و کیفی مرجعیت علمی کدامند؟
- ۵- سازوکارها و ملزومات هوشمند سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، مغزافزاری، نظری و عملی تحقق مرجعیت علمی چیست؟
- ۶- سیاست‌ها، برنامه‌ها (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها و زمان‌بندی تحقق مرجعیت علمی چگونه باید باشد؟
- ۷- نظام‌های سنجش و انگیزش مرجعیت علمی برای زیر نظام‌های مختلف علمی، علوم دقیقه و غیردقیقه چگونه بایستی باشد؟
- ۸- شباهت‌ها و تفاوت‌های مرجعیت علمی ملی و بین‌المللی چیست؟
- ۹- تکه‌های جورچین (پازل) مرجعیت علمی کدامند و راهکارهای ایجاد وحدت عمل و هم‌افزایی بین آنها چیست؟
- ۱۰- زیست‌بوم مرجعیت علمی بایستی چه ویژگی‌هایی داشته باشد و کجاها می‌باشد؟
- ۱۱- نقش آفرینان و بازیگران مرجعیت علمی چه افراد، گروه‌ها، مؤسسات و نهادهایی هستند؟
- ۱۲- ارتباط نوآوری و نوآفرینی با مرجعیت علمی چیست؟

- ۱۳- ارتباط دیپلماسی علمی با مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۱۴- اولویت‌ها و اولیت‌ها در مرجعیت علمی چیست؟
- ۱۵- موانع تحقق مرجعیت علمی کدام‌اند؟
- ۱۶- معنی و مفهوم مرجعیت علمی در قرآن مجید چیست؟
- ۱۷- مرجعیت علمی حداقلی و حداکثری چیست؟
- ۱۸- نسبت مرجعیت علمی با مرجعیت‌های فناوری، فرهنگی و نوآوری چیست؟
- ۱۹- ارتباط مرجعیت علمی با نیازها و مسائل بومی کشور و سلامت جسمی و روانی جامعه چگونه است؟
- ۲۰- ارتباط آموزش و پژوهش هدفمند با مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۲۱- ارتباط تولید علم، تربیت عالم و جهت‌دهی به علم و عالم با مرجعیت علمی چیست؟
- ۲۲- ارتباط مرجعیت علمی با مهندسی آینده و مهندسی حیات چیست؟
- ۲۳- برای جذب و نگهداشت نخبگان در راستای تحقق مرجعیت علمی چه باید کرد؟
- ۲۴- ارتباط نخبگان با مرجعیت علمی چیست؟
- ۲۵- چرا پیش‌نیاز تحقق مرجعیت علمی کادرسازی از مسیر نخبه‌یابی، نخبه‌گزینی، نخبه‌پروری و نخبه‌گماری است؟

۲۶- برای افزایش نقش هم‌افزایی و همیاری نخبگان در تحقق مرجعیت علمی چه باید کرد؟

۲۷- ارتباط وضعیت معیشت منابع انسانی علمی، فرهنگی و فنی و همچنین هرم مازلو با مرجعیت علمی چیست؟

۲۸- ارتباط دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با نخبگان و تحقق مرجعیت علمی چیست؟

۲۹- ارتباط دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری پیشرو با مرجعیت علمی چیست؟

۳۰- مرجعیت علمی هزینه‌بر است یا فرصت و ثروت‌ساز است؟

۳۱- ارتباط مرجعیت علمی با مهاجرت نخبگان (مهاجرت زن‌ها) چیست؟

۳۲- شاخص‌های مرجعیت علمی در رشته‌ها مختلف و علوم بین‌رشته‌ای چیست؟

۳۳- چرا مرجعیت علمی موجب مهاجرت معکوس نخبگان می‌شود؟

۳۴- بنیاد ملی نخبگان کشور در تحقق مرجعیت علمی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

۳۵- نقش هوش مصنوعی در تحقق و شفافیت مرجعیت علمی چیست؟

۳۶- ارتباط مرجعیت علمی با قدرت پیش‌بینی، پیشگویی و پیشگیری چیست؟

۳۷- نقش مرجعیت علمی در نیازآفرینی برای آینده و آیندگان چیست؟

۳۸- ارتباط مرجعیت علمی با تجدد، تمدن و تمدن‌سازی چیست؟

- ۳۹- منظور از مرجعیت علمی همساز و هم‌آفرین چیست؟
- ۴۰- ارتباط مرجعیت علمی با قدرت سخت، نرم و هوشمند ملی و بین‌المللی چیست؟
- ۴۱- منظور از مرجعیت علمی رقابت‌ناپذیر چیست؟
- ۴۲- ارتباط خیزش علمی با مرجعیت علمی چیست؟
- ۴۳- ارتباط برقراری بیمه پژوهش و فناوری با مرجعیت علمی چیست؟
- ۴۴- ارتباط مرجعیت علمی با سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت کشور چیست؟
- ۴۵- تحقق مرجعیت علمی هدفی ثابت است یا جریانی پویا است؟
- ۴۶- ارتباط مسئولیت‌پذیری با مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۴۷- ارتباط مرجعیت علمی با تغییر اقلیم در بخش‌های مختلف طبیعی و اجتماعی چیست؟
- ۴۸- ارتباط مرجعیت علمی با ناترازی‌ها در بخش‌های مختلف چیست؟
- ۴۹- نقش مرجعیت علمی در مدیریت، مهار و مصرف گازهای گلخانه‌ای و به ویژه دی‌اکسید کربن چیست؟
- ۵۰- نقش مرجعیت علمی در حذف زمان و مکان چگونه است؟
- ۵۱- طلایه‌داران مرجعیت علمی چه افراد، مستندات علمی، مجلات و مؤسساتی هستند؟

- ۵۲- مرجعیت علمی مصنوعی و شاخص‌های آن کدام‌اند؟
- ۵۳- منظور از مرجعیت علمی پیشینی و پسینی چیست؟ کدام یک مطلوب‌تر است؟
- ۵۴- مرجعیت علمی چه چیزی است و چه چیزی نیست؟
- ۵۵- نقش استانداردسازی و استانداردپذیری در مرجعیت علمی چیست؟
- ۵۶- نسبت مرجعیت علمی با مالکیت و دارایی‌های فکری چیست؟
- ۵۷- راهبردها و راهکارهای کسب مرجعیت علمی بایستی بر اساس نیازمندی‌ها ملی باشد و یا بر اساس توانمندی‌ها ملی باشد؟
- ۵۸- نسبت مرجعیت علمی با مرجعیت اجتماعی چیست؟
- ۵۹- نقش حوزه‌های علمیه در مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۶۰- نقشه راهبرد تحقق مرجعیت علمی شامل چه بخش‌هایی است؟
- ۶۱- ارتباط مد و مدل با مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۶۲- چرا توسعه زبان فارسی پیش‌نیاز تحقق مرجعیت علمی است؟
- ۶۳- ارتباط فناوری و رشته واژه‌گزینی با مرجعیت علمی چگونه است؟
- ۶۴- معماری علم در تحقق مرجعیت علمی چه نقشی دارد؟
- ۶۵- ارتباط جهاد علمی با مرجعیت علمی در چیست؟
- ۶۶- سرمایه اجتماعی مرجعیت علمی چگونه افزایش می‌یابد؟
- ۶۷- نقش گفتمان و اجتماع علمی در تحقق مرجعیت علمی چگونه است؟

۶۸- فرهنگستان‌های کشور در تحقق مرجعیت علمی چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

۶۹- مأموریت‌گرایی اعضای زیست‌بوم و اجتماع علمی در تحقق مرجعیت علمی چه تأثیری خواهد داشت؟

۷۰- منظور از مرجعیت علمی پلی بین ایده تا پدیده چیست و شاهره دریافت ایده‌های علمی، فناوری و نوآوری و ناظران و حامیان ایده‌ها چه کسانی یا چه مؤسسات و نهادهایی هستند؟

۷۱- نقش مرجعیت علمی در رتبه رقابت‌پذیری کشورها چگونه است؟

۷۲- پیوست فرهنگی مرجعیت علمی دارای چه چارچوبی باید باشد؟

۷۳- ارتباط مرجعیت علمی با نهضت اشتغال‌زایی و معضل بیکاری چگونه است؟

۷۴- دلایل تحقق مرجعیت علمی در سلول‌های بنیادی چیست و چگونه می‌توان چنین شرایطی را برای سایر رشته‌ها نیز جاری و ساری ساخت؟

۷۵- ارتباط خودشناسی و خودباوری با مرجعیت علمی چیست؟

۷۶- مهارت‌های نرم و سخت در تحقق مرجعیت علمی چه نقشی دارند؟

۷۷- چگونه می‌توان بین ارزش‌ها و باورهای شخصی و اجتماعی (تطابق ارزشی) با مرجعیت علمی پیوند زد؟

۷۸- تفاوت‌ها و شباهت‌های مرجعیت علوم انسانی با علوم طبیعی کدام است؟

۷۹- شاخص های عام و خاص ارزیابی مرجعیت علوم انسانی و علوم طبیعی کدام است؟

۸۰- نقش آزادی های آکادمیک در مرجعیت علمی چیست؟

۸۱- منظور از مرجعیت به گزین و به پرور چیست؟

۸۲- نقش مدیریت زمان در تحقق مرجعیت علمی چگونه است؟

۸۳- ارتباط حکمت با مرجعیت علمی چگونه است؟

۸۴- نقش دانشمندان (قهرمانان علمی) برجسته دارای مرجعیت علمی شاخص در هر رشته چه ارتباطی با محبوبیت و مقبولیت یک رشته علمی در نزد عموم جامعه دارد؟

۸۵- ارتباط مرجعیت علمی هر رشته علمی با میزان مقبولیت و محبوبیت آن رشته در نزد شهروندان جامعه چگونه است؟

۸۶- در چه شرایطی مرجعیت علمی به جای خادمی، ارباب بشر می شود؟

۸۷- ارتباط مرجعیت علمی با فلسفه علم چگونه است؟

۸۸- منظور از مرجعیت علمی مهارت محور چیست؟

۸۹- چرا مرجعیت علمی موجب پویایی صنایع می شود؟

۹۰- مرجعیت علمی وحدت آفرین منجر به چه دستاوردهایی می شود؟

۹۱- مرجعیت علمی جامعه محور چه ویژگی هایی دارد؟

۹۲- دستاوردهای مرجعیت علمی پیوندی چیست؟

- ۹۳- منظور از مرجعیت علمی عملگرا چیست؟
- ۹۴- تفاوت‌ها و شباهت‌های مرجعیت علمی با مرجعیت فناوری کدام است؟
- ۹۵- فتوالیسم علمی چگونه مرجعیت علمی را محصور و محدود می‌کند؟
- ۹۶- راهکارهای آزادی مرجعیت علمی از حصر فتوالیسم علمی و قلدری آکادمیک چگونه است؟
- ۹۷- رابطه مرجعیت علمی با دانشگاه آینده چگونه است؟
- ۹۸- منظور از مرجعیت علمی عدالت‌محور چیست؟
- ۹۹- ویژگی‌های مرجعیت علمی اخلاق‌مدار کدام است؟
- ۱۰۰- منظور از مرجعیت علمی چرخه‌ای چیست؟
- واژگان کلیدی:** پرسش‌ها و پاسخ‌ها کلیدی درباره مرجعیت علمی، ساختارهای دانش‌مدار، مرجعیت علمی، مرجعیت علمی پلی بین ایده و پدیده، علم عنکبوت‌وار، تحقیقات هدفمند.

تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی و آموزش پزشکی ایران

ناصر باقری مقدم^۱

چکیده

تحقق مرجعیت علمی یکی از اهداف کلیدی و بلندمدت در سیاست‌های علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این هدف در اسناد بالادستی متعددی نظیر سیاست‌های کلی علم و فناوری و نقشه جامع علمی کشور بیان شده و به عنوان یکی از نمادهای پیشرفت ملی مورد تأکید قرار گرفته است. مرجعیت علمی فراتر از تولید صرف علم، ناظر بر ایفای نقش محوری در شکل‌دهی به جریان‌های دانشی، هدایت تحقیقات جهانی و کسب برتری علمی در سطح بین‌المللی است. در این راستا، نظام آموزش عالی و نظام آموزش پزشکی و بهداشت، به عنوان دو زیرنظام اصلی علمی کشور، هر یک به گونه‌ای متفاوت به دنبال تحقق مرجعیت علمی بوده‌اند. با این حال، تفاوت‌های ساختاری، نهادی و سیاستی میان این دو حوزه، باعث شده است که تحقق این هدف به شکلی یکپارچه و هم‌افزا با چالش‌هایی مواجه شود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل

۱. دانشیار موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور و دبیر شورای آینده‌نگاری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، bagheri@nrsp.ac.ir.

تطبیقی ساختارها، الزامات و راهبردهای این دو نظام آموزشی، به بررسی وجوه تمایز و اشتراک آنها در مسیر دستیابی به مرجعیت علمی می‌پردازد. روش تحقیق به صورت کیفی - تحلیلی است و داده‌ها از ترکیب تحلیل یافته‌های دو پژوهش عمیق انجام شده در حوزه آموزش عالی و آموزش پزشکی، تحلیل اسناد بالادستی کشور و مرور ادبیات بین‌المللی استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی بر توسعه دانش بنیادین، استقلال دانشگاهی، تجاری‌سازی پژوهش و ارتقاء جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها تمرکز دارد، در حالی که نظام آموزش پزشکی و سلامت، اولویت را به توسعه فناوری‌های سلامت، پذیرش بیماران خارجی، دیپلماسی علمی سلامت و ایجاد بازار خدمات سلامت معطوف کرده است. پژوهش در نهایت بر ضرورت تدوین یک رهیافت یکپارچه برای سیاست‌گذاری مرجعیت علمی تأکید می‌کند؛ رهیافتی که با شناخت دقیق تفاوت‌های ساختاری و استفاده از ظرفیت‌های مکمل این دو نظام، بتواند نقش مؤثری در ارتقاء جایگاه علمی ایران در عرصه جهانی ایفا کند.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، آموزش عالی، آموزش پزشکی و سلامت، تحلیل تطبیقی.

تجربیات تمدنی در مرجعیت علمی

غلامحسین رحیمی^۱

چکیده

مرجعیت علمی را می‌توان یکی از اهداف متعالی هر جامعه پویا و پیشرفته دانست. از مهم‌ترین عوامل و روش‌ها برای دستیابی به مرجعیت علمی در عصر حاضر، بهره‌گیری از موارد، تجربیات و شواهد تمدن‌ها و جوامع پیشین است که در تاریخ تمدن بشری به مرجعیت علمی دست یافتند. به نظر نگارنده، در طول تاریخ تمدن بشر، حداقل سه تمدن بزرگ موقعیت مرجعیت علمی یافتند: تمدن یونان (حدود قرن چهارم قبل از میلاد تا قرن دوم میلادی)، تمدن اسلامی (قرون سوم تا هفتم هجری؛ نهم تا سیزدهم میلادی)، و تمدن غربی (حدود قرن شانزدهم میلادی تا انتهای قرن نوزدهم). جمع‌بندی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در سه تمدن مذکور، تحقق مرجعیت علمی حاصل پدیداری و برپایی پنج عامل اصلی در جامعه بوده است. بدین قرار: الف) دانایی و دانشوری؛ ب) پرسشگری و جویشگری؛ پ) پیشگامی و پیشتازی؛ ت) رهبری و پیشوایی؛ ث) پایداری و دیرپایی. افزون بر عوامل فوق‌الذکر، در تمدن‌های پیشرو شالوده‌هایی پدید آمد،

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

Rahimi_gh@modares.ac.ir.

سنت‌هایی شکل گرفت و نظاماتی بنا شد که زمینه را برای دستیابی به مرجعیت علمی فراهم ساخت. در این مقاله به حداقل پنج فقره از این شالوده‌های مرجع ساز علمی پرداخته می‌شود. بدین قرار: الف) حکمرانی علم (العلم سلطان)؛ ب) مدارا و سهل گیری اجتماعی؛ پ) منش و سنت‌های نوآورانه؛ ت) پویایی و انعطاف‌پذیری مداوم؛ ث) مدیریت علمی مرجع‌ساز. در این مقاله عوامل و مؤلفه‌های بالا با ذکر نمونه‌های تاریخی و مستندات علمی، تحلیل و در حد بضاعت اثبات می‌شود. دلیل طرح چنین موضوعی آن است که الف) ایران نقش اصلی را در تحقق مرجعیت علمی در تمدن اسلامی داشته است، ب) موارث مذکور در زمان حاضر نیز برای دستیابی به مرجعیت علمی قابل بهره‌گیری است. بر این اساس، به روش بهره‌گیری از تجربیات تمدنی در برنامه‌های مختلف پیشرفت کشور در مسیر تحقق مرجعیت علمی اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، علم و فناوری، تمدن ایران، تمدن اسلامی.

طراحی مسیرهای میان رشته‌ای برای دستیابی به مرجعیت علمی: تحلیلی بر پایه نقشه فضای علم و پیچیدگی علمی

صمد نژاد ابراهیمی^۱

چکیده

مرجعیت علمی در جهان امروز، صرفاً به حجم تولید علم وابسته نیست، بلکه به توانمندی کشورها در ورود به علوم پیچیده، اثرگذار و میان رشته‌ای وابسته است. جایی که علم نه فقط تولید می‌شود، بلکه مسیر آینده‌اش نیز تعیین می‌شود. پژوهش حاضر با رویکردی مبتنی بر پیچیدگی علمی و تحلیل داده‌های جهانی، به بررسی مسیرهای واقع بینانه‌ای می‌پردازد که ایران می‌تواند از طریق آنها به مرجعیت علمی نزدیک شود. با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده (RCA) و پیچیدگی حوزه‌های علمی (SCI) و بر مبنای نقشه جهانی علم طی سه سال اخیر، چهار حوزه اصلی ساختار علمی ایران - علوم انسانی، علوم زیستی، علوم سلامت و علوم فنی - مهندسی - به عنوان چارچوب تحلیل انتخاب شده‌اند. در این چارچوب، مسیرهایی نظیر حرکت از روان‌شناسی کاربردی به علوم اعصاب شناختی، از زیست‌شناسی مولکولی به ژنتیک سامانه‌ای و از علوم تربیتی به فناوری‌های یادگیری شناخت‌محور، به عنوان نمونه‌هایی از گذرگاه‌های

۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی، s_brahim@sbu.ac.ir

میان رشته‌ای شناسایی شده‌اند که نه تنها ممکن، بلکه برای دستیابی به مرجعیت علمی ضروری‌اند. این مسیرها، حاصل تلفیق ظرفیت‌های علمی بالفعل کشور با ساختار شبکه‌ای علم جهانی‌اند و می‌توانند به عنوان الگوی طراحی نقشه جامع علمی آینده کشور با رویکرد میان رشته‌ای به کار روند. دستیابی به مرجعیت علمی تنها از مسیر عبور از مرزهای دانش و اتصال میان رشته‌های به ظاهر مجزا اما دانشی هم‌جوار ممکن خواهد بود- و این، نیازمند نگاهی نو به سیاست‌گذاری علم و فناوری کشور است.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، پیچیدگی علمی، نقشه فضای علم، مسیرهای میان رشته‌ای، مزیت نسبی آشکار شده (RCA)، پیچیدگی حوزه‌های علمی (SCI).

فرهنگ علم و فرهنگ علمی

يعقوب فتح‌اللهی^۱

چکیده

پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می‌کند و بشر همواره در صدد فهمیدن و درک کردن بوده است. همه ادیان آسمانی و مکاتب بشری بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخارآمیز می‌شمارند. علم به معنی عام، مجموع تفکرات بشری درباره جهان و محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است. نقش علم و دانش در زندگی انسان، آموزش راه سعادت، کمال، سازندگی و آبادانی و خلق حیات تمدنی است. علم انسان را توانا می‌کند که آینده را همان‌گونه که می‌خواهد بسازد. اما انسان به اعتبار شایستگی و صلاحیت فطری و برخورداری از نیروی اختیار، اراده، عقل و آزادی مسئول است. مسئول در برابر پروردگار عالم، خود و جامعه. در این میان، مسئولیت اجتماعی یعنی رسالت، مأموریت و تکالیف اجتماعی دانشمندان، علما دین و مؤسسات علمی، خودنمایی می‌کند. به این معنی که بشر در سایه علم، فناوری، صنعت و تمدن‌سازی، به صلح، صفا و امنیت روانی دست یابد و راه رسیدن به رستگاری و سعادت برای او هموار شد. ما با طرح

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس، fatolahi@modares.ac.ir.

روایت‌هایی نو، با ابتدا به علم و دین، باید درک جدیدی از روابط انسان-طبیعت و علم-جامعه ترویج کنیم. ترویج اقدامات اجتماعی و سیاسی جدید، با بازآفرینی روابط علم، دین و جامعه مسیر می‌شود. ما با ترویج روابط جدید و بهتر بین علم، دین و جامعه، باید تشکله‌ها و فرصت‌های سیاسی جدیدی بیافرینیم. با بازآفرینی نقش نیرومند، سرآمد، شاخص و متمایز مجامع و محافل علمی در فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، از طریق نهادینگی فرآیندهای علمی و تقویت و گسترش روابط ضروری علم با سایر روش‌های فکری، مرجعیت و اقتدار علمی را ترویج کنیم. فرآیندهای علمی، مدیریت ارزش‌های اجتماعی و سیاسی دانشمندان و مؤسسات علمی را میسر می‌سازد. بدین ترتیب با نهادینگی فرآیندهای علمی و تقویت و گسترش روابط ضروری علم با سایر روش‌های فکری، مرجعیت و اقتدار علمی ترویج می‌یابد. در حالی که روابط علم با تفکر هنری و اخلاقی، استفاده از علم را در پاسخ به مشکلات، مسائل و چالش‌های سیاسی و اجتماعی مشروعیت می‌بخشد. ما مرزهای اقتدار علمی را دوباره باید ترسیم کنیم تا پرسش‌های سیاسی و حکمرانی را در بر گیرد و در عین حال مرزهای بین نهادهای قدرت، قانون، دین، دانش علمی و سایر شیوه‌های تفکر را در حوزه سیاست و حکمرانی، باید روشن کره و تبیین کنیم.

واژگان کلیدی: فرهنگ علم، تفکر هنری و اخلاقی، چالش‌های سیاسی و اجتماعی.

محور دوم:

مؤلفه‌های تحول و پیشرفت در حکمرانی

سیاسی کشور

(با همکاری اندیشکده سیاست)

تأثیر سیاست خارجی بر کارآمدی و اجرای برنامه‌های توسعه

الهه کولایی^۱

چکیده

در دنیای جهانی شده، توسعه و افزایش قدرت و ثروت همواره دغدغه اصلی دولت‌هایی محسوب می‌شود که بر اساس آرا مردم شکل گرفته‌اند. وقتی از ارتباط توسعه ملی و سیاست خارجی صحبت به میان می‌آید، نقش سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه‌ای یک کشور اغلب از منظر کشورهای توسعه یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد در حالی که بستر و زمینه کشورها اجازه به کارگیری رویکرد واحد به خصوص از منظر کشورهای در حال توسعه را نمی‌دهد. بنابراین به دنبال بررسی مبنای نظری هم‌راستایی سیاست خارجی و توسعه ملی از منظر مدیریت توسعه و ارائه چارچوبی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح سیاست‌گذاری با استفاده از رویکرد فزاینده هستیم. با بهره‌گیری از نظریه‌های متناسب با وضعیت کشور ایران می‌تواند سیاست خارجی و توسعه ملی را با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوجانبه بر یکدیگر به سمت مدیریت توسعه کارآمد و سیاست خارجی توسعه‌گرا با ابعاد توسعه که شامل بعد

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

ekolaee@ut.ac.ir

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جامعه مدنی، امنیت و صلح، دولت و بازار و نهایتاً بعد زیست محیطی است، هدایت کرد. توسعه ملی ایران نیازمند در پیش گرفتن رویکرد همه جانبه و نه صرفاً اقتصادی و به تبع آن سیاست و راهبردهای ویژه‌ای در سیاست خارجی می‌باشد. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران به منظور ایجاد توسعه همه جانبه و پیوند آن با سیاست خارجی در کشور باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، رویکرد فراترکیب، کارآمدی، راهبردهای ویژه، مدیریت توسعه.

الزامات و بایسته‌های حاکمیتی توسعه یا پیشرفت سیاسی در

ج.۱. ایران

جلال درخشه^۱

چکیده

سیاست‌گذاری دولت نقش مهمی در پیشبرد اهداف کشور به سمت توسعه پایدار دارد؛ چرا که دولت می‌تواند موجب بهبود شرایط زندگی شود ضمن اینکه شرایط برخورداری را برای نسل فعلی فراهم و تضمینی برای بهره‌مندی نسل آینده از وضعیت مناسب تأمین کند. لازمه توسعه پایدار، تکیه بر حکمرانی خوب و مدیریت به هم پیوسته از بازیگران محلی و ملی برای دستیابی به توسعه پایدار است. تمرکز بر روی نمونه‌های موفق از نهادها و سازمان‌ها در کشورهای در حال توسعه مهم است؛ نهادهایی که موفق شده‌اند در یک محیط نهادی ناکارآمد تبدیل به سازمانی اثربخش و موفق شوند. توسعه‌گرایان باید راهکارهایی و روش‌هایی را برای دستیابی به اهدافشان مد نظر قرار دهند. مانند: اهمیت گفت‌وگو، مذاکره و توافق در سطح سیاسی، ایجاد رابطه مستمر میان بخش‌هایی از ائتلاف حاکم و نخبگان توسعه‌گرا، بهبود روابط دولت-ملت از طریق

۱. استاد دانشگاه امام صادق (ع) و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

j.dorakhshah@yahoo.com

مشارکت در حل مسئله، توجه به سطح سازمانی به عنوان سطح واقعی و عملیاتی ساختار اجتماعی و سیاسی و تلاش برای موفقیت‌های کوچک که مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها و رویکردهایی هستند که می‌توانند به بهبود عملکرد در عرصه سیاست‌گذاری در کشورهای در حال توسعه کمک کنند.

واژگان کلیدی: الزامات حاکمیتی، پیشرفت سیاسی، سیاست‌گذاری، نهادهای اثربخش، ائتلاف حاکم و نخبگان.

ضرورت و الزامات استقرار دولت توسعه برای تحقق توسعه در

ج.۱. ایران

رحیم ابوالحسنی^۱

چکیده

دولت توسعه‌گرا اصولاً دولتی است که دولتمردان آن از نزدیک درگیر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خرد و کلان، برای رشد اقتصادی هستند. سازمان درونی دولت‌های توسعه‌گرا به دیوان‌سالاری وبری نزدیک‌تر است. لغت ویچ این مدل از دولت را بخشی از سرمایه‌داری دانسته است (که گاهی آن را سرمایه‌داری توسعه دولت می‌نامند) و آن را در کنترل اقتصاد مستقل‌تر و خودگردان‌تر می‌داند. دولت توسعه‌گرا را می‌تواند از دخالت شدید دولت، در برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری شناخت. دولت توسعه‌گرا در کشورهای مختلف، با توجه به ویژگی‌های آن کشورها در ابعاد درونی و بیرونی، می‌تواند مشخصات متفاوتی داشته باشد. افرادی نظیر لغت ویچ در کنار دولت توسعه‌گرا به مفهوم دولت دموکراتیک توسعه‌گرا نیز اشاره می‌کنند و ویژگی‌های دیگری نظیر ویژگی‌های دموکراسی سیاسی را به آن می‌افزایند اما همان‌گونه که لغت ویچ نیز بر آن تأکید

۱. دانشیار دانشگاه تهران و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

srabolhasani@yahoo.com

دارد، دموکراسی شرط توسعه نیست و رابطه‌ای معنادار و علت و معلولی بین آنها وجود ندارد. تجربه بسیاری از کشورها نیز این موضوع را ثابت می‌کند: نظیر کره جنوبی و مالزی؛ در حالی که نظام‌شان مبتنی بر حکومت‌های خودکامه یا نسبتاً خودکامه بوده است. دولت ماهاتیر محمد در مالزی شاهد خوبی در این خصوص است که تحت برنامه ۲۰۲۰ و مبتنی بر چنین رویکردی و با وجود دیکتاتوری‌ای خیرخواهانه و الهام‌بخش، گام‌های عظیمی در راستای تحول مالزی برداشته است. حکومت ۱۸ ساله خودکامه ژنرال پارک چونگ‌هی، در کره جنوبی نیز مصداق دیگری است.

کلیدواژگان: دولت توسعه‌گرا، دخالت دولت، کنترل اقتصاد، برنامه‌ریزی دولت، سازمان درونی دولت.

الزامات نظارت و پیگیری همه جانبه و کارآمد برنامه های توسعه

علی مرتضویان^۱

چکیده

برنامه های توسعه، مجموعه برنامه های میان مدتی است که به صورت پنج ساله و توسط دولت تنظیم می شود و برای اجرا به تصویب مجلس می رسد. آمارها نشان می دهد در برنامه های توسعه اهداف برنامه ها محقق نشده است. با توجه به مشکلات موجود و به منظور برقراری ارتباط شفاف بین برنامه ریزی و بودجه ریزی و اعمال نظارت عملیاتی و نظارت راهبردی، ارائه راهکارهایی برای برقراری ارتباط بین این دو اهمیت دارد، راهکارهایی مانند: ۱- نفوذ برنامه های راهبردی و کلان به سطوح عملیاتی و اجرایی، ۲- تعیین اهداف کلی و کمی هر یک از بخش ها در سال های اجرای برنامه، ۳- تبدیل هدف های کلی به اهداف کمی قابل سنجش، ۴- تعیین مسئولیت هر یک از دستگاه های اجرایی در تحقق اهداف مورد نظر قانون گذار، ۵- پیش بینی میزان اعتبار و منابع مورد نیاز برای اجرای هر یک از اهداف کمی در طول سال های اجرای برنامه، ۶- پیش بینی محل تأمین اعتبار منابع مورد نیاز، ۷- مشخص کردن برنامه های اجرایی لازم برای

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، a_mortazav@yahoo.com

تحقق اهداف در طول سال‌های برنامه، ۸- ایجاد مبنایی برای تدوین بودجه سنواتی هر یک از دستگاه‌ها و نفوذ برنامه‌ها و سیاست‌های کلان و بالادستی را به برنامه‌های سالانه و بودجه‌های سنواتی، ۹- ایجاد شفافیت در ارتباط بین برنامه و بودجه، ۱۰- ایجاد مبانی لازم برای اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد.

واژگان کلیدی: برنامه توسعه، پیگیری، نظارت، کارآمدی، شفافیت، سنجش‌پذیری.

الزامات و بایسته‌های تنظیم‌گری در توسعه سیاسی در ایران

یحیی فوزی^۱

چکیده

به رغم مطرح شدن «توسعه پایدار» به عنوان چارچوبی مناسب برای توسعه و واکنش مثبت بسیاری از دولت‌ها، این پرسش وجود دارد که آیا دولت‌های تنظیم‌گر بهره‌مندی از توسعه پایدار را تقویت می‌کنند یا چالش‌ها و موانعی پیش روی آن قرار می‌دهند. اصول و سیاست‌های نئولیبرالی حاکم بر دولت‌های تنظیم‌گر از قبیل رقابت بازار، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، آزادسازی تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، تولیدات صادرات‌گرا و توسعه رشدمحور، تحقق توسعه پایدار را با مانع روبه‌رو ساخته است. تنظیم‌گری در معنای عام خود عبارت است از هر گونه کنترل بر ارائه‌کنندگان خدمت عمومی که در جهت تأمین منفعت عمومی اعمال می‌شود. هدف حکومت‌ها تأمین منفعت عمومی است و این مفهوم در هر یک از حکومت‌ها معنای خاصی می‌دهد. پس تنظیم‌گری عبارت است از مجموعه‌ای از مداخلات حاکمیتی توسط نهاد تنظیم‌گر (با استفاده از ابزار حقوقی، قانونی و اقتصادی) با هدف تحقق اهداف

۱. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Yahyafozi@yahoo.com

اقتصادی یا اجتماعی. در ایران طی سالیان طولانی، اکثر وظایف تنظیم‌گرانه مستقیماً توسط حکومت انجام می‌گرفته و تفکیک مشخصی بین سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری وجود نداشته است. اما با گذشت زمان به تدریج سازمان‌هایی با مأموریت تنظیم‌گری در زیرمجموعه دولت به وجود آمدند.

واژگان کلیدی: تنظیم‌گیری، توسعه پایدار، دولت تنظیم‌گر، توسعه سیاسی، مداخلات حاکمیتی.

محور سوم:

حکمرانی آمایش محور؛ بایسته و راهبردها
(با همکاری اندیشکده آمایش بنیادین)

فناوری‌های ترکیبی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک ایران با رویکرد فرصت‌ها و تهدیدها

محمد اخباری^۱

چکیده

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر نقش قابل توجهی در بازتعریف مناسبات ژئوپلیتیکی کشورها داشته است. فناوری‌های ترکیبی مانند هوش مصنوعی، بلاکچین، اینترنت اشیا و زیست‌فناوری نقش کلیدی در تحولات ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند. می‌توانند هم فرصت‌هایی برای افزایش قدرت ملی و هم تهدیداتی برای امنیت و پایداری کشورها به همراه داشته باشند. این مقاله با تمرکز بر ایران، تأثیر فناوری‌های ترکیبی بر ژئوپلیتیک کشور را بررسی کرده و به تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای این فناوری‌ها در محیط داخلی و خارجی ایران می‌پردازد. این فناوری‌ها به ایران امکان می‌دهند که امنیت مرزها، بازدارندگی نظامی، مدیریت منابع و تولیدات صنعتی و کشاورزی خود را بهبود بخشد. با وجود فرصت‌های ناشی از این فناوری‌ها، چالش‌هایی همچون تحریم‌های بین‌المللی و رقابت منطقه‌ای نیز وجود دارند. با این حال، استفاده استراتژیک از فناوری‌های ترکیبی

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، عضو اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، dr.m.akhbari@gmail.com

می‌تواند ایران را به بازیگری کلیدی در نظم جهانی تبدیل کرده و از موقعیت ژئوپلیتیکی آن بهره‌برداری مؤثری کند. این موضوع اهمیت ترکیب فناوری‌های نوین با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی برای توسعه پایدار و افزایش قدرت منطقه‌ای و جهانی ایران را برجسته می‌سازد. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های تحلیلی، فرصت‌ها و تهدیدات مرتبط با این فناوری‌ها بررسی شده و راهبردهایی برای بهره‌برداری از آنها پیشنهاد شده است. نتیجه آنکه ایران به اتخاذ راهبردهایی می‌تواند از این فناوری‌ها برای افزایش قدرت ملی و مقابله با تهدیدات بین‌المللی بهره‌برد.

واژگان کلیدی: فناوری‌های ترکیبی، ژئوپلیتیک ایران، فرصت‌ها و تهدیدها، انقلاب دیجیتال، ژئوپلیتیک و فناوری.

شکل گیری سازماندهی های اجتماعی جدید و لزوم تدوین سند راهبردی آمایش سائیری ایران

محمد حسین رامشت^۱، طیه محمودی^۲، مریم غفاری^۳

چکیده

فناوری های نوظهور نه تنها بسیاری از ارزش ها و سیاست های ملی را می تواند تحقق دهد که سبب پدیده نوینی به نام سازماندهی اجتماعی می شود. سازماندهی اجتماعی به سازمانی اجتماعی گفته می شود که دارای ویژگی های خاص در توزیع قدرت، تقسیم کار، نحوه بهره برداری از محیط و مرتبتی در تقسیمات اداری کشور است. سازماندهی اجتماعی سازمانی منعطف است که جامعه عضو، دریافت و فهم شناختی خود را، از محیط می گیرد. بسیاری معتقدند با ظهور فناوری های نوین باید شاهد سازماندهی های جدیدی بود که نه تنها نمی توان آنها را ایل، روستا و یا شهر نام نهاد، بلکه الگوهای جدیدی از زیست جمعی خواهد بود که هویت نوینی را برای ساکنان خود تعریف خواهند کرد. به عبارت دیگر مهم ترین موضوعی که اکنون پیش روی اندیشکده آمایش است فراغت از مکان

۱. استاد گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول، mh.raamesht@gmail.com

۲. پژوهشیار گروه جغرافیای دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

در هویت آفرینی الگوهای زیست جمعی است و با این تحولات پرسش‌های متعددی در برابر آنها قرار دارد. نتایج حاصل از بررسی‌هایی که در این مقاله به روش جغرافیاشناختی انجام شده نشان می‌دهد که: * فناوری‌های جدید الگویی از زیست جمعی را به وجود می‌آورد که سابقه‌ای در تجارب تاریخی بشر ندارد. * فناوری‌های نوظهور قادرند بخشی از ارزش‌های جامعه ما را محقق و محدودیت‌های فضای طبیعی را مرتفع کنند. * به نظر می‌رسد پایداری و موجودیت ایلات و روستاهای ایران وقتی می‌تواند تضمین شود که با شکل‌گیری متروپل‌های روستایی و عشایری به تعریف نسبتی در سود و تجارت مجازی مبادرت کنند.

واژگان کلیدی: سازمانی اجتماعی، فضای سایبری، الگوی زیست جمعی، جغرافیاشناختی.

الزامات نهادی حکمرانی منطقه‌ای مبتنی بر رویکردهای

منطقه‌بندی آمایشی

نادر زالی^۱

چکیده

حکمرانی و شیوه‌های آن یکی از جدی‌ترین مباحث حوزه اندیشه‌ورزی عرصه‌های سیاست، اقتصاد، مدیریت، حقوق، جامعه‌شناسی و حتی در حوزه دینی محسوب می‌شود. مفهوم دولت و چارچوب حکمرانی آن در مورد حدود اختیارات و شیوه مدیریت آن، از قرن شانزدهم میلادی در ادبیات حوزه اندیشه وارد شد. از آن موقع تاکنون نظریه‌های دولت دستخوش دگرگونی و تحولات فراوانی شده که ساختار مدیریتی دولت‌ها بر اساس نوع نظریه‌های مورد پذیرش تحولات ویژه‌ای را تجربه کرده‌اند به گونه‌ای که حوزه تفکر موسوم به نظریه دولت، در دهه اخیر تحت واژه نظریه حکمرانی مطلوب در ادبیات نظری و ادبیات اجرایی دولت‌ها ترویج یافته است. در عرصه حکمرانی چگونگی ساختار قدرت در تصمیم‌گیری و اجرا یکی از سنجه‌های اندازه‌گیری دولت مطلوب تلقی می‌شود. این نظریه، سابقه‌ای بسیار دیرینه داشته و در بحث نظریه‌های

۱. دانشیار دانشگاه گیلان و عضو اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
n.zali54@gmail.com.

مربوط به تئوری دولت، یکی از مباحث ثابت بین صاحب نظران حوزه های اقتصاد، مدیریت، حقوق، سیاست، جامعه شناسی و علوم اجتماعی بوده است؛ اما در دهه اخیر مورد تأکید شدید نظریه پردازان قرار گرفته است به گونه ای که در دهه های اخیر نیز گزارش های سالانه بانک جهانی نیز مملو از تبیین اهمیت تمرکززدایی به عنوان یک رهنمود برای استقرار حکمرانی خوب بوده است. تمرکززدایی یکی از رهیافت های مربوط به اندیشه های مردم سالاری کردن دولت ها تلقی می شود که کاربرد آن به عنوان یکی از ارکان الگوهای بازسازی، نوسازی و اصلاحات در عرصه حکمرانی مورد استفاده بوده است. مبانی فلسفی تمرکززدایی بر اصل توانمندسازی دولت ها قرار دارد که در عین حال یکی از ابزارهای مشارکت مدنی نیز محسوب می شود. تمرکززدایی از بعد «کارآمد ساختن دولت» بر این اصل استوار است که مداخله هر چه بیشتر دولت در اداره امور باعث پیچیده شدن هر چه بیشتر اهداف، حجیم شدن تشکیلات کلان دولت، سنگینی بیش از حد وظایف، بازماندن از وظایف اصلی و سرانجام گم شدن هدف های حساس است. بنابراین کارآمدسازی نظام سیاسی و اداری دولت از طریق کاهش مسئولیت های وی، اصل تمرکززدایی را اجتناب ناپذیر می سازد. از سوی دیگر تمرکززدایی از بعد اندیشه های کرامت جوئی حقوق انسانی و استقرار سامانه های دموکراتیک بر اصل کثرت گرایی استوار است، زیرا در تمرکزگرایی، نظم مرکزی حاکم است که کانون واحدی قدرت تصمیم سازی و

تصمیم‌گیری را در اختیار دارد. به همین دلیل اندیشه تمرکززدایی و کثرت‌گرایی در نظر دارد تا حجم متناسبی از «استقلال»، «صلاحیت» و «انجام کار» را از ساختار دولت خارج کرده و قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری را باز توزیع کند. تمرکززدایی از این منظر در پی آن است که اهداف افزایش احساس مسئولیت عمومی و جامعه‌پذیری، افزایش اعتماد به نفس، شناخت مشروعیت صاحبان اصلی قدرت (یعنی مردم)، نظارت بر جریان قدرت در جامعه، استفاده از استعدادها و پتانسیل‌های موجود در جامعه و شکوفا کردن زمینه‌های لازم برای پرورش و تربیت نخبگان، بهره‌گیری بیشتر از منابع انسانی و مادی جامعه به منظور افزایش زمینه‌های ابتکار و نوآوری و نظایر آنها را در جامعه محقق سازد. علاوه بر آن دولت‌ها در عدم تمرکز اداری و مالی نیز صلاحیت اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا درباره اداره امور عمومی کشور در سطح منطقه به سطوحی از مقامات منطقه‌ای و محلی دولت مرکزی واگذار می‌شود. در این شیوه دولت مرکزی به جای آن که عهده‌دار کلیه امور مناطق باشد، اداره تمام یا بخشی از امور منطقه‌ای و محلی را به مقامات منطقه‌ای یا تشکلهای و شوراهای محلی واگذار می‌کند، تا انجمن‌ها و مأمورانی که از طرف مردم منطقه انتخاب شده‌اند امور مزبور را اداره کنند، لکن ساختارهای مربوط به اصول نظارتی و حاکمیتی را هم چنان دولت مرکزی ساماندهی می‌کند. هم اکنون پس از فراز و نشیب‌های پیاپی در سیر تحول اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی یعنی نحوه اداره کشور،

شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم و در نهایت نظریه حکمرانی خوب به عنوان بنیان توسعه، پدیدار شده است. این نظریه به دنبال یافتن ویژگی‌ها و پیش‌نیازهای توسعه است و بیش از هر عامل دیگری بر تحول نهادها و ساختارهای درونی و قوانین رسمی و غیررسمی جوامع برای دست یافتن به آن تأکید می‌ورزد. در سال‌های اخیر، نظام توسعه منطقه‌ای با مشکلات زیادی مواجه بوده است که بسیاری از آنها مرتبط با پیچیدگی فرایندهای تصمیم‌گیری، تنوع سازمان‌های محلی و ارتباط دوگانه آنها با نهاد رسمی ملی و تعارض تصمیمات با نهادهای مدیریتی استانی، نبود نهاد رسمی هماهنگی توسعه منطقه‌ای و همگرایی درون منطقه‌ای بوده است. وجود ظرفیت‌های نهادی و حکمرانی از مؤلفه‌های مهم در سیاست‌گذاری هستند و مسئله‌ای که مطرح است این است که الزامات نهادی حکمرانی منطقه‌ای چیست و جایگاه آن در نظام حکمرانی کشور چگونه باید باشد؟ این مقاله سعی خواهد کرد با استفاده از تجربیات بین‌المللی، الزامات و ضرورت‌های نهاد منطقه در نظام برنامه‌ریزی کشور را بررسی و پیشنهادهای لازم را ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی منطقه‌ای، الزام نهادی، تعادل مدیریت.

نظام برنامه‌ریزی آمایش محور (مفهوم و ابعاد)

حسین آرامی^۱

چکیده

آمایش سرزمین در واقع تنظیم رابطه بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسان در سرزمین به منظور بهره‌برداری در خور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان تعریف شده است. پیشرفت متوازن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در کنار حراست از منابع محدود سرزمینی، منوط به رعایت اصول و سیاست‌های آمایش سرزمین است. به تعبیری هدف اصلی آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی حمایت و ترویج توسعه پایدار و متعادل در سطوح مختلف سرزمینی و مناسبات پیچیده اقتصادی-اجتماعی- فرهنگی در سرزمین می‌باشد. بنابراین، انتظار می‌رود در راستای جاری‌سازی آمایش سرزمین به عنوان یک استراتژی بلندمدت توسعه پایدار و در خور در کشور و البته مناطق و استان‌ها، کلیه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با رویکرد کل‌نگر این اسناد همخوان و هم‌راستا قرار گیرند. همچنان که در مفاد مبادی فراست توسعه کشور از جمله سیاست‌های کلی نظام

۱. کارشناسی ارشد، مسئول دبیرخانه اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، arami1338@gmail.com

بر توجه به اصول آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی همسان‌نگر و فعال‌سازی ظرفیت‌ها در سراسر کشور تأکید شده است، ضروری است کلیه برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، تخصیص اعتبار و مبادی بودجه‌ریزی عملیاتی، تعریف پروژه‌ها و ...)، طرح‌ها و کلان پروژه‌های سرزمینی (سرزمین به مثابه؛ محیط یا همان سازمان فضایی، انسان و طبیعت) تحت تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های سند آمایش ملی و استانی تدوین و اجرا شوند.

در بند ب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی کشور آمده بود که "برنامه پنجم توسعه کشور در سازگاری با سند ملی آمایش تنظیم شود". اگرچه به دلیل تغییر دولت و دیدگاه‌های حاکم بر آن این حکم در برنامه پنجم نادیده گرفته شد اما اصل مطلب تا امروز اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید. اما به راستی سازگاری برنامه توسعه با سند ملی آمایش سرزمین به چه مفهومی است؟ به تعبیر دیگر برنامه آمایش محور چه تعریف و چه ویژگی‌هایی دارد؟ به ویژه وقتی صحبت از نظام برنامه‌ریزی می‌شود که شامل نهادها، فرایندها و محتوی برنامه‌ریزی می‌شود پرسش وسعت پیدا می‌کند. اینکه نهادهای برنامه‌ریزی آمایش محور چه ویژگی‌هایی دارند؟ فرایند برنامه‌ریزی در این حالت چگونه باید باشد؟ و محتوی برنامه‌های آمایش محور شامل سیاست‌ها، راهبردها، اهداف و برنامه‌های اجرایی چه مشخصاتی خواهند داشت؟ این مقاله به استناد مطالعات

کتابخانه‌ای و تجربیات مؤلف در پی ارائه پاسخ قابل پذیرش به لحاظ علمی و امکان‌پذیر به لحاظ اجرایی به پرسش‌های مذکور می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظام برنامه‌ریزی، آمایش سرزمین، برنامه آمایش‌محور، پیشرفت.

ضرورت نظام برنامه‌ریزی با محوریت پایداری محیط

قاسم عزیزی^۱

چکیده

نظام برنامه‌ریزی "پایداری محیط‌محور" یا با محوریت پایداری محیط، رویکردی است که در آن احیا، حفظ و بهبود محیط‌زیست به عنوان هسته اصلی تمامی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شود. این نظام بر پایه این اصل استوار است که رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی باید در چارچوب ظرفیت‌های طبیعی زمین صورت گیرد تا امکان برخورداری از منابع طبیعی برای نسل‌های فعلی و آینده به شکل پایدار حفظ شود. در این نظام، برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که تعادل بین سه رکن اصلی توسعه پایدار (اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست) برقرار شود. این رویکرد نه تنها به کاهش اثرات منفی فعالیت‌های انسانی بر محیط‌زیست می‌پردازد، بلکه فرصت‌هایی برای ایجاد مشاغل سبز، افزایش رفاه اجتماعی و تضمین امنیت منابع طبیعی فراهم می‌کند. در نظام برنامه‌ریزی بر مبنای پایداری محیط، مدیریت یکپارچه منابع طبیعی نقش کلیدی ایفا می‌کند. این مدیریت شامل برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از منابع

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
ghazazi@ut.ac.ir.

آب، خاک، هوا و انرژی است، به گونه‌ای که این منابع برای نسل‌های آینده نیز قابل استفاده باقی بمانند. برای مثال، در بخش آب، این نظام به دنبال کاهش هدررفت، افزایش بهره‌وری و استفاده از فناوری‌های نوین آب است. در بخش انرژی نیز، تمرکز بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی است تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی کاهش یابد و انتشار گازهای گلخانه‌ای کنترل شود. یکی از ویژگی‌های مهم این نظام، توجه به مشارکت عمومی و آموزش است. برنامه‌ریزی پایداری محیط‌محور بدون مشارکت فعال جامعه و افزایش آگاهی عمومی نمی‌تواند به موفقیت دست یابد. آموزش‌های محیط‌زیستی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها می‌تواند نقش مهمی در تغییر رفتارهای فردی و جمعی ایفا کند. همچنین، مشارکت مردم در پروژه‌های محیط‌زیستی، مانند کاشت درختان، مدیریت پسماند و حفاظت از منابع طبیعی، می‌تواند به تقویت حس مسئولیت‌پذیری و تعلق خاطر به محیط‌زیست منجر شود. در نهایت، نظام برنامه‌ریزی پایداری محیط‌محور نیازمند هماهنگی بین‌بخشی و سیاست‌گذاری‌های یکپارچه است. این نظام باید بتواند بین اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تعادل ایجاد کند و از تضاد بین این اهداف جلوگیری کند. برای دستیابی به این هدف، همکاری بین سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی، نهادهای غیردولتی و جامعه محلی ضروری است. تنها با چنین رویکردی می‌تواند به آینده‌ای پایدار دست یافت که در آن محیط‌زیست سالم،

اقتصاد پویا و جامعه امیدوار متبلور می‌شود. تمرکز بر چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای کلیدی می‌تواند به حفظ و بهبود محیط‌زیست ایران در بلندمدت کمک کند. محورها و نکات مهم در این مبحث می‌تواند بدین شرح باشند:

- ۱- اهمیت پایداری محیط طبیعی در برنامه‌ریزی بلندمدت
 - تعریف پایداری محیط طبیعی: توضیح مختصری درباره مفهوم پایداری و اهمیت آن در برنامه‌ریزی بلندمدت.
 - تأکید بر برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با چالش‌های محیط‌زیستی مانند تغییر اقلیم، کاهش منابع آب و فرسایش خاک.
 - وضعیت کنونی ایران: اشاره به چالش‌های محیط‌زیستی ایران مانند خشکسالی، بیابان‌زایی، آلودگی هوا و کاهش تنوع زیستی.
- ۲- محورهای کلیدی برای برنامه‌ریزی پایدار در ایران
 - الف) مدیریت منابع آب
 - چالش‌ها: کاهش منابع آب زیرزمینی، خشکسالی‌های مکرر، مصرف نادرست آب در بخش کشاورزی و صنعت.
 - راهکارها:
 - تحقیق و توسعه برای کشت ارقام زراعی و باغی مقاوم به کم‌آبی.
 - تحقیق و توسعه به کارگیری فناوری‌های مدرن برای پایش محصول در ارقام زراعی و باغی.

- توسعه سیستم‌های آبیاری مدرن و کاهش هدررفت آب.
 - بازچرخانی آب و استفاده از فناوری‌های نوین در تصفیه آب.
 - برنامه‌ریزی برای مدیریت یکپارچه منابع آب در سطح ملی و منطقه‌ای.
- ب) مقابله با تغییر اقلیم
- چالش‌ها: افزایش دما (افزایش تبخیر و افزایش نیاز آبی محصولات).
 - بی‌نظمی بیشتر، تغییر الگو و کاهش بارش، وقوع سیل و خشکسالی‌های طولانی.
- راهکارها:
- تحقیق، توسعه و اجرای پروژه‌های سازگاری با تغییر اقلیم مانند کشاورزی پایدار و مدیریت منابع طبیعی.
 - مشارکت در توافق‌های بین‌المللی برای کاهش اثرات تغییر اقلیم.
 - توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی) برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای.
- ج) حفظ تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها
- چالش‌ها: نابودی جنگل‌ها، مراتع و تالاب‌ها، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری.
- راهکارها:
- ایجاد و گسترش مناطق حفاظت شده و پارک‌های ملی.

- احیای تالاب‌ها و جنگل‌های تخریب شده.
- کنترل فعالیت‌های انسانی مانند شکار غیرقانونی و تخریب زیستگاه‌ها.
- (د) مدیریت پسماند و آلودگی
 - چالش‌ها: افزایش تولید پسماند، آلودگی هوا، آب و خاک.
 - راهکارها:
- توسعه سیستم‌های بازیافت و مدیریت پسماند.
- کاهش استفاده از پلاستیک و مواد غیرقابل تجزیه.
- کنترل آلودگی صنعتی و استفاده از فناوری‌های پاک.
- (ه) برنامه‌ریزی شهری و روستایی پایدار
 - چالش‌ها: گسترش بی‌رویه شهرها، تخریب زمین‌های کشاورزی، افزایش ترافیک و آلودگی هوا.
 - راهکارها:
- توسعه شهرهای سبز با استفاده از انرژی‌های پاک و فضای سبز.
- برنامه‌ریزی برای حمل و نقل عمومی پایدار.
- حفظ اراضی کشاورزی و جلوگیری از تغییر کاربری غیراصولی.
- (و) آموزش و مشارکت عمومی
 - چالش‌ها: کمبود آگاهی عمومی و مدیریتی درباره مسائل محیط‌زیستی.
 - راهکارها:

- پاسخگو کردن مسئولان در ارتباط با پیامدهای زیست محیطی تصمیمات و عملیات اجرا
- آموزش درست محیط زیست در مدارس و دانشگاه ها.
- افزایش مشارکت مردم در پروژه های محیط زیستی.
- استفاده از رسانه ها برای افزایش آگاهی عمومی.
- ۳- نقش فناوری و نوآوری در پایداری محیط طبیعی
- فناوری های نوین: استفاده از هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و داده های بزرگ برای مدیریت منابع طبیعی.
- انرژی های تجدیدپذیر: توسعه انرژی خورشیدی، بادی و زمین گرمایی به جای سوخت های فسیلی.
- کشاورزی هوشمند: استفاده از فناوری های نوین در کشاورزی برای کاهش مصرف آب و افزایش بهره وری.
- ۴- چالش های پیش رو و راهکارهای سیاسی
- چالش ها: کمبود بودجه، نبود هماهنگی بین سازمان ها، مقاومت در برابر تغییر.
- راهکارها:
- تدوین قوانین و مقررات محکم برای حفاظت از محیط زیست.
- ایجاد هماهنگی بین سازمان های دولتی و غیردولتی.
- جلب مشارکت بخش خصوصی و سرمایه گذاری در پروژه های پایدار.

۵- پیام نهایی

- اهمیت اقدام فوری: تأکید بر اینکه برنامه‌ریزی بلندمدت باید از امروز آغاز شود تا از بحران‌های آینده جلوگیری شود.

- امیدواری و خوش‌بینی: اشاره به اینکه ایران با منابع طبیعی غنی و نیروی انسانی توانمند می‌تواند به الگویی برای پایداری محیط‌زیست در منطقه تبدیل شود.

- فراخوان به اقدام: دعوت از همه ذی‌نفعان، از جمله دولت، بخش خصوصی و مردم، برای همکاری در جهت دستیابی به پایداری محیط طبیعی.

واژگان کلیدی: مشاغل سبز، بهره‌وری آب، بهینه‌سازی مصرف، خشکسالی، نیاز آبی، انرژی‌های تجدیدپذیر، تغییر اقلیم.

ظرفیت‌ها و چالش‌های پیوستن ایران به دالان‌های ارتباطی اولویت‌دار منطقه‌ای و جهانی

عابد گل کریمی^۱

چکیده

ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد خود در تقاطع دالان‌های ارتباطی بین‌المللی، ظرفیتی استراتژیک برای توسعه تعاملات منطقه‌ای و جهانی دارد. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به عنوان یک سند بالادستی، بر فعال‌سازی این ظرفیت تأکید داشته و آن را یکی از محورهای کلیدی پیشرفت همه‌جانبه کشور می‌داند. با این حال، چالش‌هایی همچون محدودیت‌های زیرساختی، تحریم‌های بین‌المللی و رقابت‌های منطقه‌ای می‌تواند مانع تحقق این ظرفیت‌ها شود. از این‌رو، این پژوهش با رویکردی تحلیلی به بررسی ظرفیت‌های ایران در دالان‌های ارتباطی و چالش‌هایی که مانع تحقق رویکرد سند در فعال‌سازی آنها است، می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که بهره‌گیری از رویکردهای مندرج در سند، از جمله تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل، توسعه دیپلماسی اقتصادی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، می‌تواند جایگاه ایران را در نظام حمل و نقل جهانی بهبود بخشد. از این‌رو، راهکارهایی برای تحقق اهداف سند و بهره‌گیری از

۱. استادیار دانشگاه لرستان، golkarami.a@lu.ac.ir

فرصت‌های موجود ارائه شده است که می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت کشور و ارتقای نقش ایران در تحولات بین‌المللی باشد.

واژگان کلیدی: دالان‌های ارتباطی، موقعیت ارتباطی، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، موقعیت ژئوپلیتیکی.

محور چهارم:

پدیده‌های نوظهور اجتماعی - فرهنگی و

بایسته‌های اجرای الگو

(با همکاری اندیشکده امور اجتماعی)

حساسیت سند الگو نسبت به پدیده‌های نوظهور اجتماعی

محمدحسین پناهی^۱

چکیده

با توجه به شتاب بالای تغییرات اجتماعی در قرن بیستم به طور کلی و در ربع اول قرن بیست و یکم به طور خاص، مانند فراگیری اینترنت، انواع شبکه‌ها و پلتفرم‌های مجازی، نرم‌افزارهای کاربردی و اکنون پدیده فناوری آفرین هوش مصنوعی، لازم است حساسیت سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، که داعیه راهبری پیشرفت همه‌جانبه اجتماعی ایران در نیم قرن آینده را دارد، نسبت به پدیده‌های نوظهور اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. این موضوع خاصه از آن جهت جای بررسی دارد که جوامع سنتی و بالأخص تاریخ قرن گذشته ایران نشان‌دهنده انواع مقاومت فرهنگی و دینی و سیاسی نسبت به پدیده‌های نوظهور بوده است؛ و معمولاً پس از مدت‌ها مقاومت و پیامدهای منفی آن در جامعه، فرهنگ و خانواده ایرانی تدریجاً با تغییر نسلی پدیده‌های نوظهور مورد پذیرش قرار گرفته است. مثال‌های زیادی از این موارد را می‌تواند ارائه کرد. اگر بخواهیم حساسیت و توجه سند الگو را نسبت به این پدیده‌های بررسی کنیم لازم است

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mhpanahi@yahoo.com

نوعی طبقه‌بندی از پدیده‌های نوظهور اجتماعی داشته باشیم. پدیده‌های نوظهور را، همانند پدیده‌های موجود، به طور کلی می‌تواند به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم کرد که در عرصه‌های واقعی و مجازی رخ خواهند داد. پدیده‌های عینی نوظهور آنهایی هستند که عینی و ملموس بوده و قابل مشاهده و تجربه عینی هستند، مانند پدیده‌های اینترنت و فناوری‌های مربوط به آن و انواع روابط اجتماعی جدید در جامعه مدنی. پدیده‌های ذهنی آنهایی هستند که وجود عینی و ملموس اجتماعی نداشته اما آثار مهمی در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها می‌گذارند، مانند باورها و اعتقادات و معرفت‌ها و دانش‌های جدید، که می‌توانند زمینه‌ساز پدیده‌های عینی باشند. البته رابطه دو سویه‌ای بین پدیده‌های عینی و ذهنی وجود دارد که خود موضوع بررسی‌های مهمی است. از طرفی، اگر مفهوم «پیشرفت» را دربردارنده دو جنبه عینی و ارزشی (ذهنی) بدانیم، جنبه عینی آن به تغییر از وضعی به وضع دیگر اشاره دارد که قابل مشاهده و مطالعه است؛ و جنبه ارزشی یا ذهنی آن مبتنی بر باورها و معیارهای قضاوت درباره «وضعیت مطلوب» جامعه و اجزای آن است. بنابراین، «پیشرفت»، از منظر جامعه‌شناختی تغییری در جهت بهتر و مطلوب شدن امور بر اساس ارزش‌های مورد توافق جمع یا اکثریت مردم است. اما در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مفهوم پیشرفت بر اساس «ارزش‌های اسلامی- ایرانی» سنجیده می‌شود که ممکن است با ارزش‌های مورد توافق اکثریت مردم هماهنگ یا ناهماهنگ باشد. به علاوه، از آنجا که مفسر و

معرف ارزش‌های اسلامی - ایرانی دستگاه حاکم سیاسی در ایران است، که خود ممکن است مورد توافق نخبگان علمی و دینی جامعه نباشد، مسئله مطلوبیت و پیشرفتی بودن پدیده‌های نوظهور اجتماعی در ایران بسیار پیچیده و غامض خواهد بود که لازم است جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. ما در اینجا موضوع را ساده‌سازی کرده و در سطح کلی‌تری که در سند الگو قابل بررسی باشد پی خواهیم گرفت، که فرض را بر این می‌گذارد که تعریف پیشرفت در عرصه‌های مختلف جامعه در بین حاکمیت و مردم یکسان است. اگر به پدیده‌های نوظهوری که ما با آن مواجه هستیم توجه کنیم خواهیم دید که اکثر این پدیده‌ها منشأ خارجی داشته و از عرصه جهانی یا جوامع دیگر، خاصه از کشورها و فرهنگ غربی، وارد جامعه ایران می‌شوند، که بخشی از آنها بر اساس ارزش‌های حاکم بر جامعه، یا ارزش‌های فرهنگ سیاسی و دینی حاکم، مطلوب و بخشی نیز نامطلوب خواهند بود. به علاوه پدیده‌های نوظهوری که در خود جامعه ایران احتمال ظهور دارند، نیز می‌توانند مطلوب و نامطلوب باشند. بنابراین، می‌تواند به طور کلی آنها را به پدیده‌های مطلوب و نامطلوب طبقه‌بندی کرد، که دسته اول عامل «پیشرفت» و دسته دوم مانع «پیشرفت» خواهند بود. جدول زیر نمایی از این تقسیم‌بندی است:

انواع پدیده‌های نوظهور اجتماعی

ذهنی		عینی		پدیده‌های نوظهور انواع پدیده‌ها/
نامطلوب	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	واقعی (غیرمجازی)
۴	۳	۲	۱	
۸	۷	۶	۵	مجازی

جدول ساده‌سازی شده فوق نشان می‌دهد که ما حداقل با ۸ نوع پدیده نوظهور اجتماعی مواجه خواهیم بود که لازم است درباره آنها تأمل شود و نوع برخورد صریح و یا ضمنی سند الگو با آنها مشخص شود. باید یادآوری کرد که تفکیک پدیده‌های عینی و ذهنی، و واقعی و مجازی صرفاً برای تحلیل است و گر نه این پدیده‌ها به راحتی از هم قابل تفکیک نیستند. همچنین ممکن است «مطلوبیت و نامطلوبیت» با «کارکردی یا ناکارکردی بودن» مطابقت داده شود، که ما در اینجا از این بحث هم عبور می‌کنیم. برای روشن تر شدن موضوع، در اینجا ما مثال‌هایی از هر یک را که در حال حاضر وجود دارند، و زمانی نوظهور بودند، می‌آوریم:

پدیده‌های عینی واقعی مطلوب: فناوری‌هایی مانند اتومبیل و هواپیما که وسیله نقلیه و ارتباط در جوامع بزرگ و پیچیده امروزی هستند، که در مفید و مطلوب بودن آنها اجماع نسبی وجود دارد.

پدیده‌های عینی واقعی نامطلوب: این پدیده‌ها را بیشتر در قالب مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌تواند دید که حاصل زندگی مدرن‌اند، مانند انواع

انحرافات و کج روی های اجتماعی عینی که جوامع تلاش در رفع و کاهش آنها دارند.

پدیده های ذهنی واقعی مطلوب: ارزش هایی مانند عدالت و انصاف در زمینه های مختلف زندگی، کرامت انسانی، حقوق انسانی، محیط زیست، رواداری و غیره پدیده های ذهنی مطلوبی هستند که امروزه کمتر کسی در مطلوبیت آنها تردید دارد.

پدیده های ذهنی واقعی نامطلوب: این نوع پدیده های شامل انواع ضد ارزش های اجتماعی است که در بین گروهی از انسان ها در جوامع مختلف وجود دارند و تلاش می شود این نوع باورها و ارزش ها نفی شود؛ مانند اعتقاد به نابرابری در بین انسان ها، تفاخر نسبت به داشته های مادی، باور به نابرابری ذاتی نژادها، شخصیت پرستی و غیره.

پدیده های عینی مجازی مطلوب: امروزه فضای مجازی و فعالیت های مختلف در درون آن به یک واقعیت عینی تبدیل شده و انواع فعالیت های علمی، اقتصادی و فرهنگی از طریق فضای مجازی عملیاتی شده است، که سبب تسهیل امور زندگی بشر شده است، مانند برگزاری کلاس ها، سمینارها و کنفرانس های علمی در فضای مجازی و انواع فعالیت های اقتصادی و فرهنگی دیگر.

پدیده های عینی مجازی نامطلوب: به همراه گسترش فعالیت ها در فضای مجازی، انواع جرائم و انحرافات نیز در این فضاها شیوع یافته است که تلاش می شود به

حداقل کاهش یابند، مانند انواع انحرافات و کلاهبرداری ها و اخاذی ها از این طریق.

پدیده های ذهنی مجازی مطلوب: باورها و ارزش هایی که درباره فضای مجازی بوده و یا فضای مجازی امکان شیوع آنها را در بین انسان ها فراهم کرده است، از این نوع پدیده های نوظهور هستند. فضای مجازی امکان جهانی شدن باورهای و ارزش هایی را فراهم کرده است که در زمانی نه چندان دور قابل تصور نبوده است. باور به ارتباط تمدن ها و فرهنگ ها و بده و بستان فرهنگی و علمی بین آنها، بالا بردن شناخت و آگاهی انسان ها از وجود جوامع و فرهنگ های مختلف و اهمیت و ارزش آنها برای بشریت، پذیرش ارزش پیوند و سرنوشت انسان ها باهم و فعالیت های مجازی مشترک جهانی و بین المللی برای ارتقای وضعیت انسان ها و شهروندی جهانی و غیره از این نوع پدیده های ذهنی هستند.

پدیده های ذهنی مجازی نامطلوب: فضای مجازی این امکان را فراهم کرده است که برخی پدیده های ذهنی نامطلوب و مخرب در سطح جهانی شیوع یافته و باورها و ارزش های خاصی عامدانه یا غیر عمدی در بین انسان ها گسترش یابد، مانند اسلام هراسی یا هراس از ارزش ها و باورهای خاصی که فضای مجازی شیوع آنها را امکان پذیر کرده است.

بدیهی است که با گسترش فضاهای مجازی مانند متاورس و فعالیت های رو به گسترش از طریق اینترنت و هوش مصنوعی این نوع پدیده های رو به گسترش

خواهند بود، که بخشی از آنها می‌تواند در خدمت پیشرفت جامعه و بخشی دیگر مانع آن باشد.

سؤال اساسی تحقیق این است که سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه حد از حساسیت و توجه به این نوع مسائل نوظهور را، که با موضوع پیشرفت کشور در آینده ارتباط تنگاتنگی خواهد داشت، در متن خود نشان می‌دهد؟ یا به طور کلی، آیا در سند ارتباط پیشرفت با پدیده‌های نوظهور به طور صریح یا ضمنی مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟ آیا از منظر سند الگو لازم است درباره پدیده‌های نوظهور در جامعه قبل از ورود و پذیرش آنها در بین برخی گروه‌های اجتماعی فکری بشود، و نسبت به نوع برخورد با موارد مطلوب یا نامطلوب راهبرد خاصی اتخاذ شود، یا باید پس از ورود آنها به جامعه درباره آنها واکنش نشان داد؟ آیا شناخت پدیده‌های نوظهور مطلوب و زمینه‌سازی برای آنها ضرورت دارد؟

سؤالاتی از این نوع بسیارند که درباره پدیده‌های نوظهور می‌تواند مطرح کرد و دیدگاه سند الگو درباره آنها را بررسی کرد. از آنجا که این پدیده‌ها در بستر اجتماعی موجود رخ می‌دهند و نه در خلأ، قابل پیش‌بینی است که نهادهای موجود حتی در برابر پدیده‌های نوظهور مطلوب هم برای حفظ خود و منافعشان واکنش منفی نشان داده و از در نفی و مبارزه با آنها در آیند؛ برای ممانعت از چنین واکنش‌هایی چه اقداماتی لازم است صورت بگیرد؟ و آیا سند الگو در این زمینه‌ها راهبردی دارد؟

موضوع مهم دیگر آن است که در وضع موجود جامعه نهادهای ناکارآمد با عملکرد ضعیف وجود دارند که خود سبب مسائل و آسیب‌های اجتماعی نامطلوب هستند؛ یا نهادها و دستگاه‌های دولتی، عمومی و یا مدنی لازم برای مواجهه و کاستن از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی باید وجود می‌داشتند که شکل‌نگرفته‌اند؛ طبعاً برای رفع ناکارآمدی‌ها و التیام آسیب‌ها نیاز به پدیده‌های نوظهور و نوآوری‌های مختلفی است که بتواند سبب کاهش آسیب‌ها و مطلوب‌تر کردن عملکردها برای پیشرفت جامعه بشوند. آیا در سند توجهی برای بسترسازی لازم جهت شکل‌گیری چنین پدیده‌های نوظهور بومی یا بومی شده دیده می‌شود؟ و در نهایت اینکه آیا سند الگو توجه کافی برای نهادسازی، نوآوری و ایجاد پدیده‌های نوظهور مختلف لازم برای پیشرفت جامعه کرده است؟

برای پاسخگویی به این سؤالات لازم است تحلیل محتوای مضمونی دقیقی از سند بشود تا امکان پاسخگویی به سؤالات مطرح شده وجود داشته باشد، تلاشی که این تحقیق در پی آن است.

واژگان کلیدی: سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پدیده‌های نوظهور اجتماعی، نوآوری اجتماعی عینی، نوآوری اجتماعی ذهنی، نوآوری اجتماعی مطلوب، نوآوری اجتماعی نامطلوب.

انواع پدیده‌های اجتماعی نوظهور

سید محمد میرسندسی^۱

چکیده

جامعه‌شناسی، بنا به تعبیر برخی جامعه‌شناسان علم مطالعه پدیده‌های اجتماعی است، که خود برآمده از روابط و مناسبات اجتماعی خاص هستند و از یک زمان به زمانی دیگرگون می‌شوند و رنگ و روی متفاوت به خود می‌گیرند. به این ترتیب در هر وضعیت خاصی می‌تواند به سراغ پدیده‌های اجتماعی نوظهور رفت و برای درک وضعیت اجتماعی آنها را برحسب شرایط موجود توصیف و تجزیه و تحلیل کرد. همچنین پدیده‌های اجتماعی را از جنبه‌های گوناگونی همچون پیوستگی (دوره ظهور و حضور پدیده اجتماعی)، فراگیری (دامنه و عمومیت اجتماعی آن)، خاستگاه و منشأ پیدایش و ویژگی‌های دیگر می‌تواند دسته‌بندی کرد. در این نوشتار برای ارائه گزارشی از وضعیت جاری بیشتر با تمرکز بر خاستگاه پدیده‌های اجتماعی، کوشیده می‌شود نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی که در جامعه معاصر ایران به چشم می‌آید به شرح زیر توصیف و تجزیه تحلیل شود. ابعاد جدید پدیده‌های اجتماعی که پیش‌تر به صورت "مسئله اجتماعی"

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع) و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mirsondosi@yahoo.com.

بروز و ظهور داشته‌اند. بی‌توجهی نسبت به آنها به پایداری و پیوستگی آنها به عنوان نمود اجتماعی همچنان ابعاد قابل ملاحظه‌ای دارد: جلوه‌های جدید از بی‌خردی؛ ضعف هنجارهای اجتماعی و هنجارمندی، افول ارزش‌های اخلاقی؛ باندبازی و قبیله‌گرایی نوین و افول شایسته‌سالاری؛ تداوم نرخ‌های تورم بالا و در نتیجه گسترش فقر و محرومیت نسبی؛ گسترش حاشیه‌نشینی نمونه‌هایی از این دست پدیده‌های اجتماعی‌اند. پدیده‌های اجتماعی برآمده از فناوری‌های جدید: توسعه ارتباطات مجازی؛ گسترش بی‌انتهای هوش مصنوعی؛ جایگزینی نیروی کار با ربات‌ها و ... شرایط جدید و نوظهوری را برای حال و آیند رقم می‌زنند.

پدیده‌های اجتماعی ناشی از پاندمی (کرونا و ...) کاهش ارتباطات اجتماعی: (گسست اجتماعی در سطح خرد) و تقویت ارتباط مجازی و پیدایی دگرگونی محسوس در ساخت روابط اجتماعی را در دوره پس از کرونا می‌تواند ملاحظه کرد. پدیده‌های اجتماعی ناشی از صورت‌بندی‌های اجتماعی جدید که با تغییرات سیاسی- اجتماعی پس از انقلاب و جنگ برخی از این صورت‌بندی‌ها آشکار شده‌اند. گروه‌های اجتماعی ذی‌نفوذ برآمده از جنگ، بازتوزیع منابع کمیاب بر مبنای ارزش‌های تخصیص یافته انقلاب، گسترش نظام رانتي، آفازادگي و ویژه‌خواري، بی‌اعتنایی به جذب نیروهای اجتماعی و غلبه پارامترهای دفعی در نظام سیاسی، تغییرات محسوس در کیفیت دینداری، رشد رفتارهای واکنشی در برابر درخواست‌های نظام سیاسی حاکم هم نمونه‌هایی از

این پدیده‌ها به شمار می‌آیند. با وجود آنکه پرداختن به هر یک از این گونه‌ها از اهمیت خاص برای شناخت وضعیت موجود و در ارتباط با سند الگو برخوردار است، ولی به لحاظ محدودیت، در این مجال تمرکز این نوشتار بر مورد پایانی از این گونه‌های پدیده‌های اجتماعی خواهد بود.

واژگان کلیدی: پدیده‌های اجتماعی، سند الگو، نوظهور.

مسئله حاشیه‌ای شدن اجتماعی در ایران

غلامرضا غفاری^۱

چکیده

گذشته تاریخی جامعه ایران نشان از وجود تنوع و تفاوت‌هایی در ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد؛ لیکن در دوره معاصر به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی در سطوح خرد و کلان آن تکرر و تنوع بیشتری را تجربه کرده است و بی‌گمان در راستای پذیرش ایده و امر پیشرفت لاجرم باید تحول و دگرگونی، که در ذات خود انفکاک و تنوع را دارد، پذیرا شود. این مهم میادین تازه‌ای را سبب می‌شود که توأم با هم آمیختگی گروه‌ها و اصناف مختلف و نیز رقابت‌ها و تنازعات سهمگین است که نسبت در محیط‌های نزدیک و دور دارند. بی‌گمان میدان کنشگران اجتماعی نه تنها میدانی متنوع و متکثر است بلکه به دلیل بهره‌مندی نابرابر از منابع ارزشمند؛ مسیر فرایندهای پذیرش و کسب منزلت را ناموزون می‌سازد. امری که پیامدهایی چون احساس محرومیت، نارضایتی، تنش و نزاع، انزوا، طرد و حاشیه‌ای شدن را در پی دارد. حاشیه‌ای شدن اجتماعی فرآیندی است که در آن بخش‌های از افراد

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ghaffary@ut.ac.ir

جامعه به صورت نظام‌مند از حقوق، فرصت‌ها و منابع مختلفی که معمولاً برای اعضای دیگر جامعه در دسترس است، محروم می‌شوند. حقوق، فرصت‌ها و منابعی که برای پذیرش اجتماعی مورد نیاز هستند. داشتن حق و امکان مسکن، آموزش، بهداشت و درمان، اشتغال، مشارکت مدنی، آزادی‌های قانونی، رویه‌های عادلانه قضایی در زمره این حقوق و فرصت‌ها قرار می‌گیرند. نقطه مقابل حاشیه‌ای شدن و طرد اجتماعی چسبندگی و پذیرش اجتماعی است جامعه چسبنده جامعه‌ای است که در آن به قدر کافی جذب و چسبندگی وجود دارد به گونه‌ای که منافع متضاد قدرت‌های اقتصادی یا سیاسی را تعدیل و برطرف می‌کند. در این فرایند چسبندگی اجتماعی پیوندهای خانوادگی، محلی، زبانی، مذهبی و فرهنگی نقش تعیین کننده دارند. در عین حال این پیوندها تحت فشار فزاینده برآمده از منطق بازار و رشد و توسعه اقتصادی و نیز فرایندهای جهانی ترک‌های قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. تحت چنین شرایط توجه به موضوع ادغام اجتماعی و مسئله همبستگی و پرهیز از حاشیه‌ای شدن قوت گرفته است. چنانکه نسبت به وجود فرایند حاشیه‌ای شدن اجتماعی در جامعه ایران و احتمال مسئله شدن آن می‌توانیم هم به طرح موضوعاتی چون وجود شکاف‌های اجتماعی، افول اجتماع اخلاقی، ضعف پیوندهای اجتماعی، کاهش تعلقات اجتماعی، میل به مهاجرت و اجتماع گریزی اشاره کرد. وقتی ارتباط و پیوند با جمع اهمیت خود را از دست می‌دهد نقطه شروع اجتماع گریزی است. عرصه

عمومی تضعیف و تهی می‌شود همه چیز خصوصی می‌شود. جمع‌ها حالت جزیره‌ای پیدا می‌کنند. مدارس خصوصی، بیمارستان‌های خصوصی، بانک‌های خصوصی، بیمه‌های تکمیلی خاص، اتومبیل‌های شخصی و تک سرنشین، مراکز تفریحی خاص، ویلاهای لاکچری و در نهایت ظهور اجتماع‌های اجتماع‌گریز قوت پیدا می‌کند. اجتماع‌های خصوصی شده و در بسته که هیچ پلی میان آن‌ها دیده نمی‌شود. اگر قرار باشد هر کس صرفاً به دنبال منافع خودش باشد، قطعاً با فروپاشی جامعه مواجه خواهیم شد. احساس وظیفه و وجدان کاری، دقیقاً آن چیزی است که ما را متقاعد می‌کند در خدمت جامعه باشیم تا بقای خودمان از طریق بقای خیر عمومی، امکان‌پذیر باشد. وجدان فردی نیز حاصل سهم درونی شده هر فرد از وجدان جمعی و تعلق بدان است، زیرا حیات امر جمعی و جامعه مستلزم این نوع کنش‌های فراگیر است. در نبود حس تعلق و خیر جمعی؛ جامعه‌ستیزی جای جامعه‌پذیری و زندگی انجمنی که آن را مایه حیات و پیشرفت اجتماعی و مدنی می‌دانند را می‌گیرد. سیاست‌ها و مقررات نه عامل همبستگی بلکه در جهت گسست اجتماعی عمل می‌کنند. اخلاق مبتنی بر اقتدار هنجاری که میانجی تعیین‌کننده‌ای برای پیوندهای اجتماعی و مانع گسست‌ها است اعتبار خود را از دست می‌دهد. افراد به طور گسترده‌ای از جهان‌زندگی واقعی‌شان خارج می‌شوند و از قالب‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند. این حالت، به انفصال دائم و قطعی از جامعه اشاره دارد. طرد و

حاشیه‌ای شدن اجتماعی را می‌تواند در سطوح فردی، گروهی و ساختاری ردیابی کرد. در سطح فردی تنهایی، انزوا و اعتماد به نفس پایین، نشانه‌هایی از حاشیه‌ای شدن هستند؛ به گونه‌ای که بی‌اعتمادی به اشخاص مرجع و ترس از دیگران وجود دارد. و فرد حاشیه‌ای شده دچار آشفتگی، برخورددار از خانواده‌های مسئله‌دار، جدای از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فاقد فرصت برای ورود به یک زندگی متعارف اجتماعی است. در سطح گروهی نوعی همکاری نکردن، نگرش‌های منفی و بدنامی گروهی و ناحیه‌ای وجود دارد. گروه‌ها و نواحی بدنام و محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای نمونه‌هایی از این سطح طرد و حاشیه‌ای شدن هستند. در سطح ساختاری بی‌اعتمادی به نهادها و مسئولان وجود دارد و دسترسی نداشتن به منابع در مسائل معیشتی و شکاف رو به افزایش میان اغنیا و فقرا بروز می‌یابد. از این رو، آنها در این سطح، گروه‌ها و جماعت‌های تجزیه‌شده، بیگانه شده و بی‌اعتمادی را تشخیص می‌دهند که فاقد هویت ملی یا احساس شهروندی‌اند و از سوی بقیه جامعه مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند و شاید به عنوان کسانی در نظر گرفته شوند که در فعالیت‌های غیرقانونی شرکت دارند و دارای برخوردی ستیزه‌جویانه با جریان غالب جامعه‌اند. آنچه که در این نوشتار بر آن تأکید می‌شود این است که: ۱- نشانه‌های حاشیه‌ای شدن اجتماعی کدام‌اند و چه شواهدی در باب این نشانه‌ها وجود دارد؟ ۲- آیا در سند الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت حساسیت لازم نسبت به پیشگیری از حاشیه‌ای شدن اجتماعی که قرین با طرد اجتماعی است وجود دارد؟

واژگان کلیدی: حاشیه‌ای شدن، طرد، جامعه چسبنده، ایران، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

مسئله شورش‌های شهری و ادغام اجتماعی در ایران

سهیلا صادقی فسایی^۱، محمدصادق کربلایی^۲

چکیده

اعتراضات، شورش‌ها و انقلابات همیشه بخشی از تاریخ بشری بوده‌اند، اما در دنیای معاصر رو به افزایش‌اند. اگرچه این مفاهیم به لحاظ زمینه و نوع تغییراتی که در ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند، کاملاً متفاوت‌اند، اما وجه مشترک همه آنها شکل‌گیری رفتار جمعی و اعلام نوعی عدم رضایت از وضعیت موجود و مطالبه برای تغییر، تحول و یا اصلاحات است. رویکردهای قدیمی عمدتاً بر این نکته تأکید دارند که رفتارهای جمعی و توده‌ای می‌توانند خطر بزرگی باشند، و افراد می‌توانند در این گونه جمع‌ها به شدت "بربریک" عمل کنند، اما مطالعات جدید بیشتر به دنبال فهم شرایط اجتماعی هستند که موجب خشم معترضان می‌شود. در سال‌های اخیر جامعه ایران شاهد بروز و ظهور گونه‌های جدیدی از اعتراضات خیابانی بوده است که این اعتراضات بعضاً به لحاظ هدف، ماهیت و گستردگی با اعتراضات دهه‌های پیشین متفاوت است. یکی از شورش‌های شهری

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، ssadeghi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی در دانشگاه تهران.

گسترده، شورش‌های نیمه دوم سال ۱۴۰۱ می‌باشد، که برای فهم آن، ارجاع به منظر کنشگران الزامی است. درک و تصور کنشگران و معنادهی آنها به این پدیده نه تنها می‌تواند از جنبه‌های مبهم این پدیده رمزگشایی کند، بلکه می‌تواند ما را با ابعاد مختلف این پدیده آشنا می‌سازد. در این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی با ۴۶ نفر از مشارکت‌کنندگان در اعتراضات سال ۱۴۰۱ مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته است و بخشی از داده‌ها با برقراری دیالوگ با دو نظریه مهم پردشدگی و محرومیت نسبی تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که برای عده‌ای از مشارکت‌کنندگان حتی حجاب، به عنوان جرقه و جلوه نمادین اعتراضات، به‌خودی‌خود مسئله نبود؛ بلکه اعتراضات برآمده از وجوه مختلف به رسمیت شناخته نشدن، تحقیر و طرد از جامعه، توأم با مسائلی همچون ناکامی و ندیدن آینده‌ای روشن در ساختار کنونی و تجربه تبعیض، خشونت، تناقض و فساد بود. حس استیصال، ناکامی و نبود چشم‌انداز روشن و فقدان امکان‌هایی دیگر برای اعتراض، شنیده شدن و پیگیری مطالبات، اغلب مشارکت‌کنندگان را به واکنش‌هایی سازمان نیافته همراه با خشونت، در جست‌وجوی حس رهایی، کرامت، عزت‌نفس و هویت جمعی در جهت به چالش کشیدن نظم موجود کشانده بود. بروز این مسئله به عنوان پدیده‌ای در ستیز با هنجارها را می‌تواند از منظر نظریات فشار ساختار اجتماعی نگریست. از نگاه مرتن این مسئله ناشی از شکاف بین اهداف و انتظارات فرهنگی و امکان‌ها و فرصت‌های وصول به آن است. وقتی افراد جامعه به اهداف و ارزش‌ها اجتماعی باور پیدا می‌کنند، اما در

واقعیت راه تحقق آنها را مسدود می‌یابند، دست به چنین اعمال نابهنجاری می‌زنند. به باور کوهن این فشار ناشی از فقدان وسایل رسیدن به هدف است که به ناامیدی و کمبود اعتماد به نفس طبقه پایین می‌انجامد. در نتیجه با رفتارهایی پاسخ می‌گیرد که در تقابل با ارزش‌های مقبول طبقه متوسط است و می‌کوشد با رد و به چالش کشیدن آنها این مسئله را تلافی کند. بنابراین لازمه حل چنین مسئله‌ای ادغام اجتماعی است. همدلی، تفهم و به رسمیت شناختن عاملیت سیاسی و اخلاقی افراد، رسیدگی به مشکلات و اعتراضات آنها، می‌تواند زمینه ادغام اجتماعی را برای آنها فراهم آورد. ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌ها نباید در تناقض یا مسدودکننده راه اهداف و ارزش‌های اصیل‌تر باشند. از سویی پیگیری سیاست‌ها باید با ایجاد حس مشارکت و منفعت عمومی عادلانه رقم بخورد و گرنه گزارش‌های مداوم پیشرفت بدون احساس عدالت و مشارکت عمومی می‌تواند برای کسانی که در زندگی روزانه رنج پسرفت مداوم را تجربه می‌کنند با برانگیختن حس طرد و تبعیض به واکنش‌های ضدهنجاری منجر شود. افزایش شکاف میان واقعیت موجود با اهداف و انتظارات نهاده شده، منجر به افزایش احساس محرومیت نسبی و طردشدگی در میان اقشار فرودستی می‌شود که از لوازم مورد نیاز برای تحقق این اهداف فرهنگی محروم‌اند، در نتیجه به سبب ناتوانی در هم‌نوایی و ادغام با جامعه با شورش‌هایی خشونت‌آمیز به این وضعیت پاسخ گفته و خود را به عنوان عاملانی سیاسی و اخلاقی ابراز می‌کنند. از

منظری دیگر، در مورد تحلیل آشوب‌ها در ایران، نباید از تحرکات خارجی و نقش مهم شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های معاند خارجی به آسانی گذشت. برای مثال اگرچه دوربین‌های مدار بسته، هیچ خشونتی را از جانب پلیس نشان نمی‌دهد، اما در عرض یک ساعت بیش از ۵۰ میلیون خبر در مورد مهسا امینی ساخته و پرداخته می‌شود، اخباری که مفاهیم مرکزی آن برانگیختن تنازعات قومیتی، برانگیختن زنان، چالش با پلیس، تخریب گشت ارشاد، تخریب دین، ضدیت با حجاب، ضدیت با حاکمیت جمهوری اسلامی، تخریب رهبری و ... می‌باشد. در میان اخباری که در میان کاربران به سرعت منتقل می‌شود، هیچ مطالبه‌ای برای بررسی دقیق موضوع وجود ندارد و سریع صحنه‌هایی برای شورش فراهم می‌شود و برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان شورش صرفاً صحنه‌ای است که می‌توانند در تخریب سهم شوند و پلیس را به چالش بکشانند، چیزی که برای معترضان هیجان و منزلت به بار می‌آورد. اینجا است که باید از نظریه‌های رایج و متعارف فاصله گرفت، چرا که آنچه بیشتر مشاهده می‌شود وسواس برای هویت شخصی است، میل به مرئی شدن و درخواستی برای هیجان‌طلبی و به نظر می‌رسد که Crowd بر اساس یک باور تعمیم یافته بسیج شده تا تخریب کند نه اصلاح و تغییر!!

واژگان کلیدی: اغتشاش، ادغام اجتماعی، رفتار جمعی، واگرایی و روش کیفی.

شبکه‌ای شدن جامعه و مسئله ییگانگی جمعی

علی یوسفی^۱

چکیده

طرح مسئله

جامعه شبکه‌ای (Network society) از مهم‌ترین پدیده‌های عصر جدید است. این ساختار اجتماعی نوظهور در نتیجه انقلاب فناوری اطلاعات در چند دهه اخیر به وجود آمده است.

- همه ساحت‌های زندگی بشر تحت تأثیر جامعه شبکه‌ای قرار دارد.
- جامعه شبکه‌ای ساختارهای جدیدی را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جایگزین ساختارهای قبلی (جهان صنعتی) کرده است.
- همه ساحت‌های زندگی تحت نفوذ فزاینده اینترنت یا به تعبیر مانوئل کاستلز، تحت فضای جریان‌ها یا دیجیتال قرار دارد.
- حضور فزاینده مردم در انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌ای شدن گسترده جامعه ایران.

۱. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، yousofi@um.ac.ir

- جامعه شبکه‌ای تحت تأثیر دینامیزم‌های داخلی خود دائماً دستخوش تغییر و در نتیجه ایجاد الگوهای جدید زندگی است.
- مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای:
- اقتصاد اطلاعاتی: بهره‌وری و رقابت بیش از هر زمان دیگر به دانش متکی است.
- اقتصاد جهانی: یک واحد به هم وابسته، انواع کار و تکاپوی اقتصادی در مقیاس جهانی.
- فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای: نوع تازه‌ای از سازمان و تشکلات که به تدریج بر دیگر سازمان‌ها و تشکلات سلطه پیدا می‌کند.
- تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال: روابط کاری گذشته جای خود را به روابط به مراتب قابل انعطاف‌تر داده است.
- ظهور قطب‌های رقیب: فرآیند جهانی شدن موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی به طور خاص دولت‌ها شده است.
- فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها و معانی شکل می‌گیرد. این فضای مجازی، فضای اصلی تعامل‌های معرفتی و فکری را کم و بیش در اختیار می‌گیرد.

- سیاست و قدرت بر بال رسانه: در فضای فرهنگ متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی از رسانه‌ها و ارتباطات جمعی به عنوان یک منبع قدرت یا ضد قدرت استفاده می‌کنند.

- زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها: مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن تفاوت دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها، فواصل زمانی را از میان برداشته و اهمیت مکان را تضعیف کرده است.

پیامدهای شبکه‌ای شدن جامعه:

- دولت ملی توانایی کنترل و انحصار اطلاعات یا سرمایه در درون مرزهای خود را از دست می‌دهد و معمولاً جایگاه دولت در جامعه شبکه‌ای تضعیف می‌شود.

- در برابر سیل شبکه‌ای شدن جهان، همواره مخالفت‌هایی وجود دارد که از آنها به عنوان «هویت‌های مقاومت» یاد می‌شود. این هویت‌ها در برابر تغییراتی که در جامعه شبکه‌ای در حال وقوع است مقاومت می‌کنند. این فشارها می‌تواند باعث تضعیف حکومت‌های ملی یا بحران حاکمیت شوند.

- در جامعه شبکه‌ای ساختارزدایی صورت می‌گیرد و اغلب مردم کنترل خود را بر زندگی خویش و محیط اطراف از دست می‌دهند و جست‌وجوی هویت جمعی یا فردی منبع اصلی معنای خود است.

- مردم هر روز بیش از گذشته معانی خود را نه بر اساس اعمال بلکه بر اساس هویت خود یا آنچه که گمان می‌کنند هویتشان است سامان می‌دهند.

- به تعبیر کاستلز، جامعه شبکه‌ای به نحو روزافزونی پیرامون تقابل دو قطبی میان شبکه و خویش شکل می‌گیرد.
 - در چنین شرایطی، الگوهای ارتباط اجتماعی بیش از پیش دچار تنش می‌شوند.
 - وقتی روابط مجازی جایگزین روابط واقعی می‌شود، گروه‌های اجتماعی و افراد از یکدیگر بیگانه می‌شوند و یکدیگر را به چشم غریبه و نهایتاً به منزله یک تهدید می‌نگرند. / بیگانگی از جمع‌های واقعی که به آن تعلق دارند.
 - در این روند تجزیه و پراکندگی اجتماعی گسترش می‌یابد.
- راه‌حل‌ها:
- با توجه به اجتناب‌ناپذیری فرایندهای جامعه شبکه‌ای و روابط دیجیتال در جامعه امروز، روی چند گزینه زیر به عنوان راه‌حلهایی برای کنترل بیگانگی جمعی اندیشید:
 - توسعه فضاهای عمومی و تعاملی در محیط‌های شهری
 - احیای محله در طراحی و معماری شهری و نظام حکمرانی محلی
 - تقویت حوزه عمومی و فعالیت‌های مردم‌نهادی
- واژگان کلیدی:** شبکه‌ای شدن، جامعه، بیگانگی جمعی.

محور پنجم:

عدالت و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

(با همکاری اندیشکده عدالت)

بررسی و نقد برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۳-۱۴۰۷) از منظر

راهبردهای عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سیدعباس نبوی^۱

چکیده

اهمیت و محوریت عدالت در دین مبین اسلام به حدی واضح و آشکار است که نیازی به بحث تفصیلی و تکرار مباحث نظری مربوطه در اینجا نیست. تنها در حد اشاره‌ای گذرا، این نکته بسیار مهم یادآوری می‌شود که خداوند در قرآن کریم تنها در دو مقام: «امر به پرستش او» و «امر به عدالت و قسط»، علاوه بر صیغه امر، دستور تشریعی خود را مستقیماً با به کار بردن ماده امر بیان کرده است. این گفتار به بررسی و نقد موضوع عدالت در برنامه هفتم پیشرفت و میزان همگرایی و واگرایی این برنامه با مبانی و اصول عدالت در الگوی اسلامی ایران پیشرفت اختصاص دارد و مروری تطبیقی به بررسی موضوع عدالت و به ویژه عدالت اجتماعی در این دو سند دارد و میزان اهتمام دو سند مزبور به مبانی و اصول و سیاست‌های عدالت پایه را مورد سنجش قرار می‌دهد. در نسخه نهایی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، موضوع عدالت در بخش‌های متعدد مورد توجه واقع

۱. رئیس موسسه توسعه و تمدن اسلامی و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، nabavi_abs@yahoo.com

شده است. در بخش‌های: مبانی خداشناسی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی ایران‌شناختی و در بخش تبیین عرصه‌های پیشرفت، بر عدالت‌تکوینی و تشریعی پروردگار متعال تأکید شده و عدالت اجتماعی به عنوان ارزش معیار و مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت معرفی شده و عدالت در عرصه‌های متنوع اجتماعی و حقوقی و فرهنگ‌سازی و گفتگمانی و سایر عرصه‌ها مورد توجه قرار گرفته است و نهایتاً در سند الگوی پیشرفت، در بخش‌های تبیین عرصه‌های اجتماع و سیاست و امنیت نیز مکرراً محوریت عدالت مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در اواخر شهریور ۱۴۰۱ مراحل قانونی تدوین برنامه هفتم پیشرفت، با ابلاغ سیاست‌های کلی توسط مقام معظم رهبری به سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد. سیاست‌های کلی برنامه هفتم، ابتدا به عنوان ماحصل مطالعات و هم‌افزایی کارشناسی قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت تدوین و به رهبر معظم انقلاب ارائه شد و سپس معظم له پس از طی فرآیند نهایی بررسی و ارزیابی سیاست‌های مزبور، این مجموعه را ابلاغ قانونی کردند. بر مبنای سیاست‌های ابلاغی مزبور، هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد متوسط ۸ درصد در طول برنامه پنج‌ساله و با تأکید بر بهره‌وری کل عوامل تولید اعم از منابع انسانی و سرمایه و فناوری و مدیریت تعیین شده است. بر این اساس، «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» محور اصلی و مفروض سیاست‌های برنامه هفتم قرار گرفته و

راهبرد کلان و مسلط بر برنامه هفتم را تعیین کرده است. اما در سایر بندهای سیاست‌های برنامه هفتم پیشرفت، به نحو آشکار و محسوس رویکرد عدالت‌پایه کم‌رنج و بلکه متوقف می‌شود و اولویت به رویکردهای ضروری و اجتناب‌ناپذیر معطوف به نوسازی ساختار مدیریت کشور و افزایش درآمدهای دولت و مهار فساد اداری و اقتصادی و ساماندهی سایر عرصه‌های داخلی و خارجی داده می‌شود. بررسی مجموعه سیاست‌های برنامه هفتم پیشرفت نشان می‌دهد که این سیاست‌ها از یک سو مقتضی رویکرد تدوین برنامه بر پایه عدالت اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر مقتضی رویکرد تدوین برنامه بر پایه گشودن مسیر رقابت و خلاقیت آزاد است و جمع میان دو رویکرد مزبور، ممکن و مقدور نیست. در بخش پایانی مقاله، بررسی و نقد یکایک برنامه‌های مندرج در برنامه هفتم از منظر رویکرد عدالت‌پایه انجام پذیرفته و با نشان دادن استلزامات عدالت‌گریز در برنامه هفتم، دستیابی به اهداف و تحقق سیاست‌های عدالت‌پایه برنامه مزبور بسیار دشوار و بلکه نامقدور معرفی شده است.

واژگان کلیدی: برنامه هفتم پیشرفت، راهبردهای عدالت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و راهبردهای کاهش نابرابری در ایران با رویکرد عدالت فضایی با تأکید بر بند (۳۰) تدابیر

حسین حاتمی نژاد^۱

چکیده

ایران کشوری نسبتاً بزرگ و از نظر ویژگی‌های طبیعی بسیار متنوع است. نابرابری‌های طبیعی همراه با الگوهای تمرکزگرایی توسعه گذشته و سیاست‌های اقتصادی نادرست به تشدید نابرابری فضایی کشور منجر شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی راه‌حلی مبتنی بر عدالت اجتماعی و شاخص‌های اصلی آن مانند نیاز، استحقاق و منفعت‌رسانی به همگان برای ایجاد تعادل و توازن فضایی کشور است. بند (۳۰) تدابیر سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ناظر بر توزیع فضایی عادلانه امکانات و خدمات در مناطق مختلف کشور است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از مؤثرترین شیوه‌های مداخله در امر تعادل‌یابی فضایی - مکانی توسل بر این بند و مبتنی بر اجرای عدالت جبرانی (ترمیمی) است. اجرای برنامه هفتم پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور باید بند

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

hataminejad@ut.ac.ir.

(۳۰) تدابیر را در نظر داشته باشد تا عدالت فضایی محقق شود در این میان مشارکت شهروندان و نظارت و پایش بر حُسن اجرای بند (۳۰) این سند ضرورت می‌یابد. علاوه بر آن راهبردهایی به منظور کاهش نابرابری‌های فضایی و تحقق اهداف سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نابرابری فضایی، عدالت اجتماعی، آمایش سرزمین، عدالت جبرانی.

رابطه پیشرفت و عدالت

سید محمد میرسندسی^۱

چکیده

پیشرفت و عدالت از جمله ارزش‌های بنیادی جوامع به شمار می‌آیند، که البته عدالت از گذشته‌های دور چنین جایگاهی را داشته ولی پیشرفت بیشتر در دوران جدید و در پی دستیابی کشورهایی به توسعه ارزشمند شده است. پرسش از اینکه این دو چه ارتباطی با یکدیگر دارند مهم و پاسخ‌یابی برای آن می‌تواند راهگشا باشد. در این مسیر و با تأمل بر تاریخچه تجربه جوامع توسعه‌یافته در می‌یابیم که بی‌عدالتی‌های قابل ملاحظه‌ای در جریان فرایند توسعه، همچون بهره‌کشی کارگران یا دهقانان، تاراج منابع اولیه مناطق مستعمره، مصادره دارایی‌های گروه‌هایی از جامعه و ... رخ داده است که امروزه انجام و تکرار آنها از سوی افکار عمومی پذیرفتنی نیست. به سخن دیگر، توسعه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده، همچون آنچه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پی آن است، نمی‌تواند عدالت را نادیده بگیرد. بنابراین برای کشورهایی همچون ما، که خواهان دستیابی به توسعه هستیم، بی‌توجهی به امر عدالت می‌تواند این خوانش را به چالش جدی

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)، عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
mirsondosi@yahoo.com.

بکشاند. از این رو پرسش جدی در این نوشتار بر همین مبنا است که "عدالت چگونه می‌تواند به توسعه و پیشرفت بینجامد؟" این نکته کلیدی درباره توسعه را که سرمشق تحلیل ما در این نوشته خواهد بود، بایستی یادآوری کنم که "توسعه برابری و تابعی است از میزان حجم مازاد سرمایه اقتصادی در یک جامعه" و هر آنچه که بر افزایش/کاهش حجم این سرمایه تأثیرگذار خواهد بود بایستی مورد توجه قرار گیرد. این مقاله می‌کوشد اثر عدالت، در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را بر روند توسعه به صورت جزئی و در فضای اکنون جامعه ایران مورد توجه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: توسعه، عدالت، پیشرفت، حجم مازاد سرمایه.

سازوکارهای حمایت از نیازمندان در تأمین اجتماعی اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در اسلام حسین عیوضلو^۱، جواد کجوری^۲

چکیده

آموزه‌های اسلامی، "نیازمند و مشمول حمایت" در نظام تأمین اجتماعی را هر فردی می‌داند که در تأمین نیازهای حیاتی و تکمیلی خود با مشکل مواجه شده باشد. الگوی حمایت از این نیازمندان بر رویکرد عدالت‌محور در اقتصاد اسلامی متکی است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی تلاش دارد در چهار سطح «مشمولان حمایت»، «محدوده حمایت/سطح پوشش»، «شیوه‌ها و راهبردهای حمایت» و «منابع حمایت» ابعاد سازوکارهای حمایتی در تأمین اجتماعی اسلامی را با در نظر گرفتن رویکرد عدالت‌محور در اقتصاد اسلامی ارائه کند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که الگوی حمایتی در رفع نیاز نیازمندان، رویکرد حمایتی خود را به نسبت اقشار مختلف، متفاوت قرار داده است؛ بر این اساس، اقشار نیازمند از حیث کیفیت مواجهه و راهبرد حمایت، با راهبردهای سه‌گانه

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، avrin1960@gmail.com.
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

«توانمندسازی پایدار» و «کفالت پایدار» و «کفالت موقت» از طریق «لایه‌های حمایتی» مردمی و حاکمیتی تحت حمایت‌های نظام تأمین اجتماعی قرار خواهند گرفت.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی، تکافل اجتماعی، فقر.

نقش نخبگان و مشارکت فعالانه مردم در فراگیرسازی گفتمان عدالت محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سید کاظم سیدباقری^۱، حانیه ملاشفیعی^۲

چکیده

نقش نخبگان در فراگیرسازی گفتمان عدالت محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از جمله موضوعات کلیدی است که در راستای تحقق اهداف پیشرفت همه جانبه و پایدار در جامعه ایران مورد توجه قرار گرفته است. گفتمان عدالت محور به عنوان یکی از ارکان اساسی این الگو، نیازمند بسترسازی فکری و عملی برای تحقق عادلانه پیشرفت در جامعه اسلامی است. نخبگان با ایفای نقش هدایتگری، تولید محتوا و تبیین مفاهیم عدالت محور، می توانند زمینه های فکری لازم را برای نهادهای سازی این گفتمان فراهم کنند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی و مراجعه به اسناد و منابع مرتبط، به بررسی تأثیر نخبگان در نهادهای سازی گفتمان عدالت محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر سیاسی پرداخته و الزامات و راهکارهای آن را مورد واکاوی قرار می دهد. نوشته بر گرد

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، sbaqeri86@yahoo.com

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانش آموخته سطح سه جامعه الزهراء (س).

این سؤال اصلی سامان یافته است که نخبگان چگونه می‌توانند در گسترش و نهاده‌سازی گفتمان عدالت‌محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقش آفرینی کنند؟ و در فرضیه بر این امر تأکید شده است که با تکیه بر چارچوب نظری «کنش‌های هدفمند اجتماعی»، ابعاد سیاسی نقش نخبگان در فراگیرسازی گفتمان عدالت‌محور الگو را می‌تواند در اموری چون نظریه‌پردازی بومی عدالت‌محور، هدایت و تصمیم‌گیری کلان، جهت‌دهی به گفتمان‌های سیاسی، واسطه‌گری نخبگان میان مردم و حکومت، اصلاح و تغییر ساختارها و تربیت و انتقال گفتمان عدالت‌محور الگو به نسل‌های آینده رصد کرد. این منظر در نوع خود نوآورانه است.

واژگان کلیدی: نخبگان، پیشرفت، سند الگو، عدالت‌محور، گفتمان.

ضمانت فقهی ناشی از خلق پول و تورم

محسن فقیه حبیبی^۱

چکیده

خلق پول از عوامل اصلی ایجاد تورم است. در سال‌های اخیر تورم به صورت چشمگیری افزایش داشته و باعث کاهش ارزش پول شده است. این پدیده اقتصادی موجب سؤالات زیادی پیرامون نحوه بازپرداخت دیون شده که در پرداخت دیونی مثل مهریه و یا هر دین دیگری که زمان بر آن گذشته است، آیا باید مقدار عددی آن لحاظ شود و همان رقمی که مورد بدهی بوده پرداخت شود یا اینکه باید معادل آن به قیمت روز محاسبه شود؟ اقوال مختلفی در میان فقیهان در این مسئله وجود دارد که دو قول اصلی مسئله عبارت‌اند از عدم جواز جبران و لزوم جبران. قائلان به عدم جواز جبران به دلایلی مانند مثلی بودن پول، سند نبودن پول و برخی روایات استناد کرده‌اند. در مقابل گروه دیگری از فقیهان بر این باورند که دیون باید با قیمت روز محاسبه شود و برای دیدگاه خود به دلایلی مانند فلسفه وجودی پول، عدم صدق وفای دین در صورت پرداخت رقم اسمی و برخی روایات استناد کرده‌اند. بررسی اقوال مختلف نشان می‌دهد دلایل قائلان به

۱. مدرس حوزه علمیه قم، عضو اندیشکده فقه و حقوق اسلامی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

عدم جواز جبران برای اثبات این مدعا کافی نیست ولی برخی دلایل قائلان به لزوم جبران بی‌اشکال است. در نتیجه در پرداخت دیون باید مقدار تورم لحاظ شود.

واژگان کلیدی: تورم، خلق پول، کاهش ارزش پول، ضمانت فقهی، جبران.

محور ششم:

پدیده‌های نوظهور اجتماعی - فرهنگی و

بایسته‌های اجرای الگو

(با همکاری اندیشکده امور اجتماعی)

افول هنجارهای سبک زندگی جوانان

مسعود گلچین^۱

چکیده

افول هنجارهای سبک زندگی جوانان به عنوان یکی از موضوعات مهم و چالش برانگیز در جوامع مختلف کنونی نیازمند تحلیل‌های جامع و چندوجهی است. با رشد سریع فناوری و جهانی شدن ارتباطات، جوانان با مجموعه‌ای متنوع از هنجارها و ارزش‌ها مواجه می‌شوند که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی آنان بگذارد. این پدیده نه تنها با تغییرات فرهنگی و اجتماعی بلکه با عوامل اقتصادی و فناورانه نیز در ارتباط است. سبک زندگی مفهومی کل‌نگر است که به شیوه زندگی یک فرد شامل عادات، رفتارها، انتخاب‌ها و فعالیت‌های وی اشاره دارد. مانند نحوه گذران اوقات فراغت، عادات غذایی، فعالیت بدنی، تعاملات اجتماعی، کار و شغل، سرگرمی‌ها و علائق، ارزش‌ها و باورها، الگوهای مصرف و محیط زندگی. بورديو سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند. از نظر او، سبک زندگی در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان

۱. استاد دانشگاه خوارزمی و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، golchin_masoud@yahoo.com

افشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کند. به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود. بورديو در جای دیگر سبک زندگی را دارایی‌هایی می‌داند که به وسیله آن اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف، خود را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از دیگران متمایز می‌کنند (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). وی استدلال می‌کند که انتخاب‌های سبک زندگی، صرفاً ترجیحات فردی نیستند. آنها توسط عادت ما در طبقه اجتماعی و پس‌زمینه فرهنگی ما شکل می‌گیرد. وبر برای بیان و تحلیل مفهوم سبک زندگی، دو بعد سلوک (تدبیر) زندگی و شانس‌های زندگی را به کار می‌گیرد. سلوک زندگی بر انتخاب‌های افراد دلالت دارد و شانس‌های زندگی احتمال تحقق یافتن این انتخاب‌ها است. از نظر وی، در زندگی هر شخص فرصت‌هایی وجود دارد که زمینه شکل‌گیری سبک زندگی را در اختیار او قرار می‌دهد (مهدوی کنی، ۲۰۰۸). به عقیده گیدنز، سبک زندگی عبارت است از نحوه عکس‌العمل و پاسخ افراد به این سؤال که ما چطور و چگونه باید زندگی کنیم. او در تعریفی، سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای روزمره فرد در زندگی می‌داند که این رفتارها با همدیگر انسجام نسبی دارند. گیدنز کشف و شناخت رفتار منظم و الگوهای رفتاری که توسط افراد جامعه انتخاب و اجرا شده است و کنش افراد را در عمل به آنها کنترل می‌کند، همان سبک زندگی می‌نامد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۱۹). به بیان گیدنز در جامعه مدرن، سبک زندگی راهی برای بیان فردیت و ساختن احساس

خود است. مانند انتخاب یک رژیم غذایی خاص یا رژیم ورزشی به این دلیل که با ارزش‌ها و تصور فرد از خودش هماهنگ است، نه اینکه صرفاً از سنت‌ها یا انتظارات اجتماعی پیروی کند. رویکرد مطالعات مصرف و سبک زندگی، بر چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی فعالانه توسط فرهنگ مصرف‌کننده و پیام‌های رسانه‌ای تأکید می‌کند. نظریه‌های انتقادی سبک زندگی نشان می‌دهند که چگونه نیروهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انتخاب‌های سبک زندگی ما را شکل می‌دهند. مطابق این دیدگاه‌ها، سبک زندگی نشان دهنده جایگاه اجتماعی است. سبک زندگی مفهومی پویا و چندوجهی است، شامل انتخاب‌ها و الگوهایی که در زندگی روزمره خود ایجاد می‌کنیم. این امر، توسط تعاملی پیچیده از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی شکل می‌گیرد. عوامل همچون فرهنگ و سنت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، سن و مرحله زندگی، شخصیت و ترجیحات، سابقه خانوادگی، سطح تحصیلات و دسترسی به اطلاعات، فناوری، وضعیت سلامتی، محیط اجتماعی و سیاسی، اهداف و آرزوهای شخصی. به عبارت دیگر، عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سبک زندگی اسلامی ایرانی که عمیقاً در ارزش‌های دینی و فرهنگی ریشه دارد، با چالش‌های ناشی از تأثیرات غرب و جهانی شدن مواجه است. این تضاد فرهنگی در تغییر الگوی مصرف، فعالیت‌های اوقات فراغت و مدیریت بدن در میان جوانان ایرانی

مشهود است. سبک زندگی جوانان نیز متأثر از ارزش‌ها و باورهای آنان است که تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها قرار دارد (صابر و همکاران، ۱۴۰۱). سیدی و بیرقی (۱۳۹۱: ۶۰)، با گونه‌شناسی که از نوع روابط در سبک زندگی مدرن و دینی ارائه کرده‌اند، تغییر در سبک زندگی جوانان را نشان داده‌اند.

مؤلفه‌های سبک زندگی	نوع روابط در سبک زندگی مدرن	نوع روابط در سبک زندگی دینی
اوقات فراغت	مبتنی بر مصرف	کلیه تعاملات مبتنی بر رضایت خداوند و معنابخشی به زندگی با تکیه بر قناعت
مصرف کالاهای فرهنگی	تظاهرنمایی	پرهیز از تظاهر و فروتنی و تعمق و تدبیر بیشتر در دین و توانایی تأثیرگذاری در تعاملات
توجه و نگرش به بدن	انسان‌محوری و توجه به بدن نمایشی	خدا‌محوری و استفاده از بدن به عنوان وسیله‌ای در جهت پیمودن کمال الهی و تقرب الی الله
کلیشه‌های جنسیتی	کمرنگ شدن روابط مردسالارانه سنتی	رابطه مرد و زن بر اساس مکمل بودن، افزایش رزق و روزی، آرامش، تکمیل شدن دین

پیشرفت رسانه‌های جمعی و به ویژه شبکه‌های اجتماعی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در تغییر سبک زندگی جوانان به شمار می‌رود. تعاملات آنلاین و ارتباطات مجازی به سرعت مرزهای جغرافیایی و فرهنگی را پشت سر گذاشته و جوانان را با فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی متنوعی آشنا کرده است. این امر نه تنها هنجارهای سنتی را به چالش کشیده بلکه الگوهای جدیدی از زندگی و ارزش‌ها را به نمایش گذاشته است. تعاملات فرهنگی گسترده به واسطه اینترنت و جهانی شدن، زمینه‌ساز ظهور تنوع فرهنگی بی‌سابقه در میان جوانان شده است. این تعاملات که با سرعت بی‌نظیری در حال گسترش است، چالشی جدید برای حفظ هویت‌های ملی و فرهنگی به حساب می‌آید. جهانی شدن که توسط اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و جریان‌های رسانه‌ای جهانی تسهیل شده است، به طور قابل توجهی افق دید جوانان ایرانی را گسترش داده است. قرار گرفتن در معرض ارزش‌های فرهنگی، سبک‌های زندگی و شیوه‌های اجتماعی متنوع، امکان تحلیل مقایسه‌ای هنجارهای ایرانی را در برابر روندهای جهانی فراهم می‌کند. جهانی شدن به جوانان امکان داده است تا با فرهنگ‌ها و الگوهای زندگی کشورهای دیگر آشنا شده و از آنها تأثیر بپذیرند. این امر می‌تواند به تغییرات عمیقی در هنجارهای سبک زندگی محلی منجر شود. تقابل فرهنگ‌های مختلف می‌تواند چالش‌های تازه‌ای در پذیرش هویت‌های جدید و تعدیل هنجارها به وجود آورد. تبعات این تعاملات فراتر از تغییرات سبک زندگی بوده

و ممکن است به تغییر اساسی در هویت‌های فردی و جمعی منجر شود. این تغییرات ممکن است چالش‌های بسیاری در همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی ایجاد کند. توسعه اینترنت و فضای مجازی امکان دسترسی به اطلاعات و ارتباطات بدون مرز را فراهم کرده و موجب دگرگونی هنجارهای فرهنگی و اجتماعی شده است. فناوری‌های نوین، نحوه تعامل و ارتباط جوانان را به شدت تغییر داده و بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی را به محیط‌های آنلاین منتقل کرده است. پس از پیدایش و حضور اینترنت و فضای مجازی در زندگی، شاهد تغییراتی در سبک زندگی افراد جامعه به ویژه جوانان هستیم. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند، افول هنجارهای سبک زندگی در میان جوانان ایرانی ناشی از اعتیاد به اینترنت، فشارهای اقتصادی و تغییرات فرهنگی است. بدین صورت که استفاده بیش از حد از اینترنت در میان جوانان ایرانی با رفتارهای منفی سبک زندگی از جمله تغذیه نامناسب و کم تحرکی مرتبط است (هسلین و مک‌نالتی، ۲۰۲۳؛ تاج‌بخش و احمدی، ۱۴۰۲). افزایش مصرف رسانه‌های غربی (فیلم، موسیقی، مد) با تغییر نگرش نسبت به لباس، روابط و فعالیت‌های اوقات فراغت مرتبط است. مطالعات نشان می‌دهد که بین استفاده از اینترنت و دیدگاه‌های اجتماعی آزادتر در بین جوانان ایرانی همبستگی وجود دارد (طاهری و همکاران، ۱۴۰۳؛ مظفری و همکاران، ۱۴۰۲). استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال باعث تغییرات عمده‌ای در شیوه زندگی و تعاملات اجتماعی

جوانان شده است. این تغییرات نه تنها بر روی رفتار و ارتباطات آنان تأثیر گذاشته، بلکه بر روش‌های یادگیری و تعریف هویت فردی و اجتماعی نیز اثرگذار بوده است. افزایش تعاملات مجازی و کاهش ارتباطات حضوری، تغییرات چشمگیری در نحوه شکل‌گیری و حفظ روابط اجتماعی جوانان به همراه داشته است. این تغییرات می‌تواند به کاهش روابط عمیق فردی و افزایش تعاملات سطحی و گذرا منجر شود، که ممکن است تأثیر منفی بر سلامت روانی و اجتماعی جوانان داشته باشد. تغییر تعاملات اجتماعی به محیط‌های مجازی و نبود تعاملات واقعی باعث می‌شود که جوانان کمتر در معرض تجربیات اجتماعی که نیازمند همدلی و تعاملات انسانی است، قرار گیرند. چنین وضعیتی نیازمند توجه به توسعه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی جوانان در مواجهه با فناوری‌های جدید است. وضعیت اقتصادی همواره بر سبک زندگی جوانان تأثیرگذار بوده و مسائلی نظیر بیکاری و نبود درآمد کافی، توانایی آنان را در دسترسی به فرصت‌ها و تجربه سبک زندگی مطلوب محدود کرده است. افزایش هزینه‌های زندگی و عدم توانایی در تأمین مالی مناسب، جوانان را مجبور به بازنگری در اولویت‌ها و تغییر در مصرف و سبک زندگی خود کرده است. اقتصاد ناپایدار می‌تواند بر نگرش‌ها و اهداف زندگی جوانان اثرگذار باشد. مشکلات اقتصادی موجب تغییر شخصیت اجتماعی و حتی روابط خانوادگی آنان شده و موجبات تجربه فشار و استرس بیش از حد را فراهم آورده است. فروپاشی طبقه متوسط و پیدایش فقرای

جدید شهری منجر به تغییر سبک زندگی از جمله مسکن بد و مهاجرت به حومه شهرها شده است. علاوه بر این، جوانان کم درآمد در ایران اغلب برای حفظ حیثیت و موقعیت اجتماعی، رفتارهای «حفظ چهره» انجام می دهند که می تواند بر انتخاب های سبک زندگی تأثیر بگذارد. افول هنجارهای سبک زندگی سنتی جوانان در ایران فرآیندی پیچیده و چندوجهی است که توسط همگرایی چندین عامل کلیدی اجتماعی هدایت می شود. جهانی شدن، شهرنشینی، تغییر ساختار خانواده، قرار گرفتن در معرض رسانه ها، نفوذ همسالان و نابرابری های اجتماعی - اقتصادی، همگی به فرسایش ارزش های سنتی و ظهور اشکال جدید بیان اجتماعی و شکل گیری هویت در میان جوانان ایرانی کمک می کنند. شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر کاهش هنجارهای سبک زندگی سنتی جوانان در ایران برای تدوین سیاست ها و مداخلات اجتماعی مؤثر ضروری است. سیاست گذاران با پرداختن به علل ریشه ای تغییرات اجتماعی - مانند نابرابری، فرصت های محدود، و فقدان حمایت اجتماعی - می توانند محیطی را ایجاد کنند که در آن جوانان بتوانند در عین احترام به میراث فرهنگی خود رشد کنند. این امر مستلزم رویکردی ظریف است که پیچیدگی های جامعه ایران را بپذیرد و عاملیت جوانان ایرانی برای شکل دادن به آینده شان را بشناسد. تأثیر بلندمدت این دگرگونی ها بر جامعه ایران مستلزم تحقیقات و نظارت مستمر است.

واژگان کلیدی: افول هنجارها، سبک زندگی، جوانان، سند الگو.

کاهش باروری و مشارکت زنان ایرانی در بازارهای دوگانه مزدی و غیرمزدی (تعهدات خانوادگی زنان و بازتخصیص زمان)

مجید کوششی^۱، مهدی خلیلی^۲

چکیده

تغییرات جمعیتی تنها توضیح دهنده رشد و ترکیب جمعیت‌ها نیست، بلکه با تظاهری ساده اثرات و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آنها گسترده و عمیق است. در این مورد مثال‌های زیادی می‌توان ذکر کرد، از جمله اینکه کاهش مرگ و میر که به افزایش امید زندگی بشر انجامید، میانگین طول دوره سالمندی را افزایش داد و مناسبات چندنسلی را جایگزین مناسبات خویشاوندی گسترده ولی ناقص، کرد. با کاهش باروری و مستقر شدن الگوی باروری پائین (کمتر از سطح جانشینی برابر با ۲/۱ فرزند برای هر زن) نیز انتظار می‌رود اثرات اجتماعی مؤثر و عمیقی ظاهر شود. مثلاً، کاهش باروری و اولاد کمتر بعد خانواده را کوچک می‌کند و بی‌تردید نظام حمایت اجتماعی را نیز تغییر خواهد داد. یکی از اثرات

۱. دانشیار دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، kooshesh@ut.ac.ir.

۲. دکتری جمعیت‌شناسی از دانشگاه تهران.

گوناگونی که کاهش باروری دارد، تغییری است که در تعهدات خانوادگی خصوصاً فرزندپروری ایجاد می‌کند. در همه طول تاریخ، جوامع بشری از جمله ایران ترتیبات اجتماعی خود را بر اساس باروری و بعد خانواده بالا سازمان داده‌اند و مسلم است برای مواجهه با شرایط کاملاً متفاوت و جدید، انطباق فرایند زمان‌بری است. این زمان در بیشتر جوامع غربی، برای نمونه در فرانسه، نسبتاً طولانی و تا یک قرن و بیشتر بوده است، زیرا کاهش تدریجی باروری به این جوامع فرصت داده است، تا پله به پله با این تغییرات انطباق پیدا کنند. اما در جوامعی مانند ایران که یکباره با کاهش بنیان‌کن در میزان و الگوی باروری مواجه شده‌اند، انطباق تصویری دقیق نیست، اگرچه تجربه کشورهای مشابه، مانند کره جنوبی، مالزی، ترکیه و چند کشور کوچک و بزرگ دیگر در آسیا نشان می‌دهد که این انطباق ناشدنی نیست. در هر حال این شرایط خاص و جدید است: اکنون حدود نیمی (در مقابل حدود ۱۵ درصد در دهه ۱۳۴۰) از دختران ایرانی ازدواج خود را به سنین ۲۵ سالگی و بالاتر به تعویق می‌اندازند و احتمال می‌رود که تا ۱۵ درصد از نسل‌هایی که در دهه ۱۳۹۰ در سن ازدواج هستند هرگز ازدواج نکنند؛ میزان باروری زنان، که سابقاً حدود ۶ تا ۷ فرزند زنده به دنیا می‌آوردند، به کمتر از ۲ فرزند رسیده و مهم‌تر از آن اینکه احتمال تولد فرزند اول برای زوجین تازه ازدواج کرده، فرزند دوم برای زنان دارای فرزند اول، توالی تولد فرزند سوم به دوم و ... هم در طول زمان و هم از یک رتبه تولد به

رتبه تولد دیگر قویاً کاهش یافته است. اگر در مورد همه تغییرات جمعیتی هم صادق نباشد، کما اینکه تعداد بیشتر سالمندان و عمر طولانی تر آنان به دلیل امید زندگی بالاتر بر اقتصاد و جامعه اثر غیرقابل انکاری دارد، کاهش تعهدات همسری و مادری در اثر این تغییرات، قاعداً به بازتخصیص زمان صرف شده در فعالیت‌های مختلف شبانه‌روز منجر خواهد شد. فرضی که از نظریه تخصیص زمان استنباط می‌شود، این است که در صورت استقبال بازار کار، با انتقال زمان از کارها و فعالیت‌های غیرمزدی به کارها و فعالیت مزدی تولید اقتصادی رونق خواهد یافت که هم برای خانواده و هم برای دولت مطلوب و مفید است. این نظریه در اقتصاد بسیاری از ملل در حال توسعه آسیا، خصوصاً شرق و جنوب شرق آسیا، کار کرده و میزان مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار مزدی را به ۵۰ درصد رسانده است. اما رصد وضعیت زنان ایرانی در بازار کار نشان می‌دهد که تغییر محسوسی و معطوف به رشدی، در میزان اشتغال زنان به وجود نیامده و با نوسانات ناچیزی میزان اشتغال زنان کم و بیش در همان حدود دهه ۱۳۶۰ (بین ۱۵ تا ۲۰ درصد) باقی مانده است. این در حالی است که زنان در سطوح مختلف آموزش و تحصیلات حضور پررنگ‌تر از گذشته داشته و به توسعه بالایی از سرمایه انسانی خود دست یافته‌اند. اکنون این پرسش مهم قابل طرح و بحث است که کشور ما که در مسیر تغییرات جمعیتی خود، خصوصاً به خاطر کاهش باروری، هزینه اجتماعی زیادی پرداخته و خواهد پرداخت، چه سودی از این

تغییرات برده است؟ زنان، زمان آزاد شده خود از تعهدات خانوادگی (همسری و مادری) را به کدام فعالیت‌ها انتقال داده‌اند؟ آیا این فعالیت‌ها مستقیم یا غیرمستقیم نقشی در پیشرفت جامعه داشته و خواهد داشت. برای انجام پژوهشی که قادر به ارائه پاسخ علمی به این پرسش‌ها باشد، ما از داده‌های گذران وقت ایران در ۴ فصل پاییز، زمستان در سال ۱۳۹۸ و بهار و تابستان در ۱۳۹۹ استفاده کرده‌ایم. در انجام این پژوهش از رویکردهای نظری اقتصاد نسلی-جنسیتی و نظریه تخصیص زمان، و در انجام تحقیق از متدولوژی عمومی «حساب‌های ملی انتقالات زمان» یا NNTA استفاده می‌کنیم. نتایجی که در این تحقیق به دست آمده است، فعلاً بیان‌کننده این است که جامعه ما قادر به انطباق ذهنی و عینی با کاهش سریع و شدید در باروری زنان نبوده و انتقال زمان اساساً و همچنان مبتنی بر تقسیم کار جنسیتی سنتی است. تغییرات در نظام تخصیص زمان در شرایط باروری پائین خیلی جزئی متمایل به افزایش زمان صرف شده در فعالیت خانه‌داری است که نیازمند تحلیل جزئی‌تر داده‌های فعالیت‌ها است. همچنین در تحلیل مقایسه‌ای زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار وقتی تعداد فرزندان کاهش می‌یابد، فرضیه نقش مردان در فعالیت‌های خانه‌داری و مراقبت از کودک عنوان می‌شود که قصد داریم در ادامه تحلیل آماری روی داده‌ها، مورد آزمون قرار بدهیم.

واژگان کلیدی: باروری پائین‌تر از سطح جانشینی، اشتغال زنان، تخصیص زمان، حساب‌های ملی انتقالات زمان، کار غیرمزدی.

تغییرات فرهنگ کار و تلاش در ایران

شهلا کاظمی پور^۱

چکیده

آنچه که خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها را تعیین می کند منابع انسانی آنها است و نه سرمایه و منابع مادی. توسعه باید بتواند افراد را قادر سازد که توانایی های خود را تا بیشترین حد ممکن افزایش دهند و این توانایی ها را به بهترین وجه در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بکار گیرند. یکی از مباحث اساسی در زمینه توسعه، میزان بهره گیری درست و منطقی از توانایی ها و استعداد های نیروی انسانی در جامعه است. علاوه بر بهره گیری مناسب و کافی منابع انسانی از فرصت های مناسب و زیربنای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری از فرهنگ کار و تلاش زیربنای بهره وری هر چه بیشتر نیروی انسانی در جامعه می باشد. با توجه به مطالعات و شواهد موجود در کشور، ما شاهد کمرنگ شدن خصیصه کار و تلاش و اعتقاد به کسب درآمد حلال در جامعه هستیم و با توجه افزایش مستمر درصد شاغلان در بخش خدمات، کم کاری، بیکاری، از زیر کار در رفتن، چندشغله بودن و در

۱. دانشیار دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، skazemipour@gmail.com

غیر تخصص خود به کار اشتغال داشتن، از جمله پدیده‌های نوظهور در جامعه ما هستند. در صورتی که به این معضل بزرگ اجتماعی توجه نشود، تیشه به ریشه زیر بناهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد خورد. بنابراین ایجاب می‌کند که چگونگی فرهنگ کار در کشور، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. در این پژوهش، ضمن تعیین ابعاد مختلف فرهنگ، منش و اخلاق کار در جامعه ایران، با رویکردی تلفیقی از نظریات وبر و دورکیم در مورد فرهنگ کار، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن مورد شناسایی قرار گرفته است. روش مطالعه در این تحقیق در بخش مبانی نظری و تجربی و زمینه‌های فرهنگی کار و تلاش، اسنادی و برای شناسایی ابعاد مختلف فرهنگ کار، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری، کلیه مردان و زنان ۵۹-۱۸ ساله شاغل هستند که با استفاده از فرمول کوکران ۴۲۸۰ نفر در کلیه استان‌های کشور با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان داد، که میزان فرهنگ کار در بین شاغلان پاسخگو، در ۳۱ استان کشور، رقم حد متوسط را کسب کرده و در ضمن شاخص اخلاق کار نیز به عنوان متغیر واسطه، نمره کمتر از سطح متوسط را به خود اختصاص داده است. شاخص‌های تضعیف کننده فرهنگ کار عبارت‌اند از: ضعف شاخص‌های ریسک‌پذیری، گرایش به نوآوری، انطباق‌پذیری، شناخت درست نقطه شروع و موقعیت در عمل، روحیه کارآفرینی، تقویت تعهد کاری و وقت‌شناسی. شاخص‌ها و معرف‌های تضعیف کننده اخلاق

کار نیز، به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از میزان ضعیف، سوداندوزی و تحصیل ثروت، حسابدگری، صرفه‌جویی و سخت‌کوشی.

واژگان کلیدی: فرهنگ کار، اخلاق کار، کار مفید و مولد، کم‌کاری، تعهد کاری.

امید جمعی و انگیزه پیشرفت

احمد غیاثوند^۱

چکیده

امروزه، امیدواری به مثابه بنیادی‌ترین انگاره جوانان در عرصه پیشرفت اجتماعی محسوب می‌شود. بی‌تردید مسئله‌مند شدن مقوله امید اجتماعی در جامعه ایران، بازتاب پدید آمدن مسائل جدید و فعال شدن نیروها و مطالبات و امیدهای متفاوت و متکثری است که مطالبات و امیدهایی که هم در روایت‌های تاریخی ارائه شده از تحولات جامعه ایران نادیده گرفته شده‌اند و هم در چارچوب صف‌آرایی جریان‌ها و نیروهای معاصر به حاشیه رانده شده‌اند. بسیاری از پژوهشگران در مباحث مربوط به امید، بر وجود یک رابطه معنادار و مثبت میان امید و عاملیت تأکید دارند. در واقع، اسنایدر، امید را به عنوان یک سازه متشکل از دو مؤلفه کلیدی تعریف می‌کند: نخست، توانایی طراحی مسیریایی برای دستیابی به اهداف مطلوب، علی‌رغم وجود موانع؛ و دوم، توانایی ایجاد و حفظ انگیزه برای شروع و ادامه حرکت در این مسیرها. امید، حاصل جمع این دو مؤلفه است (مردانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۰). مفهوم امید بر سه عنصر مرتبط با

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی و دبیر اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Ah.ghyasvand@gmail.com.

اندیشیدن، یعنی تعیین هدف، نیروی یافتن راه‌ها و نیروی کنشگری استوار است. شکل‌گیری امید بدون حضور این سه جزء پیوسته، امکان‌پذیر نخواهد بود (استایدر، ۲۰۰۲). مفهوم امید، هم می‌تواند جنبه ذهنی داشته باشد (یعنی فرد در اندیشه خود به چیزی امیدوار باشد) و هم جنبه عملی (یعنی فرد برای تحقق امیدش، اقداماتی انجام دهد). به علاوه، امید می‌تواند هم انگیزه‌بخش باشد (به این معنی که فرد را به فعالیت و کوشش تشویق کند) و هم چیره باشد (به این معنی که آنچنان نیرومند باشد که فرد را از واقعیت جدا کند). امید یک پدیده تک‌نفره نیست، بلکه برآیند تعاملات اجتماعی و فرهنگی است. امید در انزوا شکل نمی‌گیرد، بلکه در ارتباط با دیگران و در متن فرهنگ پدید می‌آید. این امر نشان می‌دهد که امید، حتی هنگامی که فرد در تنهایی و خلوت خود احساس امیدواری می‌کند، به عنوان یک طرح جمعی مطرح است. این دیدگاه بر اهمیت عوامل برونی در شکل‌گیری امید تأکید می‌ورزد و نمایانگر آن است که امید، تحت تأثیر باورها، ارزش‌های مشترک، تجربیات جمعی و روابط اجتماعی است. به سخن دیگر، امید در بطن روابط اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد و به صورت فردی ایجاد نمی‌شود (Tia Denora, 2021: 105). امید در معنای اجتماعی آن، ریشه در شناخت و آگاهی جمعی افراد از جایگاه خود در جامعه و نظام اجتماعی دارد. از این دیدگاه چنین امیدی، با تقویت حس تعلق و مشارکت اجتماعی، افراد را به سمت کنشگری جمعی سوق می‌دهد و امکان تغییرات جدید و بهبود شرایط

زندگی را خلق می‌کند. در واقع امید اجتماعی فراتر از یک احساس صرف بوده و بازتابی از ساختارهای قدرت و فرصت‌های موجود در جامعه است (مالمیر و همکاران، ۱۳۹۸). اهمیت امید به آینده زمانی بیشتر نمایان می‌شود که در ارتباط با قشر جوان جامعه مورد بررسی قرار گیرد. جوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای، نقش محوری در شکل‌دهی آینده آن ایفا می‌کنند. در واقع، جوانان با نیروی خلاقیت، نوآوری و انرژی خود، موتور محرک تحولات اجتماعی و پیشرفت جامعه دارد. جامعه ایران در گذار به سوی تحولات فرهنگی و اجتماعی عمیقی است که در آن، جوانان به عنوان بازیگران اصلی نقش آفرینی می‌کنند. تلاش برای شکل‌دهی هویت و رفتار جوانان از طریق مکانیزم‌های گفتگومانی، با مقاومت فعال آنان مواجه شده است. جوانان امروزی، با انتظارات فزاینده و نیازهای پیچیده‌تر، به جای پذیرش نقش‌های پیش‌فرض، به دنبال تعریف هویت مستقل و ایجاد تغییرات اجتماعی هستند (روحانی، ۱۴۰۱). جوان ایرانی در چنین جامعه‌ای که ناامیدی در تمامی سطوح و عرصه آن ریشه دوانده است، چگونه امید خود را بر می‌انگیزد و با چه تصورات و مفاهیمی در سنت و مذهب جامعه ایران می‌تواند به امید فکر کند و به طبع آن نیز نسبت فردی خود را با دیگری اطراف و کل جهان اجتماعی مشخص و تغییر خواهد داد. امید اجتماعی، یک منبع قدرت درونی است که به افراد کمک می‌کند تا بر محدودیت‌ها و موانع غلبه کنند. این امید، با ایجاد یک حس تعلق و مشارکت اجتماعی، به افراد احساس

ارزشمندی و اهمیت می‌دهد و در نتیجه، توانایی آنها را برای مقابله با مشکلات افزایش می‌دهد (میرسپاسی، ۱۳۸۸). مطالعه حاضر به روش پیمایش به بررسی میزان امید و انگیزه پیشرفت در بین جوانان شهر تهران در سال ۱۴۰۳ پرداخته است. بر این اساس سوال اساسی مطالعه عبارت است از: نخست؛ وضعیت امید و انگیزه پیشرفت در بین جوانان چگونه است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین شاخص امید اجتماعی بر حسب طیف ۱ تا ۵ برابر با ۳/۲۶ می‌باشد که در حد متوسط به بالا می‌باشد. همچنین می‌توان چنین قضاوت کرد که در بین جوانان ۴۷ درصد امید اجتماعی بالایی دارند. در مقابل ۲۱ درصد آنها ناامید هستند. در این میان ۲۳ درصد تاحدودی امیدوار به زندگی‌اند.

واژگان کلیدی: امید، امید اجتماعی، انگیزه پیشرفت، جوانان، پیمایش، تهران.

دو قاعده بدنه جامعه و سلسله مراتب نیازها به منزله گرانیگاهی برای اجرای موفق الگوی پیشرفت

رضا مهدی^۱

چکیده

رقابت فشرده الگوهای پیشرفت و توسعه ملل موجب شده است که دستیابی به پیشرفت و لوازم و امکانات استمرار آن به مثابه یک سیستم جامع پیچیده مد نظر عقلا و صاحب نظران قرار گیرد. همه منابع مادی و معنوی، الزامات مسیر دشوار و پیچیده پیشرفت، دارای اولویت یکسان و هم سنگ نیستند. لازم است پیشرفت به مثابه «سیستم جامع پیچیده سازگار شونده» و نقش و تکلیف الگو به مثابه نقشه راه و برنامه اقدام در دستیابی به آن به صورت مفهومی و عملیاتی فهم شود. در واقع، نقش و یخت کلیدی الگوی پیشرفت در ریل گذاری و هموارسازی مسیر پیشرفت و تعالی همه جانبه ملت به واسطه درک رویکرد سیستمی و پیوستگی های درونی و جهانی است. در این مقاله، سعی شده است با استناد به دانش و تجربه و منابع و اسناد موجود، با رویکرد انتقادی- ارشادی و به روش بارش فکری، دو راهبرد از انواع راهکارها و راهبردهای اجرا و تحقق مناسب و مطلوب الگوی پیشرفت

۱. دانشیار گروه مطالعات آینده نگر، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

mahdi002@gmail.com

گوشزد شود. بر اساس این مطالعه، الگوی پیشرفت در نقش یک نقشه راه عملیاتی پیشرفت به مثابه یک سیستم جامع پیچیده سازگار شونده، برای اجرا و تحقق مطلوب و چشمگیر باید علاوه بر مسائل، عوامل و مؤلفه‌های متعدد و متنوع دیگر، دست کم به دو مسئله و قاعده بنیادین نیز حساس باشد و بر آنها تمرکز و اهتمام واقع گرایانه داشته باشد. قاعده اول شامل آغاز و استمرار اجرا از بدنه جامعه و بسیج همه نیروهای مردمی و گروه‌های اجتماعی، اصطلاحاً شروع و تداوم افقی و قاعده دوم شامل تمرکز و توجه به سلسله‌مراتب نیازهای زیستی و معیشتی مردم و خانواده‌ها، اصطلاحاً نیازهای انسان ایرانی در مقایسه با انسان‌های ملل و جوامع دیگر است. کم‌توجهی به زمینه، محیط و نیازهای زیستی مردم و غفلت از اعجاز مشارکت، هم‌افزایی و هم‌آفرینی مردم و گروه‌های مردم‌نهاد، چالش‌ها و مسائل کلیدی در مسیر اجرا و تحقق مطلوب الگوی پیشرفت‌اند که باید با اتخاذ رویکرد مناسب و مؤثر با این دست از چالش‌ها و مسائل مواجه شد و مسیر ملت را برای پیشرفت و تعالی هموار، آسان و پایدار کرد.

واژگان کلیدی: پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی، الگوی پیشرفت، بدنه جامعه، سلسله‌مراتب نیازها.

محور هفتم:

الزامات و بایسته‌های نهاده‌ها
شده رویکرد
خانواده محوری در سند الگوی اسلامی
ایرانی پیشرفت
(با همکاری اندیشکده خانواده)

مبانی روان‌شناختی: فرزندآوری هوشمندانه و فرزندپروری عاقلانه (آینده‌نگر)

غلامعلی افروز^۱

چکیده

ازدواج، پرآوازه‌ترین گل‌واژه نشاط و امید در گستره هستی، خوشایندترین رابطه انسانی و زیباترین فرصت برای رامشگری و نوازشگری متقابل زن و شوهر و نیل به آرامش ماندگار و تجربه خوشبختی حقیقی و میثاق رابطه پر مودت و رحمت با همسر دل‌آرام و آرامش‌آفرین است. ازدواج نیاز فطری همیشه انسان بر فراز عصرها و نسل‌ها است و فرزندآوری نیاز عاطفی، اشتیاق و امیدآفرینی زوج‌های دل‌آرام و یک ضرورت و رسالت حیات اجتماعی است. بدون تردید، جمعیت سالم، هوشمند و خلاق اصلی‌ترین سرمایه معنوی و منبع قدرت ملی و جهانی جامعه است. فرزندآوری نه مایه تفاخر است و نه بهانه برتری‌طلبی، اما، فرزندپروری و فراهم کردن بایسته‌ترین بستر برای رشد و شکوفایی شخصیت فرزند، رسالتی خطیر، ارزشمند و ماندگار است. معمولاً انسان‌ها به طور فطری دوست دارند فرزند یا فرزندان سالم، هوشمند، عاقل، خلاق، پرنشاط و صالح

۱. استاد ممتاز دانشگاه تهران و رئیس اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. afrooz@ut.ac.ir

داشته باشند. فرزندان عاقل و صالح از بارزترین نعمت‌های هستی و از ارزشمندترین و پربرکت‌ترین مصادیق سرمایه و آثار و برکات جاودانه انسان است. فرزند، هدیه و امانت نیکوی خالق مهربان، پیوند بایسته نسل‌ها و سرمایه ماندگار و نور چشم خانواده است. زن‌ها و شوهرهای همدل، همراه و همراز حق‌دارند با بهره‌مندی از موهبت فرزند، جاذبه‌های خود را مضاعف کنند و هم‌زمان در کسوت مربیان و استادان عروس/دامادپرور، رسالت خطیری را در گستره هستی عهده‌دار و فضای باغ زندگی خود را پرطراوت، پرثمر، پرشکوه و پرنشاط کنند. در این مقاله سعی شده است مؤثرترین مؤلفه‌های فرزندآوری هوشمندانه و فرزندآوری عاقلانه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ازدواج، جمعیت، اقتدار ملی، فرزندآوری هوشمندانه و فرزندپروری عاقلانه.

بایسته‌ها و الزامات نهادینه‌سازی گفتمان خانواده‌محوری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

حبیب‌اله مسعودی فرید^۱

چکیده

هر روز با شتاب گرفتن تحولات محیطی و تغییر و تنوع در ساختار و فرهنگ جوامع، بر میزان ابهام و عدم قطعیت شرایط موجود و نیز پیچیدگی شرایط زیست متعالی خانواده‌ها، آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی آنان و تأثیر سایر نهادهای اجتماعی و نیز سیاست‌های کلان و منطقه‌ای بر روی آن افزوده می‌شود و نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، علاوه بر عوامل فردی و درون خانوادگی، در ایجاد، گسترش و تحکیم نهاد خانواده بسیار حائز اهمیت بوده و از سوی دیگر این عوامل می‌توانند در بی‌ثباتی و ایجاد مشکلات برای خانواده نقش‌آفرینی کرده و خانواده را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کنند. بنابراین ضرورت اتخاذ رویکردهای کل‌نگر، فرآیندی، پیشگیرانه، پیش‌بینانه و رو به آینده در عرصه خانواده روز به روز پر رنک‌تر و ملموس‌تر می‌شود. بنابراین، حیات، پایایی، پویایی و موفقیت سیاست‌ها و سازمان‌ها در محیطی که به طور

۱. متخصص پزشکی اجتماعی، عضو گروه سلامت اجتماعی فرهنگستان علوم پزشکی، عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، habib.masoudifarid@gmail.com

دائم در حال دگرگونی است؛ مستلزم اتخاذ رویکردها، روش‌ها و ابزارهایی است که امکان انعطاف و تطبیق آگاهانه، مبتنی بر شواهد علمی و متقن و نیز بر اساس دانایی و خلاقیت را با سرعت، روانی و چابکی لازم با آن بدهد. مفهوم خانواده از مقوله‌های بسیار قابل تأمل و اساسی بوده و پرداخت صحیح به آن، هم به منظور تعالی خانواده و هم بقای صحیح جامعه، بسیار حیاتی می‌باشد. از نظر تئوری سیستم‌ها، خانواده را یک سیستم بازتعریف می‌کنیم. چرا که خانواده با محیط کوچک پیرامونی خود دائماً در حال تبادل بوده و از طرفی مؤلفه‌های کلان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌توانند مستقیم و غیرمستقیم بر روی نهاد خانواده تأثیر بگذارند. از طرف دیگر با یک نگاه کلان اندیشانه می‌تواند بر نقش خانواده بر روی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صحنه گذاشت. یعنی در مقیاس کلان، تجمع اثرات خانواده‌ها می‌تواند حتی شاخص‌های کلان ملی را نیز جابه‌جا کند. برای مثال می‌تواند بهره‌وری ملی را افزایش داده و یا کاهش دهد. مطالب فوق اشاره به این دارد که سازمان‌ها و دستگاه‌های متعددی در تمامی کشورها در ایجاد و تعالی خانواده نقش دارند، که در گام اول باید این دستگاه‌ها به نقش مهم خود در این زمینه واقف شده و در گام‌های بعدی، سیاست‌های خود را به گونه‌ای تنظیم و تدوین کنند که نه تنها به نهاد خانواده آسیب نرسانند، بلکه موجبات رشد و بالندگی نهاد خانواده را نیز سبب شوند و یا حداقل برنامه‌های پیشگیرانه و حمایتی جایگزین را همراه با ارائه

طرح خود به منظور صیانت از خانواده، تدوین و مطرح کنند (پیوست خانواده). بر این اساس در سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده، هماهنگی بین‌بخشی و ضرورت تفکر سیستمی و فرآیندی، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، از اهمیت به سزایی برخوردار است. در قلب تمامی برنامه‌های خانواده، نیازهای گروه هدف و جامعه می‌بایست مورد نظر قرار گیرد. نیازهایی که پیوسته در حال تغییر بوده و نیاز به تعریف مجدد دارند. ما در این مقاله با پرداختن همه جانبه به خانواده از جهت تأثیر ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به تبیین وضع موجود و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این شرایط می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: نهادینه‌سازی، گفتمان خانواده‌محوری، حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی.

بررسی تطبیقی سیاست‌های حمایت از فرزندآوری در ایران و برخی کشورهای جهان خدابخش احمدی^۱

چکیده

جمعیت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کشور است (اسمیت، ۲۰۲۰). ترکیب جمعیت و میزان رشد آن می‌تواند به طور مستقیم بر فرصت‌ها و چالش‌های توسعه تأثیر بگذارد (اسمیت و جونز، ۲۰۱۹). کاهش نرخ تولد و پیر شدن جمعیت به طور فزاینده‌ای در بسیاری از کشورها به یکی از مشکلات اصلی دولت‌ها تبدیل شده است. این تغییرات جمعیتی می‌تواند پیامدهای جدی اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. کاهش نرخ تولد موجب کاهش تعداد نیروی کار فعال (وایت، ۲۰۱۶) و افزایش جمعیت سالمند و پیامد آن افزایش هزینه‌های بهداشتی، اجتماعی و حمایتی می‌شود (دوئی، ۲۰۱۹). در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر، کاهش نرخ تولد و افزایش جمعیت مسن به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است. سیاست‌ها و روش‌های مختلفی برای مقابله با این مشکل اتخاذ شده است. از این

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج) و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Kh_ahmady@yahoo.com.

رو، بررسی تطبیقی سیاست‌های حمایت از فرزندآوری و جوانی جمعیت در ایران و برخی کشورهای جهان، می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها و ارائه راهکارهای بهبود کمک کند. مطالعه سیاست‌های اعمال شده در کشورهای مختلف نشان داد که: ژاپن برنامه‌های تشویقی از قبیل کمک‌های مالی برای خانواده‌های دارای فرزند، مرخصی زایمان پدرانه و حمایت‌های اجتماعی از کودکان را اجرا کرده است. روسیه برنامه‌هایی نظیر کمک مالی مادرانه برای خانواده‌های دارای فرزند دوم و سوم استفاده کرده است. کره جنوبی پرداخت هزینه‌های مراقبت از کودک، مرخصی‌های طولانی مدت والدین و مشوق‌های مالی برای زوج‌های جوان اجرا کرده است. سنگاپور پرداخت کمک هزینه مالی برای تولد فرزند و ارائه مزایای مالیاتی را بکار بسته است. فرانسه مزایایی مثل مرخصی والدین، کمک هزینه‌های مراقبت از کودک و تخفیف‌های مالیاتی را برای خانواده‌های دارای فرزند فراهم کرده است. مجارستان برنامه‌های تشویقی مانند معافیت از مالیات برای مادرانی که چهار فرزند یا بیشتر دارند در پیش گرفته است. ایتالیا مشوق‌هایی مانند کمک مالی برای تولد فرزند و کاهش هزینه‌های نگهداری از کودک را اجرا کرده است. لهستان برای افزایش نرخ تولد به خانواده‌ها کمک‌های مالی مستقیم ارائه می‌کند. چین پس از لغو سیاست تک‌فرزندی، سیاست دو و سپس سه فرزند را اجرا کرد. این سیاست‌ها شامل حمایت‌های مالی، مرخصی‌های زایمان پدرانه و برنامه‌هایی برای کاهش

هزینه‌های نگهداری از کودکان هستند. در ایران با تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، اقداماتی مانند ارائه تسهیلات مالی برای ازدواج، فرزند آوری، افزایش مرخصی زایمان و خدمات رایگان پزشکی برای مادران و نوزادان در پیش گرفته شده است. همچنین با برنامه‌هایی همچون ترویج ازدواج آسان، ارائه تسهیلات مسکن و وام‌های فرزند آوری تلاش می‌شود تا نرخ باروری افزایش پیدا کند. اما موفقیت این برنامه‌ها با چالش‌هایی نظیر مشکلات اقتصادی و تغییرات فرهنگی روبه‌رو است. عوامل موفقیت مشترک در بین کشورها عبارت بودند از: حمایت مالی و رفاهی از خانواده‌ها، ایجاد توازن بین کار و زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی باکیفیت و تشویق فرهنگی به فرزند آوری. لازم به ذکر است که برای موفقیت در برنامه‌های جوانی جمعیت، نیاز به سیاست‌های چندجانبه و بلندمدت است که به طور هم‌زمان مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پوشش دهند.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، جوانی جمعیت، خانواده، ازدواج، الگوی پیشرفت.

چالش‌ها و فرصت‌های فرزندآوری در سپهر سیاست‌های

جهانی

لیلا فلاحتی^۱

چکیده

کاهش جمعیت بدون شک یکی از چالش‌های بزرگ برای بسیاری از کشورها است که تأثیرات عمیقی بر اقتصادها و جوامع آنها دارد. از سال ۲۰۲۵، این مشکل به طور فزاینده‌ای در سراسر جهان گسترش یافته و کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. بیش از نیمی از اقتصادهای جهان که دو سوم جمعیت جهانی را تشکیل می‌دهند، اکنون نرخ‌های باروری زیر سطح جانشینی (۲/۱) فرزند به ازای هر زن) دارند. تا سال ۲۰۵۰، پیش‌بینی می‌شود که بیش از ۶۰ کشور با کاهش جمعیت روبه‌رو شوند که بسیاری از آنها با کاهش‌های شدید مواجه خواهند شد. در این میان، اروپای شرقی به طور خاص تحت تأثیر قرار گرفته است؛ به طوری که کشورهای مانند بلغارستان، لیتوانی و لتونی پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ با کاهش جمعیت بیش از ۲۰ درصد روبه‌رو شوند. عواملی مانند نرخ‌های باروری پایین، جمعیت‌های پیر و مهاجرت

۱. دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عضو اندیشکده

خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Falahati@iscs.ac.ir

نیروی کار جوان و ماهر از جمله عوامل کلیدی مؤثر در کاهش جمعیت هستند. این عوامل باعث می‌شوند که بسیاری از کشورها در شرق آسیا و اروپا نرخ‌های باروری خود را به طور قابل توجهی زیر سطح جانشینی تجربه کنند. افزایش نسبت بازنشتگان به کارکنان در این کشورها فشار بیشتری به سیستم‌های حمایتی اجتماعی وارد کرده و مهاجرت باعث کاهش جمعیت در برخی کشورهای اروپای شرقی شده است. کاهش نیروی کار به طور مستقیم بر بهره‌وری اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد و فشار بر سیستم‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش هزینه‌های مستمری‌ها و خدمات بهداشتی نیز منابع مالی عمومی را تحت فشار قرار می‌دهد. کشورهای با کاهش جمعیت ممکن است در حفظ رشد اقتصادی و نوآوری با چالش‌های جدی مواجه شوند. در این زمینه، کشورهای خاصی همچون ژاپن پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، ۱۶/۳ درصد از جمعیت خود را از دست بدهند و یکی از مسن‌ترین جمعیت‌ها و بالاترین نرخ صدساله‌ها را در دنیا داشته باشند. چین نیز در سال ۲۰۲۱ اولین کاهش جمعیت خود را تجربه کرد که عمده‌تاً به دلیل کاهش نرخ باروری بوده است. همچنین کشورهای اروپای شرقی مانند بلغارستان، لتوانی و لتونی با بزرگ‌ترین کاهش‌های جمعیت روبه‌رو هستند که عمده‌تاً به دلیل مهاجرت است. این مطالعه با هدف بررسی تطبیقی سیاست‌های کشورهای درگیر کاهش جمعیت به بررسی مهم‌ترین راهبردهای افزایش فرزندآوری پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد کشورها بر

اساس سیاست‌های خود در زمینه باروری به سه دسته اصلی کشورهایی با سیاست‌های افزایش باروری، کشورهایی با سیاست‌های کاهش باروری و کشورهایی با سیاست‌های حمایتی یا بی‌طرف تقسیم می‌شوند. در دسته اول، کشورهایی مانند مجارستان با اعمال مشوق‌های مالی، معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌های مسکن برای خانواده‌های دارای فرزند سعی در افزایش نرخ باروری دارند. ایران، ژاپن و کره جنوبی هم سیاست‌هایی همچون مرخصی پدر و مادر و حمایت از روش‌های پیشرفته باروری مثل لحاق مصنوعی را اتخاذ کرده‌اند، اما این کشورها همچنان با نرخ باروری پایین مواجه هستند. در چین پس از سال‌ها سیاست‌های محدودکننده تک فرزندی، اکنون برای مدیریت بحران سالمندی جمعیت اجازه می‌دهد هر زوج سه فرزند داشته باشند. فنلاند نیز با سیاست‌های خانوادگی و سیستم آموزشی مناسب در دوران پاندمی شاهد افزایش جزئی نرخ باروری بوده است. دسته دوم شامل کشورهایی است که سیاست‌های کاهش باروری را دنبال می‌کنند. لوکزامبورگ و بلژیک با پوشش جامع و دسترسی بالا در صدر رتبه‌بندی‌های سیاست‌های کاهش جمعیت قرار دارند. ایرلند پوشش پیشگیری از بارداری رایگان را تا سن ۳۵ سال گسترش داده و لوکزامبورگ دوره اجباری تأمل برای انجام عمل‌های عقیم‌سازی را حذف کرده است. در آسیا نیز ویتنام برنامه‌ای به نام «تنظیم نرخ تولد» وجود دارد که به دنبال کاهش باروری در مناطق با نرخ بالا و افزایش آن در مناطق با نرخ پایین است. کشورهایی که در

دسته سوم قرار دارند، عمدتاً سیاست‌های حمایتی یا بی‌طرفی را در پیش گرفته‌اند. فرانسه با گنجانیدن حقوق سقط جنین در قانون اساسی و ارائه خدمات بهداشت باروری جامع، به ثبات نرخ باروری در سطح نسبتاً خوبی دست یافته است. همچنین، استرالیا با وجود اینکه سیاست‌های خاص افزایش باروری ندارد، از طریق اقداماتی مانند مرخصی والدین و یارانه‌های مراقبت از کودک، از فرزندآوری حمایت می‌کند. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد، الزامات و تمهیدات مورد نیاز برای موفقیت در فرزندآوری به شدت وابسته به یکپارچگی و هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اینکه چه عواملی می‌توانند فرزندآوری را در عصر حاضر ترویج دهند، نیازمند توجه به مجموعه‌ای از اقدامات است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در زمینه پایدارسازی شرایط اقتصادی همچون هزینه‌های مسکن، آموزش، بهداشت و همچنین تأمین امنیت شغلی است، که باید به گونه‌ای طراحی شوند تا خانواده‌ها بتوانند هزینه‌های زندگی و نگهداری فرزند را تأمین کنند. از سوی دیگر، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی همچون نابرابری‌های جنسیتی، نگرش‌های سنتی به نقش‌های خانوادگی و فشارهای اجتماعی برای رسیدن به موفقیت‌های شغلی نیز می‌توانند موانعی جدی در برابر فرزندآوری ایجاد کنند. علاوه بر این عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در ایجاد یا ممانعت از سیاست‌های مؤثر در زمینه فرزندآوری نقش اساسی ایفا کنند. برای مثال، در کشورهای همچون ژاپن و کره جنوبی،

علی‌رغم اجرای سیاست‌هایی برای افزایش نرخ باروری، مشکلات فرهنگی مانند ساعات طولانی کار، نابرابری جنسیتی و عدم تعادل میان زندگی شخصی و حرفه‌ای مانع از تأثیرگذاری این سیاست‌ها شده است. از سوی دیگر، کشورهای مانند فنلاند به واسطه سیستم آموزشی قوی و سیاست‌های خانوادگی مناسب توانسته‌اند در دوران پاندمی شاهد افزایش جزئی در نرخ باروری باشند، که نشان دهنده اهمیت فراهم کردن بسترهای حمایتی در این زمینه است. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد، برای دستیابی به نتایج مطلوب در سیاست‌های فرزندآوری، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ است که از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره برده و به ویژه به تأمین فرصت‌های برابر و پایداری ساختار خانواده توجه کند.

واژگان کلیدی: سیاست‌های فرزندآوری، سیاست‌های اجتماعی، فرزندآوری، نابرابری جنسیتی، خانواده پایدار.

بایسته های تحول در نظام سلامت ایران متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: چالش ها، نقدها و راهکارها اکرم السادات سادات حسینی^۱، نغمه رزاقی^۲

چکیده

نظام سلامت از دیرباز با چالش های مختلفی روبه رو بوده است که در کنار تأمین سلامت جسمی افراد جامعه، مباحثی چون عدالت در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، تأمین منابع مالی پایدار، و بهبود کیفیت خدمات را تحت تأثیر قرار داده اند. در این راستا، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک راهبرد بومی برای ارتقاء تمام جانبه کشور، می تواند در بخش سلامت نیز به عنوان چارچوبی برای تحول و اصلاح ساختارهای موجود مورد استفاده قرار گیرد. اما تحول در این نظام، فراتر از پیاده سازی صرف یک مدل از پیش ساخته است؛ آنچه در عمل شاهدیم، پیچیدگی های بسیاری است که راه را برای تحقق این تحول هموار نمی کند. در این مقاله، به تحلیل انتقادی وضعیت فعلی نظام سلامت ایران و چالش های موجود در مسیر تحول آن خواهیم پرداخت و پیشنهادهایی

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، نویسنده مسئول، ashoseini@tums.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

برای حل مشکلات و رسیدن به هدف‌های کلان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
ارائه خواهیم داد.

واژگان کلیدی: نظام سلامت، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.

ازدواج پایدار و خانواده استوار

شکوه نوایی نژاد^۱

چکیده

ازدواج زمینه‌ساز تحکیم خانواده است پیمان مقدسی است که در میان تمامی اقوام، ملل و همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. ازدواج موفق پایه و بنیان تشکیل یک خانواده شاد و استوار است و ازدواج ناموفق نه تنها یک آسیب فردی، که یک آسیب اجتماعی است.

چرا برخی از ازدواج‌ها موفق و برخی ناموفق است؟

تحقیقات نشان می‌دهد عمده‌ترین دلایل نارضایتی زن و مرد شناخت ناکافی از یکدیگر، انتخاب نادرست و نداشتن تفاهم در زندگی است. تفاهم زن و مرد در زندگی زناشویی یکی از رمزهای داشتن یک زندگی رضایتمند و با طراوت و پایدار است. تنها راه‌حل مشکلات زناشویی وجود رابطه حسنه و گفتگو با درک و همدلی با یکدیگر است. رابطه حسنه مرکز تجربیات وجودی انسان است و اگر دارای کیفیت صمیمانه باشد، نیاز انسان به بقاء و تعلق خاطر را تغذیه می‌کند. یکی از نکاتی که پس از نیم قرن مشاوره و پژوهش تجربه کرده‌ام که قابل

۱. استاد دانشگاه خوارزمی و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
navabinejad93@gmail.com.

استفاده در زندگی زوجها است اینکه یک زندگی زناشویی با ثبات هنگامی پدید می‌آید که زن و شوهر بتوانند بدفهمی‌ها، سوء تفاهم و تعارضات اجتناب‌ناپذیر در روابطشان را حل و فصل کنند. بسیاری از زوجها تصور می‌کنند خوشبختی یعنی نبود مشکلات و تعارض در زندگی؛ در حالی که پیشرفت روابط زوج بستگی تام به درک و شناخت یکدیگر، پذیرش تفاوت‌ها و سازگاری توأم با همدلی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد وجود اختلاف‌های فاحشی که ممکن است در خانواده از نظر شغلی، مسائل و امور زندگی روزمره و سبک زندگی داشته‌اند می‌توانند با تکیه بر وجوه اشتراک خود زندگی آرام و مطبوعی داشته باشند، مشروط بر آنکه دو عامل اصلی عشق و احترام را حاکم بر زندگی خانوادگی خویش کنند.

عشق و احترام دو نقطه مقابل تحقیر و سرزنش است که از عوامل مخرب و منفی زندگی زناشویی است؛ در چنین خانواده‌ای زن و شوهر مظهر هماهنگی و تفاهم و همدردی و همدلی یکدیگر هستند.

حاکمیت اخلاق و معنویت از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی معنوی در خانواده است.

سبک زندگی معنوی با ازدواج پایدار آغاز می‌شود و استواری خانواده را تسهیل می‌کند. برای حل این معضل باید شرایط ازدواج پایدار جوانان از طریق فرهنگ‌سازی اصولی و آموزش‌های غیرمستقیم از طریق رسانه‌ها گسترش داد.

گسترش و ترویج زندگی و تربیت معنوی می‌بایست از ازدواج و تشکیل خانواده پدید آید تا خانواده را در برابر فشارها و وسوسه‌های مخرب عوامل آسیب‌رسان مصون نگهدارد.

صدا و سیما به جای بسیاری از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که شنندگان و بینندگان محدودی دارد باید از طریق برنامه‌سازان بسیار متبحر و کارآمد و خلاق، آگاهی‌بخش و اثرگذاری‌های این سبک از زندگی باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی معنوی، حاکمیت اخلاق در خانواده، ازدواج پایدار، خانواده استوار.

ازدواج پایدار و فرزندآوری در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ بایسته‌ها و الزامات

امیر محمد طاهری^۱، غلامعلی افروز^۲

چکیده

ازدواج پایدار و فرزندآوری از ارکان مهم در تحقق توسعه پایدار و ارتقای سرمایه انسانی در جوامع به شمار می‌روند. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، این دو مؤلفه به عنوان محورهای اساسی برای دستیابی به جامعه‌ای پویا و متعالی معرفی شده‌اند. مقاله حاضر با رویکردی جامع، به بررسی بایسته‌ها، الزامات و تمهیدات لازم برای دستیابی به ازدواج پایدار و افزایش نرخ فرزندآوری می‌پردازد. در این راستا، ابتدا مبانی دینی و فرهنگی ازدواج پایدار و فرزندآوری بررسی شده است. نقش ایمان، معنویت و ارزش‌های اسلامی در تقویت روابط زناشویی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری از جمله موارد مورد تأکید در این بخش است. در ادامه، عوامل اقتصادی همچون ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، ارائه تسهیلات ازدواج و حمایت‌های مالی از خانواده‌های پرجمعیت به عنوان راهکارهای اساسی در کاهش موانع اقتصادی مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن، با تأکید بر

۱. دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، t.olgou@gmail.com

۲. استاد ممتاز دانشگاه تهران و رئیس اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

دیدگاه‌های دکتر غلامعلی افروز، نقش سلامت روان، آموزش مهارت‌های ارتباطی و تقویت احساس کفایت در ایفای نقش والدینی در افزایش رضایت زناشویی و تمایل به فرزندآوری بررسی شده است. در بخش پایانی، بر اهمیت هماهنگی میان نهادهای فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و مذهبی تأکید شده و راهکارهایی اجرایی برای هم‌افزایی این نهادها ارائه شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تحقق ازدواج پایدار و فرزندآوری موفق، نیازمند رویکردی چندوجهی است که در آن ارزش‌های اسلامی، سیاست‌های اقتصادی حمایتی و اقدامات فرهنگی- اجتماعی به صورت هم‌زمان اجرایی شوند. در نهایت، هماهنگی میان نهادهای مختلف در قالب سیاست‌های کلان و تدوین برنامه‌های عملیاتی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق این اهداف ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: ازدواج پایدار، فرزندآوری، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سلامت روان، عوامل اقتصادی، خانواده، سیاست‌های حمایتی، گفتمان فرهنگی، مشاوره خانواده، ارزش‌های اسلامی.

بایسته‌ها و الزامات استوارسازی بنیان نهاد خانواده، معطوف به ظرفیت و قابلیت سند الگو

محمدحسین ساجدینیا^۱

چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد فطری و طبیعی نظام خلقت است که نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری ساختارهای نظام اجتماعی دارد. نقش تربیتی، اجتماعی و انتقال میراث فرهنگی از پدر و مادر به فرزندان، فصل برجسته و پر رنگی از کارکردهای اصلی خانواده در جهت دادن به سبک زندگی فرزندان و شاکله زیستی و رفتاری آنان است. بر اساس چنین منطقی نهاد خانواده ستون خیمه جامعه محسوب می‌شود و نقش بی‌همتایی در پویایی و تعالی آن ایفا می‌کند. با چنین نگاهی، رصد تحولات خانواده و فراهم کردن الزامات استوارسازی آن یک حقیقت تمام عیار است. با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری متقابل خانواده از تغییرات فرهنگی، سبک زندگی و نهادهای اساسی، نظیر؛ آموزش و پرورش، دین، اقتصاد، سیاست و غیره، ضروری است نسبت به رصد رفتار این نهادها و برون‌داد آن، اهتمام لازم مبذول شود. اگرچه نقش آفرینی نهاد خانواده به عنوان

۱. دبیر اندیشکده خانواده و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فنون هوانوردی،

sajedinia.mh@gmail.com

سلول بنیادی و تنیدن تار و پود دیگر نهادهای اجتماعی، از دیرباز مورد توجه صاحب نظران حوزه علوم رفتاری قرار دارد؛ با وجود این، تهاجم فرهنگی و نشانه گرفتن استکبار جهانی برای تضعیف این نهاد محوری، بسیار نگران کننده است. بر اساس نظریه حرکت جوهری، تغییر در پدیده‌های هستی امری همیشگی است که در ذات و عَرَض پدیده‌ها متجلی می‌شود. بر اساس این قاعده و اصل جهانشمول، نهاد خانواده نیز از چنین تغییراتی مصون نیست. مهم آن است که ضمن پذیرفتن اصل تغییر و تحول، بر رصد عالمانه و هوشمندانه رفتار خانواده نظارت و برای صیانت و شکوفایی آن برنامه‌ریزی شود. با توجه به نقش سازه‌های معنوی و مادی مناسب در تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بهترین و ماندگارترین نوع سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز است. بر اساس آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَقَهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسِيهَا»، ریزش و رویش جزئی از ذات تغییر و تحول پدیده‌های هستی است. با توجه به این که خانواده مهم‌ترین نهاد تشکیل دهنده جامعه می‌باشد، شکوفایی چنین نهادی بیش از هر نهاد دیگری نیازمند رصد و هرس رفتار و کنش و واکنش‌های متقابل است. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با الهام از آموزه‌های وحیانی و ملی و آگاهی از نقش بنیادی نهاد خانواده در شکل‌گیری، حفظ و انتقال فرهنگ و سبک زندگی بر اهمیت خانواده محوری در تنظیم ساختارها و مناسبات اجتماعی تأکید دارد. با چنین نگاهی، فراهم کردن الزامات استوارسازی بنیان

خانواده از اموری است که به نوعی در فصل‌های مختلف سند مورد توجه قرار گرفته و انتظار می‌رود به تدریج نمود عملی آن در سپهر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، تقنینی و سیاسی کشور متجلی شود.

واژگان کلیدی: نهاد خانواده، الزامات، استوارسازی و سند الگو.

محور هشتم:

بایسته‌های سیاسی - امنیتی اجرای سند الگو
(با همکاری اندیشکده دفاع و امنیت)

آینده جبهه مقاومت و عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم متقی^۱

چکیده

جبهه مقاومت یکی از عناصر بنیادین نظم سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی سال‌های دهه ۱۹۹۰ به بعد بوده است. ظهور و گسترش نیروی مقاومت انعکاس قالب‌های هویتی در محیط منطقه‌ای جنوب غرب آسیا می‌باشد. واقعیت‌های محیط منطقه بیانگر آن است که قالب‌های هویتی و ظهور تدریجی نیروی مقاومت ارتباط درهم‌تنیده‌ای با تاریخ، فرهنگ و قالب‌های کنش پیشین هر ساخت اجتماعی خواهد داشت. توضیح آنکه نشانه‌های فرهنگی و هویتی جبهه مقاومت در خاورمیانه به گونه تدریجی بازتولید شده و شکل جدیدی از رفتار سیاسی را در سه دهه گذشته به وجود آورده است. ایران در شکل‌گیری و ارتقاء جبهه مقاومت نقشی مؤثر و تعیین‌کننده داشته است. علت اصلی نقش‌یابی ایران در جبهه مقاومت را می‌توان ناشی از فرهنگ سیاسی ایران، قابلیت‌های ژئوپلیتیکی و رقابت‌های منطقه‌ای پایان‌ناپذیر دانست. جنگ و ستیزش بخشی از واقعیت‌های سیاست قدرت در محیط منطقه‌ای ایران بوده است. مؤلفه‌های هویتی را باید در

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امنیت و دفاع مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
emottaghi@ut.ac.ir.

زمره عواملی دانست که منازعات منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. هدف اصلی در تبیین مقاله آن است که آینده جبهه مقاومت بر اساس نشانه‌های موازنه قدرت تبیین شود. پرسش اصلی مقاله این است که «آینده جبهه مقاومت دارای چه عناصری بوده و پس از تحولات ۲۰۲۴ دارای چه سطحی از عمق راهبردی خواهد بود؟» فرضیه مقاله بر «نشانه‌شناسی قالب‌های هویتی تأکید داشته و بیانگر این موضوع است که کنش هویتی در آینده محیط منطقه‌ای ادامه داشته و انگاره‌های جدیدی از هویت در خاورمیانه بازتولید می‌شود». در تبیین مقاله از «رهیافت قدرت هویت کاستلز» استفاده می‌شود. کاستلز به این موضوع اشاره دارد که هویت به عنوان بخشی از واقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی خاورمیانه بوده و بر اساس معادله قدرت دارای نشانه‌هایی از «هویت برنامه‌دار»، «هویت مشروعیت‌بخش» و «هویت مقاومت» خواهد بود. در روند تبیین مقاله از روش استنتاج کیفی استفاده می‌شود. استنتاج کیفی جلوه‌هایی از آینده‌پژوهی مقاومت و عمق راهبردی ایران بر اساس معادله قدرت را نشان می‌دهد. واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که هویت مقاومت بازتولید شده و شکل جدیدی از معادله قدرت معطوف به بقاء فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی: جبهه مقاومت، عمق راهبردی ایران، هویت، موازنه قدرت، موازنه تهدید.

ژئوپلیتیک نوین ایران و ضرورت تغییر در سیاست خارجی

ماندانا تیشه‌یار^۱

چکیده

در دو سه سال اخیر تحولات ژئوپلیتیکی به شتاب در مناطق پیرامون ایران در حال رخ دادن هستند. این تحولات، زمینه‌ساز تغییر جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در میان کشورهای همسایه و نیز در سطح بین‌المللی شده‌اند در پیرامون ایران، از یک سو، گروه‌های تندرو با افکار و باورهای گوناگون رو به رشد هستند و از سوی دیگر، قدرت‌های بین‌المللی در حال اجرای طرحی نو برای تدوین نظم منطقه‌ای تازه‌ای در این حوزه تمدنی می‌باشند. در این نوشتار کوشیده می‌شود تا نشان داده شود در جهان امروز چگونه ساختار سامانه بین‌المللی دچار تحولی عمیق شده و نظم تازه‌ای در حال شکل‌گیری است؛ سپس به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه مناطق نوین بر پایه الگوهای جدید در حال پدیدار شدن هستند و آنگاه نشان داده می‌شود که چگونه همزمان با این تحولات، گفتمان «امنیت فرهنگ پایه» رو به گسترش است و در قالب چنین شرایطی، چگونه سیاست خارجی ایران نیازمند بازنگری در رویکردها و ابزارهای خود می‌باشد. همچنین کوشش می‌شود تا نشان داده شود که در شرایط نوین، چگونه دانشگاهیان ایرانی می‌توانند نقشی

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، mandana.tishehyar@gmail.com.

تاریخ‌ساز در شکل‌دهی به یک «جامعه فرهنگی منطقه‌ای» بازی کنند. ایده شکل‌دهی به این جامعه فرهنگی، در واقع از دل نظریه‌های نومنطقه‌گرایی که در سال‌های اخیر رویکرد اصلی در مطالعات منطقه‌ای بوده‌اند و بر عنصر هویت و مؤلفه‌های فرهنگی شکل‌دهنده آن تأکید دارند، بر ساخته شده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، نومنطقه‌گرایی، ایران، همگرایی منطقه‌ای، امنیت فرهنگ پایه.

نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی در حوزه دفاع و امنیت

عباسعلی فرزندی^۱

چکیده

پیشرفت کشور مبنی بر مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی توصیه‌محور و جامعه‌شناختی عدالت‌محور، معرفت‌شناختی ولایت‌محور و غایت‌شناختی کمال‌گرا امر گرفته از منابع و حیاتی، منویات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و بهره‌مند از دیدگاه صاحب‌نظران و تجربیات بشری، دربردارنده آرمان، اهداف، اصول، ارزش‌ها و منافع ملی با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی همراه با امکانات و تجهیزات پیشرفته سامان می‌یابد. پیشرفت همه‌جانبه و در ابعاد: فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی و علم و فن‌آوری در سطوح مختلف متأثر از اصول: توحید، نبوت، ولایت، عدالت و معاد با ویژگی‌های خدامحوری و عدالت‌محوری در عرصه‌های، فکر، علم، زندگی و معنویت بوده و با اتکال به خداوند و تکیه به اراده ملی با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات داخلی و لحاظ وضعیت محیط پیرامونی و بین‌المللی در راستای رسیدن به خودکفایی همه‌جانبه در قالب (نظام

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو اندیشکده امنیت و دفاع مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Abbasali_farzandi@yahoo.com.

انقلابی) و مردم سالاری دینی و نیل به حیات طیبه فردی، اجتماعی در دو بعد مادی و معنوی سامان می‌یابد. نظریه پیشرفت اسلامی- ایرانی با در نظر گرفتن جامعیت زندگی دنیوی و اخروی ویژگی‌هایی چون پویایی، انعطاف‌پذیری، توازن با اتکا به ساخت درون قدرت ایفاگر نقش تبیین کننده در هندسه قدرت جهانی در مسیر تحقق اهداف متعالی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است. این نقش با تمرکز بر تلاش همه جانبه برخاسته از فرهنگ جهادی در ظرفیت‌شناسی، بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌ها و ظرفیت‌سازی عالمانه، عادلانه، مؤمنانه و متعهدانه آحاد ملت، نخبگان و کارگزاران ایران اسلامی ایفا می‌شود.

مدعای مقاله حاضر به این شرح است: با اتکال به خداوند و پایبندی به سنت‌های الهی و تکیه به اراده ملی، تعامل هدفمند مکتب، امت و رهبری ولایی، حرکت به سوی پیشرفت و امنیت همه‌جانبه و چندوجهی در عرصه‌های فکر، علم، زندگی و معنویت مبتنی بر مبانی، اصول و اهداف اسلام و قانون اساسی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و بهره‌مندی هدفمند از ظرفیت‌های فراملی برای رسیدن به رشد، تعالی و حیات طیبه در قالب و چارچوب نظام انقلابی با تمرکز بر استحکام ساخت درونی و نقش‌آفرینی در هندسه قدرت جهانی.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، تأمین اجتماعی و مشارکت فعال مردمی.

امنیت اقتصادی، تأمین اجتماعی و مشارکت فعال مردمی

سعید حاجی ناصری^۱، احمد کرد^۲

چکیده

پس از پایان جنگ تحمیلی و ضرورت پرداخت به پیشرفت کشور، الگوی توسعه انتخاب شده متأثر از الگوی نئولیبرالی توسعه بود که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در غرب پیاده شده بود. در الگوی نئولیبرالی شهروندی به صورت موقعیتی صرفاً اقتصادی در می‌آید که به واقع انعکاسی از جمله معروف تاجر است که معتقد بود «چیزی به نام جامعه وجود ندارد» شهروندان به صورت واقعیت اقتصادی صرف بدون هیچ مضمون اجتماعی در می‌آیند. صاحبان ثروت از حقوق شهروندی برخوردارند، امنیت و آرامش دارند، امکانات بهداشتی و آموزشی برایشان مهیا است و آنها که ندارند نه فقط از حقوق شهروندی بهره‌مند نمی‌شوند بلکه از سوی ابزارهای ارتباطی و سیاستمداران نه فقط مجرم شناسانده می‌شوند که مسبب همه مسائل اجتماعی‌اند. وقتی مقوله شهروندی به صورت یک وضعیت اقتصادی تقلیل می‌یابد، آنها که در خارج از مدار مطلوب قرار می‌گیرند

۱. استادیار دانشگاه تهران و دبیر اندیشکده امنیت و دفاع مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

نویسنده مسئول، s.hajinaseri@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد رشته مطالعات جهان دانشگاه تهران.

رفته‌رفته از حیات سیاسی هم به بیرون پرتاب می‌شوند، احتمالاً به همین دلیل است که گاه به راست متمایل می‌شوند و گاه به چپ و گاه شیفته شورش‌های نان هستند. با توجه به محور سوم کنفرانس چهاردهم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت مشارکت فعال مردمی سؤال پژوهش حاضر این است: چه ارتباطی بین امنیت اقتصادی، حقوق شهروندی و مشارکت فعال مردمی وجود دارد؟ بایسته‌های اقتصادی، اجتماعی برای مشارکت فعال مردمی چیست؟ در پاسخ به پرسش فوق‌الذکر این فرضیه مطرح می‌شود که نادیده گرفتن حقوق اقتصادی، اجتماعی (تأمین اجتماعی) منجر به کاهش مشارکت فعال مردمی در تحقق الگوی پیشرفت خواهد شد. روش این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، تأمین اجتماعی، حقوق شهروندی، مشارکت فعال مردمی.

آسیب شناسی کارکردی مجلس شورای اسلامی در ایران و دلالت های آن برای تقویت مردم سالاری دینی مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد سلیمانی^۱، محسن رحمتی نیا^۲

چکیده

در این مقاله به بررسی ساختار مجلس شورای اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی و نظریه انتخاب عمومی پرداخته و تأثیرات رفتارهای منفعت طلبانه فردی و منطقه ای رأی دهندگان و نمایندگان را بر ناکارآمدی های نظام تقنین تحلیل می کنیم. این پژوهش نشان می دهد که مشکلات مزمن کشور، از جمله عدم ثبات سیاسی، فقدان عدالت اجتماعی و ضعف در برنامه ریزی بلندمدت، ریشه در طراحی نادرست سازوکارهای سیاسی و انگیزشی دارد. در پژوهش حاضر با تکیه بر سه اصل فردگرایی، عقلانیت فردی و مبادله سیاسی، رفتارهای رأی دهندگان و نمایندگان مورد تحلیل قرار گرفته و نشان داده شده است که انگیزه های فردی در نظام فعلی، در یک زنجیره به متصل از رأی دهندگان به نامزدها و سپس نمایندگان مجلس و در نهایت قوه مجریه تسری می یابد و به جای تقویت منافع

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق، نویسنده مسئول،

mohsen.rahmatinia@gmail.com

ملی، به تعارض منافع فردی و جمعی دامن زده است و در آخر، اجمالاً راهکارهایی برای همسو کردن انگیزه‌های فردی با منافع عمومی ارائه خواهد شد. سازوکارهای پیشنهادی، که اثربخش بودن آنها مبتنی بر تجربه‌های جهانی مفروض انگاشته می‌شود، با «حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و عدالت اجتماعی به عنوان نظریه محوری اقتصاد اسلامی نیز سازگارتر از وضعیت موجود خواهد بود.

واژگان کلیدی: انتخاب عمومی، اقتصاد سیاسی، پارلمان، اقتصاد سیاسی پارلمان، انتخابات.

مبانی فقهی اقتدار جمهوری اسلامی

سید ابوالقاسم نقیبی^۱

چکیده

اقتدار مصدر باب افتعال، مشتق از قدره است. قدرت در اصطلاح به معنای تحمیل اراده بر دیگران است. تحمیل اراده بر دیگران یا مبتنی بر اجبار مطلق است یا مبتنی بر حق و مقبولیت است. در ادبیات علوم سیاسی به قدرتی که مبتنی بر حق و پذیرش و رضایت است، اقتدار گفته می‌شود. بر اساس اصول قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی اقتدار در اعمال حاکمیت خویش را از دو منبع اسلام و ملت اخذ می‌کند. به تعبیر دیگر آنچه که اراده نظام در ساحت‌های گوناگون حکمرانی را قابل احترام و اطاعت می‌سازد عدم مغایرت این اراده با موازین اسلامی و اتکاء آن به آراء و حاکمیت ملت است. قانون‌گذار قانون اساسی جمهوری اسلامی با هوشمندی در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش را یک ودیعه الهی و ناشی از حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان دانسته است. این اصل مقرر می‌دارد «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است...» از این رو،

۱. استاد دانشگاه شهید مطهری، عضو اندیشکده فقه و حقوق اسلامی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، da.naghibi@yahoo.com.

ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، از مؤلفه‌های بنیادین نرم‌افزاری اقتدار جمهوری اسلامی است. پرورش ایمان به خدای یکتا در آحاد ملت از مهم‌ترین تکالیف دینی در ساحت حکمرانی برای تعمیق و گسترش اقتدار است. بر اساس آموزه‌های قرآنی خداوند منشأ تمامی قدرت‌ها است «انَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره/۱۶۵) و هیچ قدرتی بدون مشیت او شکل نمی‌گیرد «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف/۳۹). از آنجایی که قدرت الهی با خالقیت، ربوبیت، حکمت، علم و دیگر اسماء و صفات آن ذات مقدس، وحدت دارد (توحید صفاتی). مطاع و نافذ می‌باشد یعنی از اقتدار و مشروعیت برخوردار است. اطاعت‌پذیری در آموزه‌هایی چون «اطيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) بر اساس چنین تلقی از اقتدار الهی موجه می‌نمایند و اطاعت از رسول الهی، اطاعت الهی تلقی می‌شود «مَنْ يَطْعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ» (نساء/۱۸) بر اساس آموزه‌های قرآنی نظام حکمرانی در صورت ایمان به آموزه‌های توحیدی و التزام به فرامین و نواهی الهی مشروعیت و اقتدار می‌یابد. این اقتدار نظام حکمرانی وقتی عینیت پیدا می‌کند که ملت حاکمیت خدا داده خویش را در تأسیس اصل نظام و فرایندهای حکمرانی در ساحت‌های گوناگون آن، اعمال کند. یعنی قدرت حکمرانان و حاکمیت با پیوست به اراده ملت از مشروعیت و اقتدار برخوردار می‌شود. اراده الهی بر آن تعلق گرفته است که قدرت در امور عمومی به اراده ملت اعمال شود. دلیل عقل، بنای عقلا، فحوای قاعده سلطنت،

وجوب مشورت در امور عمومی، بیعت، وکالت و نیابت از ملت در امور عمومی از جمله ادله فقهی هستند که بر جایگاه مهم اعمال حاکمیت ملت در ایجاد و استمرار اقتدار نظام جمهوری اسلامی دلالت دارند.

واژگان کلیدی: اقتدار، جمهوری اسلامی، مشروعیت، اسلام، مردم، ملت.

محور نهم:

سلامت معنوی و الگوی پیشرفت
(با همکاری اندیشکده معنویت)

معنویت و غرور ملی: به سوی ایجاد اجماعی نخبگانی پیرامون سند الگو

بهزاد حمیدیه^۱

چکیده

غرور ملی، عنصری اساسی برای همگرایی آحاد جامعه در یک سیستم منسجم و رو به رشد است و بنابراین، جایگاهی حیاتی در تحقق عینی و بیرونی «پیشرفت» دارد. از میان مطالعات گوناگون درباره «غرور ملی»، تنها اندکی از آنها به بررسی ماهیت و محتوای «غرور ملی» پرداخته‌اند. افتخار به «ایرانی بودن» می‌تواند بر ابعاد مادی مانند دستاوردهای اقتصادی، پیشرفت‌های علمی، رشد فناوری، قدرت نظامی و امنیتی، درخشش در هنر، ورزش و مانند آن تکیه کند و یا بر ابعاد غیرمادی استوار شود مانند شکوه تاریخی، شخصیت‌های ماندگار، اساطیر ملی، غنای فرهنگی، ارزش‌های اخلاقی، هویت دینی، رویکردهای ایدئولوژیک، مواضع سیاسی و مانند آن. معنویت در قسم دوم قرار دارد. بازتعریف کاربردی معنویت به مثابه یکی از مؤثرترین منابع «غرور ملی»، می‌تواند خدمت بزرگی به ایجاد اجماع نخبگانی پیرامون سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باشد. در این

۱. استادیار دانشگاه تهران، عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

hamidieh@ut.ac.ir.

تعریف، معنویت، جست‌وجوی حقیقت انسان و جهان در «عهد الست» است و نگرستن به انسجام‌های اجتماعی، به مثابه سایه‌هایی از «عهد و میثاق» وجودی.

واژگان کلیدی: معنویت، غرور ملی، عهد الست، انسجام اجتماعی.

آینده دین و معنویت در چشم انداز تراانسانی

سید محمد تقی موحد ابطحی^۱

چکیده

جنبش تراانسان گرایی از مهم ترین جریان های تأثیر گذار قرن بیست و یکم در توسعه فناوری های نوین آینده محسوب می شود. در ابتدای شکل گیری جنبش تراانسان گرایی دین و مسائل دینی چندان مورد توجه این گروه نبوده است، اما به مرور زمان و تحت تأثیر چالش های علمی و اجتماعی مرتبط با دین و معنویت، تغییرات نسبی در نگرش این جنبش نسبت به دین و تعامل با این حوزه ایجاد شد، به گونه ای که آثار علمی منتشر شده در این موضوع در دو دهه گذشته با رشد بسیاری همراه بوده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نگرش تراانسان گرایان نسبت به دین و ارائه چشم اندازی از وضعیت آن در آینده تراانسانی می باشد، به این امید که زمینه مناسبی برای نقش آفرینی بین المللی اندیشمندان مسلمان ایرانی در این زمینه فراهم آید. یافته های پژوهش نشان می دهد که نگاه تراانسان گرایان به دین و معنویت، همچون سایر حوزه ها نگاهی فناورانه است. آنها در صدد ادغام عناصر دینی با فناوری های نوین شناختی و پزشکی - زیستی و ... هستند و بدین

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، عضو مدعو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، smtmabtahi@gmail.com

نحو دین و معنویت را در چارچوبی فناورانه و بر مبنای الگوریتم و داده بازتعریف می‌کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با وجود چالش‌ها و تضادهای اساسی میان ترانسان‌گرایی و ادیان سنتی و به طور خاص ادیان ابراهیمی، ایجاد بسترهای تعاملی برای گفت‌وگو و هم‌افزایی میان این دو حوزه، نه تنها ممکن بلکه بسیار مهم و ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: ترانسان‌گرایی، فناوری، آینده، دین، معنویت.

تعامل سلامت معنوی و سبک زندگی از منظر روان‌شناسی

فرامرز سهرابی^۱

چکیده

سلامت معنوی انسان در کنار سلامت زیستی، روانی و اجتماعی یکی از مقوله‌های اساسی در بهداشت روان انسان است که شامل برخورداری از روحیه نشاط، آرامش، تلاش، امید و توکل به وجود متعالی و باور به هدفمند بودن هستی و داشتن ارتباط مناسب و معنادار با خود، دیگران و طبیعت بر اساس نقشه خلقت و فطرت است. با عنایت به گسترش بیماری‌های روانی در سراسر جهان، زیان‌های اقتصادی و معنوی ناشی از آن، اهتمام بر ارتقای سلامت معنوی و انجام اقدامات پیشگیرانه در جهت اتخاذ سبک زندگی سالم و پویا به عنوان یک اقدام مثبت اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی برای هر جامعه‌ای الزامی به نظر می‌رسد. معیار سلامت روان در اسلام تحت عنوان رشد به کار رفته و به معنای قایم به خود بودن، هدایت و نجات، صلاح و کمال است. سلامت روان مراتبی دارد که در آن متناسب با ظرفیت‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و توانمندی‌های فرد تعالی روان و تقرب به خدا فراهم می‌شود. سبک زندگی سالم و انتخاب‌های صحیح می‌توانند سلامت

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبائی، عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
asmar567@yahoo.com.

معنوی را تقویت کنند و به همین ترتیب، سلامت معنوی بالا، فرد را به انتخاب سبک زندگی بهتری ترغیب می‌کند. این دو عنصر به صورت متقابل تأثیرگذار هستند. بهره‌مندی از سبک زندگی سالم و سلامت معنوی، کلید موفقیت، شادی و کیفیت زندگی بالا است. افرادی که این دو عامل را به طور همزمان مدیریت می‌کنند، به زندگی متعادل‌تری دست می‌یابند. نسبت تعاملی سلامت معنوی و سبک زندگی، شاخص‌ها، شیوه‌های دستیابی به سلامت معنوی، شیوه سنجش و کارکردهای سلامت معنوی و اتخاذ سبک زندگی سالم از جمله مسائلی هستند که در این مطالعه به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: سلامت، معنویت، سلامت معنوی، سبک زندگی، بهداشت روان.

دیپلماسی فرهنگی - معنوی ایران و ارتقای قدرت نرم (ظرفیت‌شناسی ورزش پهلوانی در گسترش دیپلماسی معنوی)

احمد شاکر نژاد^۱

چکیده

دیپلماسی فرهنگی - معنوی به معنای استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها، نهادها و استراتژی‌ها برای انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و معارف یک کشور از طریق زبان مشترک معنویت به دیگر ملت‌ها است. در این راستا، ایران با بهره‌گیری از غنای فرهنگی و توجه به آموزه‌های معنویت فطری، می‌تواند به عنوان یک الگو در سطح بین‌المللی عمل کند و از این طریق، نفوذ خود را در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای افزایش دهد. ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای به عنوان نمادی از فرهنگ معنوی ایرانی اسلامی با بهره‌مندی از ارزش‌های معنویت فطری مانند احترام، ایثار، مبارزه با زورگویی، همدلی و فداکاری می‌تواند پل ارتباطی قوی بین ملت‌ها ایجاد کند و به ترویج مفاهیم بنیادین سند الگو در سطح بین‌المللی کمک کند. در این مقاله، ابتدا به بررسی ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی و نمونه‌های موفق دیپلماسی فرهنگی - معنوی ایران مانند دیپلماسی اربعین، دیپلماسی زیارت

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی، عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

A_shakernejad@sbu.ac.ir.

و دیپلماسی مقاومت و تأثیر آن بر روابط بین‌المللی پرداخته می‌شود. سپس، ارتباط بین دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم تحلیل خواهد شد و اهمیت این دو مفهوم به ویژه در دنیای امروز مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، مقاله به بررسی نمونه‌های موفق دیپلماسی فرهنگی - معنوی در کشورهای دیگر (مانند دیپلماسی یوگای هند و دیپلماسی پاندای چین) و تطبیق آن با وضعیت ایران می‌پردازد. تأکید این مقاله بر مؤلفه‌هایی است که در ورزش پهلوانی وجود داشته و می‌تواند آن را به عنوان نمونه‌ای جهانی از دیپلماسی فرهنگی - معنوی ایرانی تبدیل کند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ۱- توجه به ارزش‌های عام انسانی (مانند فداکاری، احترام، انصاف، عدالت)، ۲- توجه به سلامت روان - تنی، ۳- توجه به عناصر هنری - نمایشی در فرم و محتوا، ۴- ریشه مشترک تاریخی در کشورهای فارسی زبان، ۵- توجه به انسجام، همبستگی و فعالیت گروهی، ۶- توجه به معنویت حماسی به عنوان وجه مشترک معنویت شیعی و معنویت ایرانی. با تأکید بر این ویژگی‌ها و نشان دادن ظرفیت‌ها، می‌تواند دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای را به عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت جایگاه و نفوذ ایران در عرصه جهانی مطرح کرد که در عین حال پیام‌های معنوی و انسانی را نیز در سطح بین‌المللی اشاعه می‌دهد.

واژگان کلیدی: معنویت حماسی، دیپلماسی معنوی، دیپلماسی فرهنگی، ورزش پهلوانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

الگوی معنویت در تمدن سازی

حمیدرضا مظاهری سیف^۱

چکیده

معنویت گمشده انسان معاصر است و بحران‌های گوناگون روانی و اجتماعی را ایجاد کرده است. معمولاً تلقی ما از معنویت این است که دردهای بشری را درمان می‌کند. اما به نظر می‌رسد تأثیر معنویت بیش از این است که معنویت با تغییر در شالوده تمدن مادی و تحول آن به تمدن معنوی دردها را درمان می‌کند و انسان را در افق‌های بلند تعالی به پرواز در می‌آورد. این تحقیق با بررسی آیات قرآن کریم و به روش تحلیل مضمون انجام می‌شود. رویکرد مقاله توصیفی است و فرایندهای انتقال از تمدن غیر معنوی به معنوی را توصیف کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم تمدن معنوی مبتنی بر حیات طیبه است و تمدن مادی یا غیر معنوی مبتنی بر الگویی است که قرآن کریم آن را حیات دنیا معرفی می‌کند. حیات دنیا انسان را به مرحله از رنج درونی می‌رساند، که بیداری معنوی رخ می‌دهد این تحول راه‌رهایی را نشان می‌دهد و افراد برای تکمیل و تثبیت تحول درونی به شبکه روابط روحی وارد می‌شوند و تحولات اجتماعی را خلق

۱. رئیس پژوهشکده مطالعات معنوی و عضو مدعو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، hrms57@gmail.com

می‌کنند. در این فرایند اولیاء الهی نقش راهنما دارند و مشارکت مؤثر مردم فرایند گذر از حیات دنیا به حیات طیبه را پیش می‌برند.

واژگان کلیدی: حیات دنیا، حیات طیبه، جامعه پیشرفته معنوی، جامعه عقب‌مانده معنوی، رنج درونی، بیداری معنوی، شبکه روابط روحی.

تحلیل منطق پذیرش افراد ضعیف الحجاب در اندیشه معنوی

آیت الله خامنه‌ای

مسلم گریوانی^۱

چکیده

طی دهه‌های اخیر، با پدیده‌ای در جامعه ایرانی مواجه هستیم که می‌توان آن را به عنوان یک پدیده نوظهور فرهنگی یاد کرد و آن اینکه طیفی از دختران هستند که با وجود باورمندی به مظاهر ایمانی مثل حجاب آن گونه که عموم دینداران باور دارند ملتزم نیستند. آیت‌الله خامنه‌ای از جایگاه یک مجتهد و مرجع تقلید طی سال‌های مختلف، از این دسته از افراد که اهل تضرع هستند ولی لزوماً اهل تشرع نیستند با عنوان «ضعیف الحجاب» (نه بی حجاب یا بد حجاب) یاد کرده و آنها را در دایره اسلام، ایمان و انقلاب تعریف کردند. به نظر می‌رسد پذیرش این دسته از افراد جامعه در جرگه ایمان و انقلاب، حکایت از این است که با نوعی جدید از دینداری روبه‌رو هستیم که آنها را نه مصداق «کفر» دانست نه «فسق» که موجب خروج از دایره ایمان نظری و عملی می‌کند، به همین دلیل از عمل این دسته از افراد تعبیر به «نقص و ضعف» می‌شود. در این مقاله درصدد این هستیم

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات معنوی، عضو مدعو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mgrivani59@gmail.com

که رابطه تشرع و تضرع چیست؟ آیا کسی که اهل تشرع نیست را می‌تواند از دایره دیانت خارج است؟ اساساً ما بر اساس چه «منطق معرفتی یا دیانتی» می‌توانیم این طیف از افراد جامعه را به مثابه مؤمنان «پذیرش» کنیم یا آیا منطقی هست یا صرفاً نوعی «کنش سیاسی» است؟! و نهایتاً چه راهکارهایی برای ارتباط‌گیری و «تقویت ایمان» این افراد قابل ارائه هست.

واژگان کلیدی: معنویت، ایمان، حجاب، ضعیف‌الحجاب، آیت‌الله خامنه‌ای.

مداخلات و مراقبات سلامت معنوی

مسعود آذربایجانی^۱

چکیده

سلامت معنوی عبارت است از: برخورداری از نیروی فراروی از مادیت، انانیت و موقعیت در ابعاد بیشنی، گرایشی و کنشی به سوی خداوند به عنوان کانون قدسی جهان هستی که دارای مراتب می‌باشد و بر اساس تزکیه (رفع موانع مسیر)، حیات طیبه (فراهم کردن مقتضیات محیطی مناسب) و تقوا (نیروی محافظ و نگهدارنده ظرفیت‌ها) حاصل می‌شود و عالی‌ترین مرتبه آن نیل به قلب سلیم (دل‌عاری از غیرخدا) است. با توجه به تدبیر ۳۳ سند نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در خصوص سلامت معنوی: «رشد سلامت معنوی اسلامی و گسترش آن در عرصه‌های آموزش، پژوهش، مراقبت‌ها و خدمات سلامت کشور»؛ در این جستار مهم‌ترین مداخلات و مراقبات معنوی در سطح کشور بررسی می‌شود. روش پژوهش معناپژوهی و رویکرد اجتهادی به متون دینی اسلامی (قرآن و حدیث) است. مداخلات و مراقبات بر اساس استعاره سلامت در سه بخش پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالثیه تنظیم می‌شود. این مداخلات در سه لایه فردی،

۱. استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و رئیس اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Mazarbayerjani110@yahoo.com.

خانوادگی و اجتماعی است و با استفاده از اهرم‌ها و نهادهای اجتماعی متعدد از قبیل آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، حوزه‌های علمیه و سازمان تبلیغات اسلامی، مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها، گروه‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و حتی کمک گرفتن از نهادهای انقلابی مانند بسیج و سپاه و نیز شهرداری‌ها و فرهنگستان‌ها و ... عملی می‌شود. در سطوح بالاتر شورای عالی انقلاب و مجلس شورای اسلامی نیز با سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مناسب زمینه‌های کلی را فراهم می‌کنند. رویکرد روان‌شناسی جامعه‌نگر نیز در این موضوع قابل استفاده است.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، مداخلات، مراقبات، سند اسلامی ایرانی پیشرفت، روان‌شناسی جامعه‌نگر.

معنویت مبتنی بر روان‌شناسی اشراق

باقر غباری بناب^۱

چکیده

در مقاله حاضر کوشش منظم به عمل آمده است که معنویت اسلامی معرفی شود. زاویه و دیدگاهی که برای این مهم در نظر گرفته شده است، دیدگاه اشراقی است. دیدگاه اشراقی حاصل اندیشه‌ها و تفکرات حکمای بزرگ هندی، پارسی، چینی و مصری بوده است. شیخ سهروردی در زمان خود جان تازه‌ای به حکمت اشراقی بخشیده است. روان‌شناسی اشراق مبتنی بر تعامل درونی انسان‌ها با انوار آفاقی و انفسی است. علاوه بر ایجاد رابطه بین نفس انسانی و نفس جهانی، فرآیندهای روانی انسان در اثر تعامل انوار انفسی و آفاقی دائماً در حال تحول است و موجب خلق دانش و بینش جدید است. در روان‌شناسی اشراق وقتی از نور و اشراق صحبت می‌شود، تحول فرد در راستای تعامل انوار مختلف در سطوح گوناگون است که انوار سطح بالا انوار پایین را جذب و کمک می‌کند تا این انوار ارتقا پیدا کنند و انوار پایین ارادت خود را برای انوار بالا نشان می‌دهند. در این مقاله ابتدا اشاره‌ای به فلسفه اشراق سهروردی می‌شود، بعد از آن کاربرد

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

bghobari@ut.ac.ir

این دیدگاه فلسفی در روان‌شناسی و معنویت آورده می‌شود. تحول روانی در راستای تحول نوری و اشراقی توضیح داده می‌شود، پس از آن معنویت از دیدگاه روان‌شناسی اشراقی توضیح داده می‌شود. همچنین یکپارچگی ماده و معنا (ظاهر و باطن) که نشانگر توحید و انسجام یافتگی است به اختصار بیان می‌شود. اهمیت دانش و بینش برای تشخیص نور از ظلمت و جهنم از بهشت آورده می‌شود. در آخر نیز معنویت به اخلاص در عمل و اعتماد به خدا اشاره می‌شود. این پژوهش از نوع پدیدارشناختی (هرمنوتیکی) می‌باشد و هدف آن رسیدن به یک الگو و سامان نظری در مورد تعریف، توصیف و تبیین معنویت می‌باشد.

واژگان کلیدی: معنویت، تئوری معنویت، گستره معنویت، اشراق، تعامل عرضی و طولی انوار.

محور دهم:

مدیریت آب و پایداری کشاورزی و منابع
طبیعی (با همکاری اندیشکده آب، محیط زیست،
کشاورزی و منابع طبیعی)

بررسی و ارائه سازوکارهای مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت آب کشاورزی

جواد فرهودی^۱، محمد قربانیان کردآبادی^۲

چکیده

در یک دهه اخیر، مسئله آب، به ویژه آب کشاورزی، به یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش در کشور تبدیل شده است. کشورهای موفق برای مدیریت تنش‌های حاصل از کم آبی، سعی کرده‌اند تا با استفاده از ظرفیت‌های «انتقال مدیریت آب کشاورزی به بهره‌برداران» و «مدیریت مشارکتی آب» چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی موجود در این زمینه را سامان دهند. اما باید توجه داشت که فعال ساختن مشارکت بهره‌برداران یک امر فرایندی است که در آن باید همه ذی‌نفعان، در تمامی مراحل، مشارکت داشته و ایفای نقش کرده و قبول مسئولیت کنند. در طول چند دهه گذشته پس از فروپاشی نظام بهره‌برداری سنتی آب در کشور، سیاست‌گذاران و مجریان آب با اجرای پروژه‌های نمونه موردی و

۱. استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو اندیشکده آب و محیط‌زیست - مرکز الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، j.farhoudi@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی آبیاری و زهکشی گروه مهندسی آبیاری و آبادانی دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و دبیر کارگروه تحول در حکمرانی آب - مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

تدوین دستورالعمل‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا نسبت به استقرار نظام مدیریت مشارکتی آب اقدام کنند. اما، به دلیل غلبه رویکرد هیدروکراسی بر بخش آب کشور، اقدامات غیرسازه‌ای، به ویژه ساماندهی نظام کارآمد بهره‌برداری و تشکلهای آب‌بران، از نتیجه قابل توجهی برخوردار نبوده است. از مهم‌ترین دلایل آن می‌تواند به فقدان باور و اعتقاد در سطح ملی به مشارکت مردم در بخش آب و فقدان اراده لازم در نهادهای تصمیم‌گیر برای ساماندهی تشکلهای، وجود رویکرد غالب فن‌سالارانه در بخش آب، مشخص نبودن جایگاه واقعی قانونی و حقوقی تشکلهای آب‌بران، توانمند نبودن تشکلهای در زمینه‌های فنی، مالی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی برای مسئولیت‌پذیری، عدم ثبات سیاست‌گذاری‌ها در توسعه و حمایت از ایجاد و ساماندهی تشکلهای، ضعف هماهنگی بین سازمان‌های تصمیم‌گیر در ارتباط با تشکلهای در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، فرسوده بودن تأسیسات و شبکه‌های تأمین آب آبیاری، ضعف فنی تشکلهای آب‌بران در مدیریت توأمان آب و مزرعه و نیز عدم وجود انگیزه در تشکلهای برای تحویل، بهره‌برداری و نگهداری از آنها اشاره کرد. تجربه‌های نظام بهره‌برداری سنتی آب در ایران قدیم و نیز تجربه‌های بین‌المللی بیانگر آن است که هر گونه ساده‌انگاری و نگاه دستوری به مدیریت آبیاری مشارکتی به دور از واقعیت و تحقق ذاتی آن خواهد بود. بنابراین لازم است با اذعان به پیچیدگی، انعطاف‌پذیری و عدم قطعیت در مسائل آبی و توجه به این واقعیت که تدوین دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها و مدیریت دولتی تاکنون نتوانسته به چالش‌ها و

مسائل آبی پاسخگو باشد، برای هموار و شفاف شدن رابطه بین کشاورزان و سازمان‌های دولتی در طول آبیاری مشارکتی و همسو و همگرا شدن فعالیت کنشگران، شکل‌گیری و رسمیت یافتن جامعه آب‌بران و اختیار دادن به آن، تعریف خدمات آبی و ارائه دهنده (گان) آن توسط جامعه آب بران، مشارکت و پاسخگویی متقابل بین ارائه دهندگان خدمات، مدیران و اعضای جامعه آب‌بر، دولت و سازمان‌های خدماتی و استقرار نظام پشتیبانی تقاضا-محور بر پایه مشارکت در هزینه‌ها و استقرار یک نظام نهادینه شده جهت جلب مشارکت کشاورزان و ذی‌نفعان و پیاده کردن اصول و شرایط مدیریت آبیاری مشارکتی، شناخت دقیق شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر منطقه و همچنین در نظر گرفتن شرایط حاکم بر زیرساخت‌های آبیاری و ظرفیت منابع آب، به ویژه آب زیرزمینی، الزام‌آور خواهد بود. با توجه به تأکید تدبیر ۲۵ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به نقش مشارکت ذی‌نفعان و بهره‌برداران در مدیریت منابع آب و برقراری نظام حکمرانی آب کشور بر اساس مدیریت یکپارچه منابع آب در حوضه آبریز و تکالیف تعیین شده در قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در مواد ۳۸ تا ۴۰، ضرورت دارد تا رویکردهای اجرایی مفید و عملی در افق اجرایی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برای فعال ساختن مشارکت ذی‌نفعان در مدیریت آب، به ویژه آب کشاورزی تدوین و ارائه شود. هدف پژوهش مروری حاضر، شناخت دقیق عوامل مؤثر بر مدیریت مشارکتی آب کشاورزی، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و موانع آن و در نهایت ارائه سازوکار

اجرای در کشور است که از روش تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رجوع به آراء خبرگان و ذی‌مدخلان کلیدی (جمعاً ۷۸ مورد طی بازه سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۴۹) استفاده شده است. نتایج این پژوهش مروری نشان می‌دهد، مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت در مدیریت مشارکتی آب، فقدان باور و اعتقاد در سطح ملی و نبود اراده لازم در نهادهای تصمیم‌گیر برای ساماندهی تشکلهای بوده است. همچنین غالب بودن رویکرد فن‌سالارانه در بخش آب، مشخص نبودن جایگاه قانونی و حقوقی تشکلهای آب‌بران، توانمند نبودن تشکلهای در جنبه‌های فنی، مالی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی برای مسئولیت‌پذیری، عدم ثبات سیاست‌های حمایتی در ایجاد و ساماندهی تشکلهای، ضعف هماهنگی بین سازمان‌های تصمیم‌گیر در ارتباط با تشکلهای در سطح ملی و محلی، فرسوده بودن تأسیسات و شبکه‌های آب و آبیاری و نیز مقاومت در تحویل، بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری، ازجمله عوامل مؤثر در تحقق نیافتن مدیریت آبیاری مشارکتی در کشور بوده است. برای ارائه یک سازوکار اجرایی برای فعال کردن مدیریت مشارکتی آبیاری و نهادینه کردن آن، یک مدل مفهومی، همراه با سازوکارهای مؤثر و توصیه‌های لازم، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ذی‌نفعان، مدل مفهومی، حکمرانی آب، جامعه آب‌بران، مدیریت آبیاری مشارکتی.

بررسی و ارائه راهکارهای ترمیم، احیاء و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی (گیاهی، جانوری و ریزموجودات) در ایران

اسکندر زند^۱

چکیده

تنوع زیستی که تمامی اشکال حیات روی کره زمین را در بر می‌گیرد، عامل اصلی متمایزکننده کره زمین از سایر کُرات زیربنای انواع خدمات کره زمین به انسان است که عمدتاً در سه سطح بوم‌نظام، گونه و ژن تقسیم‌بندی و مطالعه می‌شود. فعالیت‌های بشر به ویژه در طی ۵۰ سال گذشته آسیب‌های جدی به تنوع زیستی در تمامی سطوح آن وارد کرده است به گونه‌ای که این آسیب‌ها سایر ابعاد زندگی بشر از جمله امنیت غذایی، رفاه و سلامت را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. بر این اساس، ۱۹۶ کشور جهان در چهارچوب کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد بیش از ۳۰ سال است که در پی یافتن و پیاده‌سازی راهکارهای مختلف با هدف کاهش سرعت زوال تنوع زیستی در تمامی سطوح آن می‌باشند. در آخرین نشست کشورهای عضو این کنوانسیون در سال ۲۰۲۲ و بر پایه به کارگیری تئوری تغییر، چهارچوبی با نام چهارچوب جهانی تنوع زیستی کومینگ- مونترال (پس از ۲۰۲۰) مورد تصویب قرار گرفت که حاصل سال‌ها

۱. استاد موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور، عضو اندیشکده آب، محیط زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، eszand@yahoo.com

مذاکرات سیاسی و علمی فشرده کشورهای عضو این کنوانسیون از جمله ایران بود. این چهارچوب کشورهای عضو را موظف می‌کند که در راستای توقف روند فعلی تخریب تنوع زیستی، تا سال ۲۰۳۰ اقدامات مهمی را در دستور کار خود قرار دهند تا پس از آن و طی دهه‌های ۲۰۳۰ الی ۲۰۵۰ نسبت به ترمیم آسیب‌های وارد شده و احیاء تنوع زیستی از دست رفته و همچنین دست‌یابی به شعار جهانی زندگی همگام با طبیعت گام بردارند. آشنایی سیاست‌گذاران و کنشگران عرصه محیط‌زیست و تنوع زیستی با اهداف ۲۳ گانه این چهارچوب، ضرورتی انکارناپذیر برای مطالبه و کمک به تدوین ویراست سوم "برنامه اقدامات ملی تنوع زیستی"، به منظور ترمیم آسیب‌های وارد شده به تنوع زیستی کشور تا افق زمانی ۲۰۳۰ است. آنچه مسلم است در صورت تحقق اهداف ۲۳ گانه این برنامه، گام دوم احیاء تنوع زیستی در دهه آینده و گام سوم نیل به پایداری زیستی کشور در افق ۲۰۵۰ خواهد بود. از آنجا که برنامه هفتم توسعه بدون توجه به این سند مهم جهانی نوشته شده است، پیشنهاد می‌شود در اولین فرصت ویراست سوم "برنامه اقدامات ملی تنوع زیستی" با محوریت کنوانسیون تنوع زیستی و مشارکت همه دستگاه‌های مسئول و به خصوص سازمان محیط‌زیست تدوین و پس از تصویب در شورای عالی محیط‌زیست عملیاتی شود.

واژگان کلیدی: کنوانسیون تنوع زیستی، اهداف آجی، تئوری تغییر، سند تنوع زیستی پسا ۲۰۲۰، زندگی همگام با طبیعت.

آسیب‌شناسی رژیم غذایی و چگونگی دستیابی به الگوی غذایی مطلوب در ایران محمد شاهدی^۱

چکیده

امنیت مواد غذایی چه از نظر ایمنی و سلامت غذا و چه از نظر تأمین غذای کافی و متنوع برای جامعه از اولویت‌های اول هر جامعه پیشرفته است. عواملی که می‌تواند این مهم را با خطر روبه‌رو کند، محدودیت‌های منابع تولید در کشور و عدم مدیریت استفاده بهینه از منابع برای تولید غذای کافی و سالم برای جامعه است. مهم‌ترین محدودیت‌های کشور عدم استفاده از منابع آبی کشور در سال‌های اخیر و در زمان حال و عدم استفاده از علم روز در استفاده از منابع تولید و تولید با استفاده بهینه از منابع آبی و منابع انسانی دارای توان علمی روز برای تولید محصولات غذایی است. علاوه بر ضرورت تولید محصول با بهره‌وری بالا برای رسیدن به خوداتکایی غذایی و کاهش وابستگی کشور، ضرورت دارد که در مراحل آماده‌سازی، حمل و نقل و توزیع و نگهداری، توجه کافی صورت پذیرد و از روش‌هایی استفاده شود که تلفات پس از برداشت کم باشد. مصرف

۱. استاد دانشگاه صنعتی اصفهان، عضو اندیشکده آب، امنیت غذایی، محیط‌زیست و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، shahedimo@gmail.com.

در حد مناسب و مطلوب برای تأمین نیازهای بدن آحاد جامعه و حفظ سلامت آنها و احتراز از مصرف نامتعادل و بیش از حد، موضوع دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد و الگوی مصرف علمی و هماهنگ با ظرفیت‌های تولید کشور در جامعه فراگیر شود. اکثریت منابع انسانی موجود در عرصه‌های تولید محصولات کشاورزی دارای اطلاعات علمی روز کشاورزی نیستند و از روش‌های سنتی استفاده می‌کنند. دولت هزینه کافی برای آموزش جوانان برای داشتن متخصصان تولید محصولات غذایی می‌کند ولی سازوکارهای استفاده از این نیروهای جوان را به کار نمی‌گیرد تا منابع انسانی حاضر در صحنه‌های تولید بتوانند از روش‌های روز برای استفاده از منابع آب و خاک بهره ببرند و بتوانیم با امکانات موجود بخش مهمی از نیازهای جامعه را تأمین کنیم. در شرایط فعلی الگوی تغذیه کشور با نیازهای افراد برای حفظ سلامت، هماهنگ نیست. الگوی غذایی فعلی کشور هماهنگی لازم با ظرفیت‌های تولید کشور ندارد. نتیجه این اشکالات شیوع بیماری‌های غیرواگیر و وابستگی به خارج کشور برای تأمین نیازهای غذایی است. اگر این روند ادامه یابد در آینده وابستگی کشور زیاد و زیادتر شده و مشکلات عدیده‌ای خواهیم داشت. در این مقاله پیشنهادهایی برای توجه جدی به الگوی کشت، استفاده بهینه از منابع تولید و چگونگی رفتن از الگوی مصرف فعلی به مصرف مطلوب ارائه شده است. به اشکالات الگوی غذایی فعلی اشاره شده و ترکیب غذایی الگوی بهینه و مقدار مصرف روزانه لازم

برای هر فرد از ترکیبات غذایی تعیین شده است. الگوی غذایی بهینه برای جامعه پیشرفته ارائه شده و مقدار نیاز مواد غذایی استراتژیک برای جامعه در حالت حداکثر جمعیت پیش‌بینی شده برای جامعه در آینده و بر اساس الگوی پیشنهادی، محاسبه شده است. راهکارهای کلی رسیدن از الگوی فعلی به الگوی مطلوب نیز توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: الگوی غذایی، سواد غذا و تغذیه، محدودیت‌های تولید، نیازهای غذایی جامعه.

ارزیابی پیامدهای تغییر کاربری اراضی و راهکارهای مقابله با آن در ایران

سعید یزدانی^۱

چکیده

اراضی کشاورزی و منابع طبیعی سرمایه‌های ملی هر کشور محسوب می‌شوند که برای ایجاد آنها سال‌های متمادی زمان، نیرو و سرمایه صرف شده است. اما امروزه سطح وسیعی از عرصه‌های منابع طبیعی و کشاورزی دستخوش تغییر و تخریب شده‌اند. استان‌های مختلف کشور در چند سال اخیر با روند رو به رشد تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی روبه‌رو شده است. نتایج بررسی‌های انجام شده نشان داد که روند تغییر کاربری اراضی در کشور طی دو دهه گذشته با یک شیب فزاینده‌ای در حال افزایش است. به عقیده بسیاری از کارشناسان مهم‌ترین عوامل تغییر کاربری مشکلات اقتصادی مردم (درآمد و بازدهی کم فعالیت‌های کشاورزی، هزینه بالای معیشت)، قیمت زمین، گسترش صنعت توریست، بیکاری و مهاجرت است. تغییر کاربری اراضی آثار سوء متعددی را در پی داشته که می‌تواند در قالب سه دسته اقتصادی، اجتماعی-

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، syazdani@ut.ac.ir

فرهنگی و محیطی زیستی دسته‌بندی کرد. در این مطالعه، سعی شده است انواع پیامدهای ناشی از تغییر کاربری اراضی، عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی، راهکارهای مختلف جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی و روش مالکیت زمانی به عنوان یک راهکار موفق جهانی به طور خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد روند تغییر کاربری اراضی و شناخت آثار و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم در اختیار مدیران و سیاست‌گذاران قرار گیرد تا بتوانند راه‌حل‌ها و رویکردهای مناسبی برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی اتخاذ کنند.

واژگان کلیدی: تغییر کاربری اراضی، کشاورزی، منابع طبیعی، خسارت اقتصادی و محیط‌زیستی، صنعت گردشگری، مالکیت اشتراکی زمانی.

رویکردی نقادانه به دلالت‌های نقشه جامع علمی کشور برای حکمرانی علم و فناوری در بخش کشاورزی، معرفی طرح‌واره سه سطحی

محمد شریف شریف‌زاده^۱

چکیده

به مرور زمان، با پیدایش مراکز علمی و تحقیقاتی با هدف پیشرانی دانش و فناوری در بخش کشاورزی، شاهد نوعی تکثر نهادی در نظام دانش و فناوری کشاورزی از یک‌سو و عدم پیوند ارگانیک دست‌اندرکاران نهادی این نظام در قالب انگاره زیست‌بوم از دیگر سو هستیم. این وضعیت به همپوشانی کارکردی، هدررفت منابع و البته، شکاف‌های مأموریتی برای شکوفاسازی زنجیره‌های ارزش فناوریانه در نتیجه گسست‌های نهادی شکل گرفته منجر شده است. این در حالی است که بخش کشاورزی از یک‌سو با مسائل و مشکلات مزمن و یا اخیراً تشدید شده‌ای نظیر تغییرات اقلیمی روبه‌رو است و از دیگر سو، به واسطه کارکردهایی که در ارتباط با پایداری زیست‌بوم‌های طبیعی، امنیت غذایی، بهره‌برداری پایدار از منابع تولید به ویژه آب و خاک، تأمین معیشت پایدار خانوارهای روستایی و نظایر آن دارد، نیازمند حمایت‌های هدفمند و ظرفیت‌سازی است که بهترین وجه

۱. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، sharifsharifzadeh@gmail.com

ممکن در قالب جریان‌های پیوسته دانش و فناوری کشاورزی تبلور می‌یابد. در این تحقیق، با در پیش گرفتن رویکرد استدلالی قیاسی، با مرور نقشه جامع علمی کشور با رویکرد بازاندیشی انتقادی، روایت‌های انتقادی پرداخته شده در قالب دو دسته فراز، شامل: (الف) ملاحظات نظری و روش‌شناختی (۸ فراز) و (ب) و دلالت‌های سیاستی و الزامات اجرایی (۷ فراز) ارائه شود. این فرازها در قالب یک طرح‌واره سه سطحی، شامل: محیط سیاستی، مناسبات نهادی و رفتار کنشگران تدوین شده است.

واژگان کلیدی: نقشه جامع علمی کشور، حکمرانی علم و فناوری، نظام نوآوری کشاورزی، زنجیره ارزش دانش، بازاندیشی انتقادی، روایت‌های نقادانه.

تدوین چارچوب مطالعاتی برای حکمرانی بوم‌زاد احیای زیست‌بوم خلیج گرگان

محمد شریف شریف‌زاده^۱، غلامحسین عبدالله‌زاده^۲

چکیده

هدف این مطالعه تدوین چارچوب مطالعاتی جامع برای حکمرانی احیای زیست‌بوم خلیج گرگان مبتنی بر مرور نظام یافته و تحلیل روایت دست‌اندرکاران بود. برای پاسخ به پرسش کلیدی تحقیق، از قابلیت‌های اساسی ابزارهای جست‌وجوی اطلاعات با ارائه کلیدواژه‌های مرتبط با خلیج گرگان و برآوردن نیاز اطلاعاتی در این زمینه بهره گرفته شد. بدین منظور کلیدواژه‌های مرتبط با حوزه مطالعه به زبان انگلیسی و فارسی در پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی Science Direct, Emerald, Scopus, Online Willy, IEEE و پایگاه‌های داخلی «مگ ایران»، «سیویلیکا»، «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»، و «نورمگز» مورد جست‌وجو قرار گرفت تا مقالات مرتبط با خلیج گرگان شناسایی شود. بعد از جست‌وجوی کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی و تطبیق آنها با معیارهای ورود و خروج، در نهایت، مقالات برای مرور نظام یافته و جمع‌بندی انتقادی انتخاب شد.

۱. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، نویسنده مسئول،

sharifsharifzadeh@gmail.com

۲. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، abdollahzade1@gmail.com

با بررسی مقالات انتخاب شده، یافته‌های حاصل از مرور نظام‌مند ارائه شد. مرور نظام‌یافته حاکی از این بود که تحقیقات پیشین کمتر به رویکردهای نظری محوری به مسئله احیای خلیج گرگان از منظر اقتصادی اجتماعی؛ شامل: الف) تاب‌آوری اجتماعات محلی پیرامون خلیج گرگان؛ ب) معیشت پایدار اجتماعات محلی پیرامون خلیج گرگان در شرایط تغییر اقلیم و ج) رویکرد حکمرانی به مدیریت فرآیند احیاء خلیج گرگان پرداخته‌اند. همچنین، تحلیل روایت‌های رسمی دست‌اندرکاران نشان داد که این رویکردها کمتر در جریان مجامع تصمیم‌گیری منجر به تصمیم‌گیری‌های اداری، مباحث فنی و علمی و گزارش‌های رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به شکاف شناسایی شده، چارچوبی جامع برای راهبری مطالعات حکمرانی احیای زیست‌بوم خلیج گرگان، شامل سه مؤلفه پیشنهاد شد: الف) طراحی سناریوهای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مبتنی بر پایداری نظام معیشت اجتماعات محلی حوزه خلیج گرگان با رویکرد آینده‌پژوهی، ب) تحلیل وضعیت زیست‌بوم انسانی خلیج گرگان بر مبنای ارزیابی یکپارچه پیامدهای اجتماعی با رویکرد ردپای اجتماعی و ج) طرح‌ریزی الگوی حکمرانی مردم‌نهاد/ بوم‌زاد برای مدیریت یکپارچه احیای خلیج گرگان.

واژگان کلیدی: خلیج گرگان، مرور نظام‌یافته، چارچوب مطالعات حکمرانی، تاب‌آوری اقلیمی، احیای زیست‌بوم.

تبیین ضرورت و سیاست گذاری هوشمندسازی شبکه تأمین، انتقال و توزیع آب شرب شهری و روستایی در راستای مدیریت تنش آبی در ایران

شیرزاد ایرانمهر^۱، علی موسوی^۲، سیامک کاظم‌زاده حنایی^۳

چکیده

کشور ایران در کمر بند خشک جهان قرار گرفته و از جمله کشورهایی است که مستقیماً در معرض وضعیت تنش آبی قرار دارد. این بدین معنی است که منابع آب تجدیدپذیر موجود در کشور ایران، به صورت پایدار و با قابلیت اطمینان مناسب، توان جوابگویی میزان برداشت آب مورد نیاز جامعه را ندارد. از طرفی هدررفت آب در ایران نسبت به کشورهای پیشرفته جهان بسیار بالا می‌باشد. بنابراین توجه به مدیریت منابع آبی در ایران بسیار حیاتی است که در فصل هشتم برنامه هفتم توسعه ایران مورد تأکید قرار گرفته است. در همین زمینه با بررسی اقدامات انجام شده توسط کشورهای پیشرو و دستاوردهای آنها، توسعه سیستم‌های اسکادا پیشنهاد می‌شود. از طرفی با توجه به رشد روزافزون و پرشتاب

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده مهندسی مکانیک، دانشگاه صنعتی شریف.

۲. استاد دانشگاه صنعتی شریف، نویسنده مسئول، moosavi@sharif.edu.

۳. استاد دانشگاه صنعتی شریف.

مقوله هوش مصنوعی و تأکیدات برنامه‌های بالادستی کشور مبنی بر توسعه داخلی توانائی کشور در این حوزه، سرمایه‌گذاری در حوزه راه‌اندازی سیستم‌های هوشمند مدیریت منابع و شبکه تأمین، انتقال و توزیع آب شرب شهری و روستایی پیشنهاد می‌شود. با مذاقه در موضوع، سیاست‌گذاری و نقشه راه رسیدن به نقطه مطلوب در حوزه مدیریت هوشمند تبیین می‌شود. در این قسمت بر سرمایه‌گذاری بر روی مقوله‌های مهمی مانند توسعه تجهیزات، تحقیق و توسعه بر روی الگوریتم‌های کاربردی و موضوعات امنیتی - پدافندی برای پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند تأکید می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان بخشی از سند راه پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند مدیریت منابع آبی و زنجیره تأمین، انتقال و توزیع آب شرب شهری و روستایی در راستای پیشگیری و یا مواجهه اصولی با وضعیت تنش آبی در ایران، مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: برنامه هفتم توسعه ایران، نظام مدیریت یکپارچه منابع آب، الگوی مصرف آب، تنش آبی، شبکه هوشمند توزیع آب، توسعه پایدار، تمدن ایرانی - اسلامی.

راهکارهای پایداری امنیت غذایی و سلامت غذا برای جمعیت آینده کشور

محمد شاهی^۱

چکیده

کشور ایران پتانسیل تولید نیاز غذایی جمعیت نهایی حدود یکصد میلیونی جامعه را دارد ولی با روندی که هم‌اکنون پیش گرفته شده است در آینده نزدیکی باید حدود ۵۰ درصد نیاز غذایی را از خارج وارد کند. روند فعلی، عدم استفاده از علم روز و فناوری‌های جدید در تولید و به ویژه در مصرف آب کشاورزی است. این روند و عوامل دیگر تأثیرگذار که اکثراً تحت مدیریت غلط اثر خود را گذاشته است باعث شده که منابع آب سطحی و زیرزمینی رو به تحلیل رود و شرایطی فراهم شود که کشاورزی و فعالیت عادی در خیلی از مناطق ناممکن شود. وزارت کشاورزی و سازمان تات گستردگی کافی دارد، دانشکده‌های کشاورزی بیش از نیاز گسترده شده است، دانش‌آموختگان زیادی آموزش رشته‌های کشاورزی را به پایان رسانیده‌اند، پتانسیل‌های بالقوه تولید محصولات غذایی وجود دارد ولی برنامه‌ریزی لازم برای به اجرا نشستن

۱. استاد دانشگاه صنعتی اصفهان، عضو اندیشکده آب، امنیت غذایی، محیط‌زیست و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، shahedimo@gmail.com

روش‌های تولید بهینه و به کارگیری قابلیت‌های بالقوه و تبدیل به بالفعل وجود ندارد. در حالی که کشوری چون امارات که از نظر شرایط تولید مواد غذایی بسیار ضعیف است برای تولید محصولات غذایی کشورش به اجاره کردن زمین‌های کشاورزی مصر برای تأمین مواد غذایی آینده‌اش می‌پردازد آیا کشور ما با گستردگی و تنوع فراوان و داشتن مرزهای آبی زیاد نمی‌تواند شرایطی فراهم آورد که کشاورزی تخریبی تبدیل به کشاورزی پایدار شده و ضمن استفاده از مرزهای گسترده جنوبی و تولیدات دریا و سواحل محور نیازهای غذایی خود را تولید کند؟ تلفات بیش از حد محصولات غذایی و الگوی غذایی غلط، مزید بر علت شده و باعث شده است که روز به روز نیاز کشور به واردات خارجی بیشتر شود. در این مقاله به دلایل عدم امکان تأمین امنیت غذایی با شرایط فعلی و چگونگی امکان اصلاح برای تأمین مواد غذایی سالم و کافی پایدار برای جمعیت آینده کشور پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: آب، بهره‌وری، امنیت غذایی، الگوی کشت، الگوی مصرف.

محور یازدهم:

الگو و پدیده‌های نوظهور علمی و فناوری

سیاست گذار و زنجیره جهانی علم و فناوری

حسین سالار آملی^۱

چکیده

گذار پایه‌های قدرت جهانی در قرن جدید از زور، قدرت و ثروت به سمت دانایی و دانش، آشکارتر و انکارناپذیرتر می‌شود. رقابت آینده در جهان ما بین دارندگان علم و فناوری خواهد بود و در این راستا فرایندها و هنجارسازی‌های مهمی در گیتی در حال شکل‌گیری است. در این گذار، سؤال اصلی این است که سیاست‌گذار، علم و فناوری را در کجا بجوید؟ فرض این است که بسنده کردن به امکانات داخلی، نگرش محدود و فراموشی پدیده‌ای به عنوان زیست جهانی، به شدت واپس‌گرا است و علم و فناوری را نیز نمی‌توان تنها از یک کشور یا یک بنگاه به دست آورد. در جهانی زیست می‌کنیم که حاکمیت قوانین بومی به شدت کاهشی و در مقابل حاکمیت قوانین، برنامه‌ها و ارتباطات بین‌المللی و شبکه‌سازی‌های منطقه‌ای و جهانی به شدت در حال رشد و افزایش است. به خصوص آنکه امکانات ارتباطی و دیجیتالی رو به گسترش در جهان، فرایندهای جدیدی را به وجود آورده و به یاری شبکه‌سازی در زمینه‌های مختلف

۱. استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر، عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

h.salaramoli@aut.ac.ir

آمده است. از این رو سیاست گذار باید بر این موضوع احاطه داشته باشد که اگر در هنجارسازی ها و شبکه سازی های جهانی حضور نداشته باشیم، علاوه بر از دست دادن موقعیت برای کسب دانش جهانی، کشورها و هنجارسازان بین المللی قدرت خود را دیکته خواهند کرد و منتظر ما نخواهند بود. زنجیره جهانی علم و فناوری یک نظام بین المللی ارتباطی بین کشوری در مورد دانش، تحقیق و نوآوری است که به مرزها و نژادها محدود نمی شود. این شبکه دارای گره های متعدد و پیوسته ای است که از جمله می توان به نهادهای مالی، نهادهای علمی همچون دانشگاه ها و مراکز تحقیق، بنگاه های صنعتی و تجاری، حکومت ها و سازمان ها و همکاری های مرتبط بین المللی مانند UNESCO, APCTT, WIPO, PCT, UN-CSTD, CERN اشاره کرد. امروزه دیگر دانش و فناوری در یک کشور، یک بنگاه یا یک دانشگاه وجود ندارد، بلکه این گوهر گران بها و عامل قدرت، در شبکه های بین الملل است و بازیگران برتر این شبکه ها بیشترین نفع را می برند. بهره وران اصلی این شبکه جهانی، می توانند افراد، بنگاه، مراکز علمی و یا حکومت ها باشند و بهره وری از این زنجیره حداقل در ۶ محور شامل دستیابی به نوآوری و دانش روز، رشد اقتصادی و تولید شغل، دستیابی به فرصت های تأمین مالی و سرمایه گذاری، انتقال فناوری و رشد صنعتی، همکاری جهانی در حل مشکلات مشترک و امنیت ملی می باشد و مهم تر اینکه قابلیت یادگیری از شبکه جهانی علم و فناوری پدیده ای است که هم به رشد فردی و هم بنگاهی کمک

می‌کند. کشورهای جهان به لحاظ اثرگذاری در شبکه علم و فناوری جهانی به ۳ گروه تقسیم می‌شوند. کشورهای پیشرو، کشورهای رهرو و کشورهای جامانده. آنچه که قرار گرفتن در این ۳ گروه و موقعیت یک کشور را در زنجیره جهانی علم و فناوری تعیین می‌کند نظام تحصیل و تحقیق مستحکم و کارا از دوره ابتدایی تا عالی، میزان هزینه کرد تحقیق و توسعه به GDP، گسترش هاب‌های فناوریانه مثل مراکز رشد و پارک‌های فناوری و بنگاه‌های دانشی و تقویت همکاری‌های علمی بین‌المللی است. هزینه‌های سرسام‌آور تحقیق و به ثمر رساندن نوآوری، بازارهای محدود محلی، نبود نیروی انسانی کافی در همه زمینه‌ها در یک کشور یا یک بنگاه، کمبود منابع مالی و کافی نبودن دانش در یک کشور از جمله عواملی است که سبب می‌شود که سیاست‌گذار علم و فناوری، در کنار و یا حتی بالاتر از سیاست‌های عرضه، تقاضا و اشاعه علم و فناوری به سیاست‌گذاری برای حضور در زنجیره جهانی علم و فناوری بیندیشد و برای اکوسیستم آن برنامه‌ریزی کند.

واژگان کلیدی: علم و فناوری، زنجیره جهانی، سیاست‌گذار.

چالش‌های گزینش پژوهش‌های بنیادی در ایران: استفاده از زنجیره بلوکی برای بهره‌گیری از مشورت همه نخبگان

سیدسپهر قاضی نوری^۱

چکیده

پژوهش‌هایی که به ایجاد فهمی بنیادی درباره موضوع پژوهش منجر می‌شوند و هدف کاربردی خاصی ندارند پژوهش‌های بنیادی نامیده می‌شوند. در ایران، با توجه به محدودیت‌های منابع مالی و لزوم پیگیری اهداف سیاستی بالادستی، گزینش پژوهش‌های بنیادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روش‌های مرسوم در سیاست‌گذاری پژوهش‌های بنیادی، که عمدتاً مبتنی بر نظر کارشناسان و ارزیابان محدود هستند، با مشکلاتی مانند اعمال‌نظرهای شخصی، عدم شفافیت، و سیاست‌گذاری بالا به پایین مواجه‌اند. این مسائل به کاهش اعتماد عمومی، عدم مقبولیت در جامعه علمی، و ائتلاف منابع منجر شده‌اند. همچنین، فقدان معیارهای عینی برای ارزیابی پژوهش‌های بنیادی و پیچیدگی‌های ناشی از تعاملات بین پروژه‌ها، مدیریت این حوزه را دشوارتر کرده است. پیچیدگی فرایند ارزیابی و گزینش طرح‌های تحقیقاتی بنیادین باعث شده است تا رعایت این اهداف در

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

ghazinoory@modares.ac.ir

گزینش طرح‌های تحقیقاتی عملاً ناممکن شود. در چنین شرایطی، نیاز به رویکردهای نوآورانه و فناورانه که بتوانند به بهبود این فرایند کمک کنند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مقالات فارسی مهم‌ترین چالش‌های گزینش پژوهش‌های بنیادی در ایران شناسایی شده که این چالش‌ها را می‌تواند در پنج دسته طبقه‌بندی کرد: پیش‌بینی‌ناپذیری ستانده‌ها، سیاست‌گذاری بالا به پایین و دشواری‌های تصمیم‌گیری متمرکز و تصمیمات شخصی، تقسیم‌ناپذیری و تملک‌ناپذیری، هم‌پوشانی و هم‌افزایی پروژه‌ها و تضاد سیاستی. مشکلات موجود در فرآیند گزینش، علاوه بر تأثیرات منفی بر کارایی تخصیص منابع، منجر به کاهش اعتماد عمومی و مقبولیت سیاست‌گذاری‌های دولتی در میان پژوهشگران و جامعه علمی شده است. در مرحله بعد، با استفاده از بازارهای پیش‌بینی و قراردادهای هوشمند مبتنی بر زنجیره بلوکی، مدلی برای گزینش پژوهش‌های بنیادین پیشنهاد شده که می‌تواند فرایندهای تصمیم‌گیری را شفاف‌تر کند، مشارکت جمعی را افزایش دهد، و اعتماد به تصمیمات اتخاذ شده را تقویت کند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و در راستای تحول و ارتقای علوم پایه، گام‌های مؤثری بردارند.

واژگان کلیدی: پژوهش‌های بنیادی، علوم پایه، آینده‌سالاری، زنجیره بلوکی، سیاست‌گذاری مبتنی بر قراردادهای هوشمند، سیاست‌گذاری علم.

از پیش‌بینی تا تجویز: کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی

بابک حمیدیا^۱

چکیده

در عصر تحول دیجیتال، سیاست‌گذاری عمومی با چالش‌هایی نظیر پیچیدگی‌های فزاینده، انفجار داده‌ها، تغییرات سریع محیطی و سوگیری‌های انسانی در تصمیم‌گیری مواجه است. این مقاله به بررسی جامع نقش هوش مصنوعی (AI) در ارتقای فرآیندهای سیاست‌گذاری می‌پردازد و سه سطح تحلیلی داده‌محور شامل تحلیل توصیفی، پیش‌بینی‌کننده و تجویزی را در قالب یک چارچوب مفهومی - کاربردی تحلیل می‌کند. ابزارها و روش‌های AI مانند الگوریتم‌های یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی، مدل‌سازی سیاستی و سیستم‌های تصمیم‌یار، به عنوان پیشران‌های کلیدی در بهینه‌سازی سیاست‌های عمومی معرفی می‌شوند. همچنین، از طریق مطالعات موردی از کشورهای مختلف، کارایی AI در حوزه‌هایی چون سلامت، محیط‌زیست و اقتصاد نشان داده شده است. مقاله در ادامه به چالش‌های فنی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی استفاده از AI در سیاست‌گذاری پرداخته و با تأکید بر ضرورت شفافیت

۱. استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام، bhamidia@yahoo.com.

الگوریتمی، سیاست‌گذاری تطبیقی و ترکیب تصمیم‌گیری انسانی و ماشینی، مسیرهایی برای آینده سیاست‌گذاری هوشمند ترسیم می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که بهره‌گیری اثربخش از AI در سیاست‌گذاری نیازمند چارچوب‌های نظارتی، ارتقای ظرفیت‌های نهادی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، سیاست‌گذاری عمومی، تحلیل توصیفی، تحلیل پیش‌بینی‌کننده، تحلیل تجویزی، یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی (NLP)، شفافیت الگوریتمی، سیاست‌گذاری تطبیقی، سیستم‌های تصمیم‌یار.

هوش مصنوعی در اصلاح سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی:

الگوی مبتنی بر ایران

حسن بشیری^۱

چکیده

تحولات فناورانه به ویژه در حوزه هوش مصنوعی، فرصتی بی نظیر برای اصلاح و بهینه‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران فراهم کرده است. این پژوهش به بررسی نقش هوش مصنوعی در تحلیل کلان‌داده‌ها، پیش‌بینی روندهای اقتصادی و اجتماعی و ارائه راهکارهای بهینه برای سیاست‌گذاری می‌پردازد. با استفاده از مدل‌های یادگیری ماشین، شبکه‌های عصبی و پردازش زبان طبیعی، می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را هوشمندتر کرد. تصمیم‌گیری که مبتنی بر داده‌ها باشد. همچنین، این پژوهش چالش‌های پیاده‌سازی این فناوری در کشور را از منظر زیرساخت، منابع انسانی و سیاست‌گذاری بررسی می‌کند و راهکارهایی برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی در راستای تحقق الگوی ایرانی پیشرفت ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که به کارگیری هوش مصنوعی در سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی، علاوه بر کاهش خطاهای انسانی، می‌تواند

۱. استادیار دانشگاه صنعتی همدان، bashiri@hut.ac.ir

به تخصیص بهینه منابع، افزایش عدالت اجتماعی و بهبود بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی منجر شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، سیاست‌گذاری داده‌محور، کلان‌داده، یادگیری ماشین، تحلیل اقتصادی، پیش‌بینی اجتماعی، الگوی ایرانی پیشرفت.

آینده هوش مصنوعی: روندهای پدیدار شونده و پیامدهای آنها

هاشم آقازاده^۱، امیرسالار ونکی^۲، مصباح سیوندیان^{۳*}

چکیده

هوش مصنوعی (AI) به سرعت در حال تغییر جهان ما هست و بر هر جنبه‌ای از زندگی ما تأثیر می‌گذارد. با توجه به نفوذ فراگیر و سرعت بالای توسعه آن، درک روندهای فعلی و حوزه‌های تحقیقاتی در حال پدیداری در هوش مصنوعی نه تنها مفید، بلکه برای پیمایش در این دورنمای در حال تحول ضروری است. این مطالعه به مسیر تحول‌آفرین هوش مصنوعی می‌پردازد، تحقیقات فعلی را تجزیه و تحلیل می‌کند و آینده نزدیک آن را پیش‌بینی می‌کند. با به کارگیری یک روش‌شناسی قوی، ما خوشه‌های کلیدی تحقیقاتی در هوش مصنوعی را شناسایی کرده و از یک رویکرد تحلیل شبکه برای تعیین روندهای در حال پدیداری استفاده می‌کنیم. این تحلیل شبکه، با استفاده از مرکزیت نزدیکی و ضرایب خوشه‌بندی، کلمات کلیدی و موضوعاتی را که در جوامع تحقیقاتی خاص

۱. دانشیار دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران.

۳. کارشناسی ارشد، دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

mesbah.sivandian@ut.ac.ir

اهمیت پیدا می کنند، برجسته کرده و مسیرهای بالقوه آینده این حوزه را نشان می دهد. تجزیه و تحلیل محتوای عمیق بعدی مقالات مرتبط با هر خوشه، درک دقیقی از دورنمای تحقیق ارائه می دهد. این تجزیه و تحلیل، دورنمای پویای تحقیقات، با رشد نمایی در انتشارات، به ویژه در سال های اخیر را نشان می دهد و بر فوریت درک روندهای در حال پدیداری و پیامدهای بالقوه آنها تأکید می کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، روندهای در حال پدیداری، تحلیل شبکه، هوش مصنوعی قابل توضیح، آینده هوش مصنوعی.

پیشران‌های پیشرفت علم و فناوری در ایران

محمدرضا محمدی‌زاده^۱

چکیده

شرایط عصر حاضر و دگرگونی‌های ژرف آن، دولت‌ها را بر آن داشته است تا تمهیدات ویژه‌ای در راستای تحقق امر پیشرفت علمی و فناوری پیش‌بینی کنند. فرآیند پیشرفت در این عصر منوط به انتخاب درست ابزار و شرایط پیشرفت و برنامه‌ریزی دقیق و منظم برای پیشتازی در علم و فناوری است. عامل اصلی تولید در اقتصاد دانش‌محور، دانش و نوآوری است. تولید دانش، فرآیندی بسیار پرهزینه است. در واقع، برای تولید دانش با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو هستیم. این محدودیت‌ها شامل محدودیت‌های مالی، انسانی و اجتماعی هستند. از آنجا که همه کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه با این محدودیت‌ها مواجه هستند، هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی در همه زمینه‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاری کافی برای تولید دانش‌های ضروری انجام دهد. علاوه بر این استفاده درست از منابع برای توفیق حداکثری در هر زمینه‌ای، نیازمند برقراری

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

zadeh@ut.ac.ir

شرایط ضروری است. پس از بررسی اولیه مشخص می‌شود که تعداد عوامل لازم برای پیشرفت علمی و فناوری زیاد هستند. لکن تعدادی از این عوامل در میان عوامل مؤثر برای پیشرفت علمی و فناوری، عوامل مؤثرتر و محرک سایر عوامل برای حرکت و پیشرفت هستند. در این کار پژوهشی با تدوین پرسشنامه و اخذ نظر نخبگان علمی و فناوری به دنبال این عوامل هستیم. ۱۱ محور اصلی و ۳۲ محور فرعی در پرسشنامه تدوین شده‌اند. در نهایت به سه عامل مهم و اثرگذار بر سایر عوامل دست یافتیم: همکاری‌های بین‌المللی (قرار گرفتن در زنجیره دانش و فناوری دنیا)، توسعه مغزافزار (منابع انسانی) و همچنین پایداری بلندمدت (آرامش ذهن و فکر). تناسب پرسشنامه با "تدابیر سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" نیز بررسی شده است. نتایج جالب و قابل توجه هستند. امیدواریم یافته‌های این پژوهش اندیشه‌ورزی، کمک مناسبی برای برنامه عملیاتی جهش علمی و فناوری کشور باشد.

واژگان کلیدی: پیشران‌های علم، پیشران‌های فناوری، پیشرفت علمی ایران.

ارزیابی تطبیقی برنامه هفتم پیشرفت با سند الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت در حوزه علم، فناوری و نوآوری

محمد رضا رضوانی^۱

چکیده

برنامه ریزی کلان و ملی، یکی از کلیدی ترین راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار است. جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اسناد میان مدت و بلندمدت و به طور مشخص برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت و سند الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت، در صدد دستیابی به اهداف کلان توسعه، از جمله در زمینه های علم، فناوری و نوآوری است. این مقاله به ارزیابی تطبیقی این دو سند با تمرکز بر هماهنگی میان اهداف، نقاط قوت و چالش ها می پردازد و از هوش مصنوعی به عنوان ابزار تحلیل و شبیه سازی استفاده می کند. برنامه هفتم پیشرفت به عنوان یک سند میان مدت، هدف اصلی را توسعه فناوری های نوظهور و تقویت زیرساخت های علمی کشور و زیست بوم نوآوری قرار داده و در مقابل، سند الگوی پایه با تمرکز بر چشم انداز بلندمدت و مبانی ارزشی، دستیابی به تمدن نوین اسلامی را برجسته و به عدالت محوری و توسعه زیربنایی فناوری های بومی و تقویت پیوندهای علمی

۱. دکترای اقتصاد صنعتی گرایش بین الملل، اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Rezvani.sem@gmail.com

با کشورهای اسلامی توجه ویژه‌ای دارد. تحلیل تطبیقی این دو سند نشان می‌دهد که نقاط قوت در اسناد، تأکید بر تولید دانش، توسعه فناوری‌های بومی و حرکت در مدار نوآوری است. همچنین، در بسیاری از بخش‌ها هم‌راستایی وجود دارد. لکن، چالش‌هایی نیز در هماهنگی این اسناد به چشم می‌خورد. مانند محدودیت بودجه‌بندی، عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و تفاوت در اولویت‌بندی‌ها، که می‌تواند تحقق اهداف مشترک را با دشواری مواجه کند. برنامه هفتم بیشتر به رقابت‌پذیری در عرصه جهانی و سرعت در توسعه فناوری متمایل است، در حالی که سند الگو تلاش می‌کند شکاف دیجیتالی میان مناطق مختلف کشور را کاهش دهد. این تفاوت‌ها در برخی موارد به تناقض در سیاست‌گذاری‌ها منجر می‌شود که بر ضرورت هماهنگی در سیاست‌گذاری و اجرا دلالت دارد.

واژگان کلیدی: برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، سند الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت، علم، فناوری، نوآوری.

محور دوازدهم:

حکمرانی تعیین اولویت فناوری و نوآوری
(با همکاری اندیشکده چرخه نوآوری)

اولویت فناوری: انتخاب یا تبلور/تکوین/تکامل؟

رضا حافظی^۱، علی چاپرک^۲

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری علم و فناوری تعیین اولویت‌های فناورانه است. اگرچه کشورهای مختلف فرایندهایی تا حدی متمایز از هم برای پاسخ به این چالش برمی‌گزینند، دو رویکرد کلیدی در این زمینه وجود دارد: نخست، رویکرد انتخاب که بر تصمیم‌گیری از بالا به پایین تأکید دارد و نقش نهادهای حکومتی و توسعه‌ای را در تعیین اولویت‌های فناورانه برجسته می‌کند. دوم، رویکرد تبلور/تکوین/تکاملی که بر پویایی‌های اجتماعی، مکانیسم‌های بازاری و فرآیندهای امرجنت (معادل برآینده، یا اثرات ناشیه) تمرکز دارد و معتقد است که اولویت‌ها باید از بستر درک عمومی (اجتماع تخصصی)، رقابت در بازار و شایسته‌سالاری شکل بگیرند، نه اینکه از پیش تعیین شوند. به زبان دیگر، به دلیل حاکم بودن عدم قطعیت بر آینده و چندگانگی در مسیرهای ممکن توسعه فناوری اولویت‌گذاری از بالا به پایین و با اولویت‌های از قبل تعیین شده ریسک بالایی برای شکست دارند. این مقاله با بررسی انتقادی

۱. استادیار موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور.

۲. استادیار پژوهشگاه نیرو، نویسنده مسئول، achaparak@nri.ac.ir.

تجارب سیاست‌گذاری فناوری در ایران و سایر کشورها، استدلال می‌کند که تمرکز صرف بر انتخاب اولویت‌های فناورانه بدون در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و تعاملات پیچیده بین بازیگران، به ناکارآمدی سیاست‌ها منجر می‌شود. در مقابل، ایجاد بستری برای تبلور اولویت‌های فناورانه بر اساس قواعد شفاف، رقابت عادلانه و سازوکارهای خودتنظیم‌گر اجتماعی، می‌تواند به پایداری و کارآمدی بیشتر سیاست‌گذاری فناوری منجر شود. مقاله با تأکید بر اهمیت سیاست‌گذاری مبتنی بر ایجاد ظرفیت‌های نهادی، نقش حاکمیت را در تعیین قواعد بازی و نه در تصمیم‌گیری مستقیم درباره اولویت‌ها بازتعریف می‌کند. این پژوهش با استفاده از تحلیل‌های تطبیقی و بررسی موردی، نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های علم و فناوری به میزان سازگاری آنها با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی وابسته است و تنها از طریق فرآیندهای پویای اجتماعی، امکان ظهور و تثبیت اولویت‌های فناورانه وجود دارد.

واژگان کلیدی: اولویت‌گذاری فناوری، سیاست‌گذاری علم و فناوری، انتخاب، امرجنت (برآینده)، توسعه فناورانه، آینده‌نگاری.

اولویت‌های فناوری، حاصل تشخیص و برنامه‌ریزی نهادهای توسعه‌ای علم و فناوری

رضا اسدی فرد^۱، علی محمد سلطانی^۲

چکیده

حدود دو دهه است که سیاست‌گذاری علم و فناوری در کشور ما جدی شده است اما کشور عملاً نتوانسته است که اولویت‌گذاری داشته باشد؛ بلکه، بودجه‌های ناچیزی که در اختیار نهادهای مربوطه بوده است به شکلی عمومی بین همه حوزه‌ها توزیع شده است. این در حالی است که تجربه سیاست‌های فناوری نانو کشور نشان می‌دهد که همین تمرکز اندکی که در این مورد به وجود آمده است؛ نتایج بسیار بهتری حاصل کرده است. فهرست‌های بلندی که به نام اولویت‌های علم و فناوری در اسناد بالادستی تعیین شده‌اند عملاً هیچ حوزه‌ای را حذف نمی‌کنند و به عبارت دیگر، ضعف کشور فقط در مرحله انتخاب نبوده، بلکه عمدتاً در مرحله پیاده‌سازی هم بوده است. واضح است که حفر تعداد بی‌شماری چاه که هیچ یک از عمق کافی برای حصول به نتیجه برخوردار نیست، روشی بی‌فایده است و باید منابع را روی تعداد معدودی چاه عمیق متمرکز کرد.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری، نویسنده مسئول،

reza_asadifard@tsi.ir.

۲. استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری.

نویسندگان حاضر معتقدند که باید تعداد محدودی از مأموریت‌های ملی (مثلاً امنیت ملی، امنیت غذایی، انرژی پایدار، آب، محیط‌زیست، سلامت، عدالت) تعیین شده و این اولویت‌ها هدف نهایی همه برنامه‌های علم و فناوری در سطح ملی باشند. در راستای تحقق این مأموریت‌ها باید هر یک از نهادهای توسعه‌ای مسئول علم و فناوری، تعداد معدودی از موضوع، حداکثر هفت مورد، را با توجه به نوع شرح وظایف خود تعیین کنند و حداقل ۵۰ درصد بودجه خود را به این حوزه‌ها تخصیص دهند. سپس باید نهادهای دولتی در هر یک از موضوعات اولویت‌دار، زمین‌بازی را برای مسابقه به دور از تعارض منافع ایجاد کنند و حمایت‌های مالی خود برای آنها را به صورت شفاف اعلام کنند. در این مقاله نویسندگان قصد دارند فرایند اولویت‌گذاری را با رویکرد ذکر شده را در سطح ملی شرح دهند و عوامل تأثیرگذار بر این رویکرد را مورد بررسی قرار داده و نقاط ضعف و قوت این رویکرد در کشور را تحلیل و آسیب‌شناسی کنند.

واژگان کلیدی: اولویت‌گذاری فناوری، نهادهای علم و فناوری، ایران، سیاست‌گذاری علم و فناوری.

بخش دوم:
مقالات پوستری

رویکرد تطبیقی دو پارادایم حکمرانی مطلوب و فساد اقتصادی

مبنی بر الگوی اسلامی پیشرفت

عارف بهروز^۱، سید خالق غیورزادگان^۲

چکیده

فساد به عنوان یک معضل بزرگ در مسیر رشد اقتصادی کشور و رخنه‌ای در ثبات سرمایه‌گذاری، نیازمند برخورد قاطعانه و دقیق است تا از مسیر مبارزه با ریشه‌های فساد آفرین، امنیت و پیشرفت در کشور ایجاد شود. در این پژوهش از طریق روش تحقیق کیفی مبتنی بر سری‌های زمانی داده‌ها (Time Series) شود به این سؤال‌ها پاسخ داد که آیا شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران با اندیشه‌های رهبری تطابق دارد؟ آیا رویکرد شاخص‌های مبارزه با فساد اندیشه قضایی رهبری انقلاب در مبارزه با فساد اقتصادی را محقق کرده است؟ و در نهایت این نتیجه حاصل شد که با نگاهی به وضعیت شاخص‌های حکمرانی مطلوب و روند زمانی داده‌های آن مشخص است که این روند برای تمامی شاخص‌ها سیر نزولی داشته و اساساً می‌تواند نتیجه گرفت که این رویکردها نتوانسته اندیشه‌های قضایی رهبری انقلاب را محقق کند و شاکله این شاخص‌ها

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد پولی دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسئول،

Aref.behrooz2013@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه آزاد واحد یاسوج.

هیچ کدام از ساختمان تفکر رهبری انقلاب را محیا نکرده است. از نگاه مبارزه با فساد اقتصادی و بررسی شاخص CPI و رتبه ایران در این شاخص نیز کاملاً مشهود است که این رتبه به هیچ وجه تأمین کننده رضایت شاخص‌های اندیشه رهبری انقلاب اسلامی در مبارزه با فساد اقتصادی یا رویکرد قضایی نیست. در تحلیل محتوایی و نتایج حاصله نیز قابل مشاهده است تمامی فرآیندهای رویکردی برای مبارزه با فساد اقتصادی در اندیشه قضایی رهبری انقلاب با عملکرد مسئولین در قوه مجریه و مقننه اجرایی نشده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، مبارزه با فساد اقتصادی، اندیشه قضایی رهبری انقلاب اسلامی، پارادایم، الگوی اسلامی پیشرفت.

عدالت اجتماعی و گردشگری در الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت

فاطمه عزیزی^۱

چکیده

دستیابی به پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی مستلزم اتخاذ الگویی جامع و ایده آل است. در این راستا، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان نقشه راه توسعه کشور، بر عدالت اجتماعی و پیشرفت تأکید دارد. از آنجا که عدالت یکی از ارکان اساسی این الگو است، تحقق آن بدون توجه به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. این پژوهش با هدف بررسی نقش گردشگری در تحقق عدالت اجتماعی در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام شده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل اسنادی و بررسی مطالعات، رابطه بین گردشگری و عدالت اجتماعی را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که گردشگری عادلانه، از طریق توزیع منصفانه منافع اقتصادی، احترام به حقوق جوامع محلی و حفظ هویت فرهنگی، می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش فرصت‌های برابر کمک کند. در نهایت، پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری

۱. استادیار دانشگاه یزد، azizi.fatemeh@yazd.ac.ir.

و برنامه ریزی در جهت بهره گیری از گردشگری به عنوان ابزاری مؤثر برای تحقق عدالت اجتماعی در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، گردشگری، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

کشورهای اسلامی و استعمار؛ نگاهی به وضعیت توسعه در کشورهای اسلامی از منظر وابستگی

مهدی نصیری^۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که وضعیت توسعه در کشورهای اسلامی چگونه است؟ و چرا کشورهای اسلامی به سرمایه‌داری صنعتی تکامل یافته‌تر تبدیل نشدند؟ در این مقاله تلاش می‌شود از منظر نظریه وابستگی به این سؤال پاسخ داده شود. از این رو ابتدا به مفاهیم وابستگی و سطوح آن پرداخته می‌شود و سپس دلایل وابستگی در کشورهای اسلامی کنکاش می‌شود تا از این منظر وضعیت توسعه در کشورهای اسلامی را بررسی کند. پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی بر اساس روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد انتقادی بهره می‌برد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که چهار نظریه در پاسخ به سؤال فوق مطرح شده است؛ ۱- امپریالیسم غربی، ۲- سرمایه‌داری تجاری، ۳- ظهور اروپای قدرتمند، ۴- عوامل تعیین‌کننده خارجی و عوامل داخلی تشدیدکننده. امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای نیز عاملیت استعمار را در سه عرصه سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌کنند. پیامد استعمار در

۱. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mahdinasiri@rihu.ac.ir.

کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر پدیده نوظهوری از رشد فزاینده اشکال حرکت‌های اسلامی در نقاط جهان است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برخی از کشورهای عربی از نمونه‌های آن هستند.

واژگان کلیدی: کشورهای اسلامی، وابستگی، توسعه، ایران، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای.

الزامات تحقق هویت ملی در الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی

عباس مرادی^۱

چکیده

جدیدترین عنصر مرتبط با هویت ملی در انقلاب اسلامی «الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی» است. پارادایم‌های هویت ملی با وجود نقد بسیار در ایران، قابل اعتبارند و نمی‌توان به راحتی در طراحی نقشه راه پنجاه سال آینده کنار گذاشت، صحبت از ظرفیت‌های عظیمی از فرهنگ، تاریخ، زبان، سرزمین و قومیت است، که خصلت ثابت و زایل نشدنی در ضمیر خود، هزاران سال نقش بسته است و قابل فراموشی نیست. آیا الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت در میان هجمه‌های فرهنگ غربی و شرقی به نسل جدید، می‌تواند یک روایت بزرگ بدیل، بدون توجه به عناصر هویت ایرانی باشد؟ انقلاب اسلامی در گام دوم می‌تواند با تمهیدات مناسب، ضمن انعطاف‌پذیری و حفظ حرمت سابقه و تداوم در عناصر هویت ملی، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را با مؤلفه‌های جدید همچون؛ مردم‌سالاری دینی، آینده‌نگری و بومی‌گرایی منطبق سازد. به این معنی که در الزامات مربوط به پیشرفت، شاخص‌های ملی، بومی، اسلامی و تمدنی در نظر گرفته شود. هدف مقاله حاضر این است که برای حل چالش‌های امروز هویت ملی، انقلاب اسلامی

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، azmoradi@gmail.com

نیاز به درک خصلت و جاذبه ملت در ارتباط مداوم با گذشته دارد و با انطباق هویت ملی می‌تواند دگرگونی‌ها و نیازهای نوین جامعه ایران را مرتفع کند.

واژگان کلیدی: هویت ملی، مردم‌سالاری دینی، الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، بومی‌گرایی، آینده‌نگری.

مدیریت پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در راستای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

فاطمه امیری^۱، حسن کیائی^۲

چکیده

مشکل اصلی کشورهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته کمبود منابع جهت سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال، زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود امر توسعه پایدار و رشد اقتصادی است. سرمایه‌گذاری به عنوان نیروی محرکه بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی برای تمامی کشورهای جهان به شمار می‌آید. تجمع سرمایه و نرخ رشد به عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر اینکه یک منبع تأمین سرمایه است منبع فن‌آوری‌های جدید، مهارت‌های مدیریتی و سازمان‌دهی و شبکه بازاریابی نیز بوده و مانند کانالی عمل می‌کند که فن‌آوری را در سطح بین‌المللی منتشر می‌سازد. این مسئله موجب شده که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان مهم‌ترین منبع رشد در کشورهای در حال توسعه شناخته شود. با وجودی که سرمایه به عنوان مهم‌ترین

۱. دانشجوی دوره دکتری اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، نویسنده مسئول.

f.amiri172@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

عامل در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از اهمیت بسیاری برای این کشورها برخوردار است و به دلیل محدودیت‌های موجود در جذب آن، توجه بسیاری به سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌شود. با وجود منافع متعددی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای اقتصاد به ارمغان می‌آورد، اما عوامل متعددی وجود دارد که این منافع را کاهش می‌دهد. از جمله مهم‌ترین این عوامل، میزان فساد، آلودگی محیط‌زیست و در کشور مقصد سرمایه و همچنین عواملی که مانع تأثیر مثبت سرمایه خارجی بر رشد اقتصادی می‌شوند. این مقاله در نظر دارد ضمن تبیین پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، راهکارهایی برای مدیریت این پیامدها ارائه دهد. به این ترتیب این امکان فراهم می‌شود به بهترین شکل از بستر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در راستای تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استفاده شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رشد اقتصادی، فساد.

بررسی سناریوهای اجرایی شدن اولویت‌های برنامه هفتم توسعه

مصطفی قادری حاجت^۱، محمدشهاب احمدی^۲

چکیده

برنامه‌های توسعه‌ای کشور به عنوان اسناد راهبردی، نقش مهمی در ترسیم مسیر پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه دارند. با این حال، تجربه برنامه‌های توسعه‌ای گذشته نشان داده است که میانگین تحقق اهداف این برنامه‌ها کمتر از ۳۵ درصد بوده است. این موضوع بیانگر وجود چالش‌های ساختاری در فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای است. برنامه هفتم توسعه با رویکردی مسئله‌محور، درصدد است تا چالش‌های کلیدی کشور را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فناوری و سیاست خارجی برطرف کند و زمینه توسعه پایدار و متوازن را فراهم سازد. در این راستا، سؤال اصلی مقاله این است: سناریوهای اجرایی شدن اولویت‌های برنامه هفتم توسعه چیست؟ مطالعه حاضر یک پژوهش کاربردی- توسعه‌ای است که با رویکرد آمیخته (کیفی- کمی)

۱. استادیار دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول، عضو اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت، m.ghaderihajat@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.

انجام شده است. در مرحله نخست، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از نرم‌افزار Maxqda، شاخص‌های اصلی برنامه استخراج شد. سپس، برای شناسایی پیشران‌های کلیدی اجرای برنامه، از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) و نرم‌افزار Micmac استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۲ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه توسعه بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در نهایت، برای تدوین سناریوهای اجرایی برنامه هفتم توسعه، از نرم‌افزار Scenario Wizard استفاده شد. نتایج نشان داد که سه سناریوی کلیدی برای اجرای برنامه هفتم توسعه قابل پیش‌بینی است: استراتژی شرایط بحرانی تمرکز بر اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی، استراتژی در حالت بحران یا نیمه‌بحران (افزایش اعتماد و مشارکت اجتماعی) و سیاست تداوم وضع موجود (توسعه اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی). این سناریوها بسته به شرایط کشور، می‌توانند مسیرهای مختلفی را برای اجرایی شدن برنامه هفتم توسعه ترسیم کنند. انتخاب راهبرد مناسب نیازمند پایش مستمر شرایط کشور، اصلاح سیاست‌های اجرایی و هم‌افزایی میان دولت و جامعه است.

واژگان کلیدی: برنامه، برنامه توسعه، چشم‌انداز، سناریو، برنامه هفتم.

**تدوین مدل اجماع و مشارکت نخبگان در برنامه هفتم توسعه
کشور از منظر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) با
رویکرد تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
علیرضا بهار^۱، فاطمه اسدی^۲، محمدحسن عطایی^۳،**

محمد رضا صالحی^۴

چکیده

تحقق اهداف الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نیازمند همگرایی و اجماع و مشارکت نخبگان جامعه در تحقق برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی کشور در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، اجماع و مشارکت نخبگان نه تنها موجب شفافیت در تدوین و اجرای سیاست‌ها می‌شود، بلکه تضمین‌کننده تحقق عدالت، پیشرفت و استقلال ملی است. آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده است تدوین مدل اجماع و مشارکت نخبگان در برنامه هفتم توسعه از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با رویکرد الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. این مقاله از نظر روش، توصیفی- اکتشافی

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم و دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران.

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

۳. دکتری، پژوهشگر، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، نویسنده مسئول Mh.Ataee@Yahoo.com.

۴. پژوهشگر، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی- توسعه‌ای و از نظر نوع نیز آمیخته (کمی- کیفی) است. روش گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌گیری از نظرات جامعه خبرگان در قالب پرسشنامه بسته ساختار یافته می‌باشد. همچنین روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحلیل مضمون و تحلیل آماری به وسیله نرم‌افزار SPSS است. بر این اساس به منظور تعیین مدل مذکور از مدل ۵ بعدی مشتمل بر ابعاد ساختاری، محتوایی، رفتاری، فرایندی و جهت‌گیری استفاده و سپس با مطالعات اکتشافی به استخراج مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها از طریق تکنیک تحلیل مضمون پرداخته شده است. در ادامه، زیرمؤلفه‌های استخراج شده در قالب پرسشنامه میان جامعه آماری پژوهش توزیع و گردآوری شد و زیرمؤلفه‌های تأیید شده توسط جامعه خبرگان پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بیانگر آن است که در مجموع ۵ بعد، ۱۸ مؤلفه و ۳۲ زیرمؤلفه و ۱۰۰ گویه برای تعیین مدل اجماع و مشارکت نخبگان در برنامه هفتم توسعه از منظر اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با رویکرد الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به دست آمده است.

واژگان کلیدی: مشارکت مردم، اجماع نخبگان، بیانات مقام معظم رهبری، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

رسیدن به اهداف ماده پنجم قانون برنامه هفتم (مردمی سازی اقتصاد) از طریق اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهار صادق بافنده ایمان دوست^۱

چکیده

یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران اندازه بزرگ دولت و کوچک بودن نقش بخش خصوصی در اقتصاد است. به همین علت، در ماده ۵ قانون برنامه پنج ساله هفتم به موضوع مردمی سازی اقتصاد تأکید شده است. بزرگی دولت در اقتصاد ایران باعث بالا رفتن بی رویه مخارج دولت و در نتیجه کسری بودجه دولت شده است و چون دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی یا بانک های خصوصی این کسر بودجه را پرداخت می کند در طی سال های گذشته حجم پول در کشور افزایش زیادی داشته است که در نهایت موجب تورم شدید شده است. بنابراین اولین گام برای بسامان کردن وضعیت اقتصادی برقراری انضباط مالی فعالیت های دولتی و کوچک کردن تصدی گری دولت در اقتصاد از طریق مردمی سازی اقتصاد است. برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، قانونی است بسیار جامع که همه جوانب این اقدام بزرگ را در نظر گرفته است. معمولاً استفاده

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور، imandoust@pnu.ac.ir

از قوانین کار آسان و ساده‌ای نیست، هدف از تنظیم مقاله حاضر این است که فرایند واگذاری بنگاه‌های دولتی موضوع فصل پنجم این قانون و نظارت بر آنها را به صورتی ساده و با شیوه فرایندی نشان دهد تا آسان‌تر و سریع‌تر مورد استفاده همه دست‌اندرکاران قرار گیرد، به این منظور فرایند اصلی واگذاری بنگاه‌های دولتی به هشت فرایند فرعی تقسیم شده است. برای اجرای هر یک از فرایندهای اصلی و فرعی یک مدل فرایندی ارائه شده که در آن ورودی و خروجی فرایند، مسئول فرایند، جریان فرایند، مستندات فرایند، دستگاه نظارت، شاخص فرایند و نحوه نظارت مشخص شده است. همان‌طور که در مقاله نشان داده خواهد شد برای هر یک از فرایندهای فرعی، مسئول اجرا، دستگاه نظارت، شاخص فرایند برای نظارت و نحوه نظارت تعیین شده است و با اعمال این روش فعالیت‌های اجرایی و نظارتی در هیچ یک از فرایندها تعطیل نمی‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه هفتم، نظارت، خصوصی‌سازی، اصل چهل و چهار، مدل فرآیندی.

ارزیابی قانون برنامه هفتم توسعه از منظر معیارهای عدالت اقتصادی در اسلام و قانون اساسی

محمد رضا محمدی^۱

چکیده

در سال‌های متمادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسیر تحقق عدالت و پیشرفت با فراز و نشیب‌های زیادی از جمله التقاط و سردرگمی روبه‌رو بوده است و می‌تواند ادعا کرد آنچه از پیشرفت و عدالت به عنوان عناصر اصلی جامعه و مدیریت اسلامی به خوبی رشد کرده و بالغ شده است گفتمان پیشرفت و عدالت است. با گذشت بیش از ۴۵ سال از تشکیل نظام اسلامی لزوم طی طریق تحقق این اهداف بیش از پیش حس می‌شود و این ممکن نیست جز با برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرای اصولی و جهادی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های پیشرفت عادلانه. از آنجاکه در حال حاضر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه یکی از اقدامات اساسی در کشور با این هدف است و از اهمیت و جایگاه بالایی نیز برخوردار است، سنجش و ارزیابی آن پیش از اجرا از دو جهت که با یکدیگر قابل تلفیق هستند، ضرورت و فایده دارد: شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه‌های توسعه از طریق تطبیق برنامه‌ها با معیارهای عدالت و تحذیر از پیامدهای منفی آن. در این راستا و با توجه به تصویب قانون برنامه هفتم توسعه به دنبال آن هستیم تا مفاد این قانون را با معیارهای عدالت

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (ع)، mo.mohammadi@isu.ac.ir

اقتصادی در اسلام و قانون اساسی تطبیق داده و نقاط قوت و ضعف این برنامه را در نسبت با عدالت اقتصادی شناسایی کنیم. از همین رو سؤال این پژوهش عبارت است از اینکه «قانون برنامه هفتم توسعه کشور چقدر در راستای تقویت عدالت اقتصادی طراحی شده است؟». به نظر می‌رسد می‌تواند آن را به صورت دیگری نیز بیان کرد که شامل بر دو بخش اصلی در خود است: «نقاط همگرا و واگرای برنامه‌های توسعه و معیارهای عدالت اقتصادی در اسلام و قانون اساسی چیست؟». برای پاسخ به این سؤالات ابتدا متن قانون مطالعه شده و سپس با معیارهای اصلی عدالت اقتصادی در اسلام عدالت در مالکیت و توزیع ثروت، درآمد و بازتوزیع ثروت و دسترسی به خدمات اساسی تطبیق داده شد تا مشخص شود قانون برنامه چقدر به تقویت این معیارها کمک کرده و چقدر از آنها فاصله دارد. نتیجه بررسی قانون برنامه نشان داد: اشکالات زیادی از لایحه پیشنهادی دولت وقت رفع شده است اما قانون‌گذار هنوز در تغییر ریل اقتصادی کشور به عنوان خط‌مشی ضروری برای تقویت عدالت اجتماعی نه تنها موفق نبوده بلکه گویی به خود این اجازه را نداده است که در این جهت اقدام معتابه‌ای داشته باشد. فصول اقتصادی که قرابت جدی‌تری با عدالت اقتصادی دارند، دچار اعوجاج در تأمین عدالت اقتصادی هستند و پیش‌بینی می‌شود برنامه فعلی در صورت موفقیت تنها اثری نسبی در تقویت عدالت اقتصادی داشته باشد.

واژگان کلیدی: قانون برنامه هفتم پیشرفت، عدالت، ارزشیابی برنامه، سیاست‌های کلی، عدالت اقتصادی، پیشرفت عادلانه.

چالش‌های اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از طریق برنامه‌های توسعه کشور؛ مطالعه موردی بخش سلامت برنامه توسعه هفتم

محمدحسین مهرالحسنی^۱، روحانه رحیمی صادق^۲،
 رستم سیف‌الدینی^۳، علی‌اکبر حقدوست^۴، وحید یزدی فیض‌آبادی^۵،
 سمیرا عمادی^۶، رضا دهنویه^۷، سمیه نوری حکمت^۸،
 محمدرضا رجبعلی‌پور^۹

چکیده

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان نخستین سند راهبردی بلندمدت ایران، چارچوبی جامع برای تحول جامعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر اساس ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی ارائه می‌دهد. برنامه‌های توسعه

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۲. پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، نویسنده مسئول،
 rhn.rahimi@gmail.com.

۳. استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۴. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۵. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۶. دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۷. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۸. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۹. دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

پنج ساله و میان مدت باید در راستای این الگو تدوین شوند تا به توسعه پایدار و متوازن دست یابند. این مقاله به بررسی چالش‌های اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بخش سلامت برنامه توسعه هفتم می‌پردازد. مطالعه حاضر در دو مرحله انجام شد. مرحله اول به صورت مرور اسناد و مرحله دوم به صورت کیفی و با استفاده از نظر خبرگان حوزه سلامت در حوزه برنامه‌ریزی و برگزاری سه راند جلسه گروه کاری متمرکز انجام شد. در این مطالعه حوزه‌های مأموریتی نظام سلامت در قالب تبدیل به مأموریت‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مهم‌ترین نهاد متولی تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جامعه به دو دسته کلی امور آموزش عالی (حوزه آموزش، پژوهش و امور فرهنگی) و امور سلامت (حوزه بهداشت، درمان و غذا و دارو) تقسیم شدند و پس از بررسی اسناد بالادستی توسط تیم پژوهش و احصا و جمع‌بندی تکالیف قانونی، نهایتاً تعداد ۳۰ هدف و اولویت برای نظام سلامت متناسب با تکالیف قانونی شناسایی شده توسط خبرگان در جلسات گروه کاری متمرکز تعیین شد. مهم‌ترین چالش‌های اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بخش سلامت برنامه توسعه هفتم در سه بخش ساختار و جایگاه سلامت در اسناد برنامه‌ای، چرخه برنامه‌ریزی سلامت کشور بر اساس ساختار و در نهایت محتوای اسناد برنامه‌ای در حوزه سلامت می‌باشند. بر این اساس، فعال‌سازی اندیشکده سلامت در سطح ملی و منطقه‌ای با حضور نخبگان علمی و اجرایی به عنوان مغز متفکر و هیئت اندیشه‌ورز شورای

عالی سلامت و امنیت غذایی کشور در سیستم برنامه ریزی و تصمیم گیری کلان حوزه سلامت کشور پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: چالش، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظام برنامه ریزی، برنامه های بخشی و فرابخشی، برنامه توسعه هفتم، بخش سلامت.

کاربست اقتصادی نظریه نوشهرگرایی در جهت اجرای تدبیر هفتم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حسین عیوضلو^۱، حسین حاتمی نژاد^۲، محمدعلی طیرانی^۳

چکیده

یکی از رویکردهای پست‌مدرن که در انتقاد به رویه مرسوم در برنامه‌ریزی و طراحی شهری مطرح شده نوشهرگرایی می‌باشد. به طور خلاصه می‌تواند گفت نوشهرگرایی در پی طرح‌ریزی حیات شهری متمرکز و زیست‌پذیر است. از ویژگی‌های این رویکرد می‌تواند به نفی گسترش افقی، پیاده‌مداری، احیاء طراحی سنتی محلات، افزایش تراکم در بافت، کاربری مختلط، ساخت مسکن در ابعاد مختلف و افزایش پایداری اشاره کرد. این رویکرد در آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفته است. البته انتقاداتی هم توسط منتقدان نوشهرگرایی به این رویکرد مطرح شده است. با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با شهر اسلامی و شهر ایرانی می‌تواند این احتمال را مطرح کرد که

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)، عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

نویسنده مسئول، h.eyvazloo@isu.ac.ir

۲. استاد دانشگاه تهران، عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۳. دانشجوی دکتری، دانشگاه امام صادق (ع).

چه بسا رویکرد نوشهرگرایی اشتراکاتی با شهر اسلامی ایرانی داشته باشد. از آنجایی که تدبیر هفتم الگوی اسلامی ایرانی مسئله الگوی مطلوب در شهرسازی را مطرح کرده است می‌تواند با بررسی نوشهرگرایی گامی مفید به سمت طراحی الگوی اسلامی ایرانی برداشت. این پژوهش قصد دارد با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی نوشهرگرایی بینشی سودمند در اختیار پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران و مجریان در این زمینه قرار دهد. در این مسیر ابتدا مطالعاتی که تاکنون در رابطه با نوشهرگرایی و شهر اسلامی ایرانی صورت گرفته به صورت کتابخانه‌ای بررسی می‌شود؛ سپس به روش تحلیلی و توصیفی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی ایده نوشهرگرایی واکاوی شده و ارتباط آن با شهر اسلامی ایرانی تحلیل می‌شود.

واژگان کلیدی: نوشهرگرایی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اقتصاد شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری.

گذر از ویژه‌خواهی به شایسته‌سالاری محور پیشرفت و توسعه کشور (مطالعه موردی: الگوی امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه)

مصطفی لعل شاطری^۱

چکیده

ویژه‌خواهی (رانت‌خواری)، از جمله موضوعات مطرح در بستر تاریخ محسوب می‌شود که جوامع و حکمرانی‌های گوناگون همواره با آن مواجه بوده‌اند. این پدیده که برخوردار از ابعاد گوناگون است، آثار مخربی همچون کاهش مقبولیت و مشروعیت هر حکمرانی و به تبع آن جریان انفعالی در رشد، توسعه و پیشرفت در عرصه ملی و بین‌المللی را به همراه دارد. در این بین، یکی از راهکارهای مقابله کاربردی با چنین جریانی، بی‌شک حاکمیت نگرش شایسته‌سالاری است. هدف از پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی پاسخ به این پرسش است که در نگرش امام علی (ع)، چه راهکارهایی برای مقابله با ویژه‌خواهی و به عبارتی حاکمیت شایسته‌سالاری به عنوان الگویی اسلامی ارائه شده است؟ یافته‌های پژوهش مبنی بر مطالعه موردی نامه ۵۳ نهج البلاغه حاکی از آن است که نقطه

۱. استادیار دانشگاه نیشابور، mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir.

کانونی توجه حضرت در حاکمیت شایسته‌سالار بر حکمران (قابل کاربرد در ساحت‌های گوناگون مدیریتی) قرار دارد و بخش گسترده‌ای از این منشور حکومتی به بیان صفات ضروری در این باره می‌پردازد و پس از آن شایستگی‌های واجب همیاران حکمران بیان شده است. این نامه به مثابه صرفاً بخشی از سیره نظری و عملی حضرت در گستره اسلام حامل نگرشی جهان‌شمول و کاربردی محسوب می‌شود؛ موضوعی که در هر جامعه اسلامی در مسیر دستیابی به توسعه و پیشرفت، لازم‌الاجرا می‌باشد. در این راستا برای معماری نظام شایسته‌سالاری در سند الگوی پیشرفت می‌بایست موضوعاتی همچون مدیریت جهادی، گزینش نخبه، مهارت‌های فنی و مدیریتی، اولویت به تخصص، نظارت رسمی، شاخص‌های کمی مبنی بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به ترتیب توأم با حکمرانی خدمتگزار، پرورش مدیران تراز، فضایل اخلاقی و معنوی، تکریم تعهد، نظارت اجتماعی، پیامدهای کیفی شود.

واژگان کلیدی: ویژه‌خواهی، شایسته‌سالاری، پیشرفت و توسعه، امام علی (ع)، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه.

سند الگو و پدیده‌های نوظهور علمی و فناوری- تکنولوژی

اینترنت اشیا

سید احسان علویان^۱، وحید ظریفی^۲، سعید نورین مقدم^۳، حسین

زرگرانی^۴، ابراهیم رضایی النک^۵

چکیده

اینترنت اشیا^۶ به عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های عصر حاضر، تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف جامعه مدرن گذاشته است. این مقاله مفهوم اینترنت اشیا را در چارچوب ارزش‌های سند الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت بررسی می‌کند و بر نقش پیشرفت علمی و فناوری به عنوان رکن اصلی توسعه اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این سند، ایجاد فناوری‌های نوین و استفاده از دانش برای حل مشکلات اساسی جامعه، زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی است. مقاله تاریخچه توسعه اینترنت اشیا، کاربردهای گسترده آن در حوزه‌هایی مانند

۱. کارشناس کامپیوتر، کارمند شهرداری مشهد، نویسنده مسئول،

Alavian.Ehsan63@Gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی- کارمند شهرداری مشهد (شرکت بهره‌برداری قطار شهری).

۳. کارشناس برق- کارمند شهرداری مشهد (شرکت بهره‌برداری قطار شهری).

۴. کارشناس مدیریت- کارمند شهرداری مشهد (شرکت بهره‌برداری قطار شهری).

۵. کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی- کارمند شهرداری مشهد (شرکت بهره‌برداری قطار شهری).

6. Internet of Things (IoT).

خانه‌های هوشمند، نظارت بر سلامت و حمل و نقل هوشمند را بررسی کرده و چالش‌هایی مانند مسائل امنیتی، پردازش کلان‌داده‌ها و استانداردسازی را تحلیل می‌کند. همچنین، این پژوهش بر همگرایی اینترنت اشیا با ارزش‌های اسلامی تأکید دارد و نشان می‌دهد که مفاهیم سنتی اسلامی مانند کسب دانش، نوآوری و استفاده مسئولانه از فناوری می‌توانند در توسعه اینترنت اشیا نقش مؤثری ایفا کنند. علاوه بر این، مقاله مسیرهای آینده این فناوری و تأثیرات آن بر زندگی روزمره را بررسی می‌کند. در نهایت، با ارائه توصیه‌هایی برای ذی‌نفعان، به دنبال درک جامع‌تری از نقش اینترنت اشیا در شکل‌دهی آینده‌ای بهتر بر پایه ارزش‌های ایرانی-اسلامی است. این پژوهش با ترکیب دیدگاه‌های فنی و اخلاقی، به توسعه این فناوری در راستای اصول سند الگو کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: اینترنت اشیا، سند الگو ایرانی اسلامی، امنیت داده، استانداردسازی، یادگیری ماشین.

نقشه راه عملیاتی توسعه سند باکس رگولاتوری استارت‌آپ‌های مبتنی بر فناوری‌های هوش مصنوعی مولد حبیب کراری^۱

چکیده

با پیشرفت فناوری و ظهور هوش مصنوعی مولد (Generative AI)، استارت‌آپ‌ها در حوزه‌های مختلف با فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی مواجه شده‌اند. یکی از این چالش‌ها، نیاز به یک چارچوب رگولاتوری است که بتواند به صورت پویا و انعطاف‌پذیر با نوآوری‌های سریع همگام شود. سند باکس رگولاتوری (Regulatory Sandbox) به عنوان یک محیط آزمایشی کنترل شده، می‌تواند به استارت‌آپ‌ها اجازه دهد تا محصولات و خدمات خود را در یک محیط امن و تحت نظارت توسعه دهند. این مقاله به بررسی نقشه راه عملیاتی برای توسعه سندباکس رگولاتوری استارت‌آپ‌های مبتنی بر هوش مصنوعی مولد پرداخته و ضمن ارائه مرور ادبیات و تجارب کشورهای پیشرو در این زمینه و چالش‌های مرتبط، طرحی عملیاتی را در این خصوص برای اجرا در ایران (که با هدف بهره‌برداری در مسیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه نوآوری‌های

۱. دکترای مدیریت از دانشگاه تهران، karrari@ut.ac.ir.

دانش بنیان در کشور عزیزمان تهیه شده است) به طور خلاصه معرفی می کند. در طراحی ابعاد مختلف بخش هایی از مقاله حاضر از دو دستیار هوش مصنوعی مولد دیپ سیک و پرپلکسیتی نیز بهره برداری شده است که دستورات مرتبط در صورت نیاز قابل ارائه می باشند.

واژگان کلیدی: سندباکس رگولاتوری، اکوسیستم نوآوری، هوش مصنوعی مولد.

ایجاد شبکه اجتماعی مبتنی بر بلاک چین برای تقویت اعتماد عمومی و شفافیت در نهادهای دولتی ایران

محمد جواد آهکی ورزنه^۱

چکیده

این مقاله به بررسی پتانسیل شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر بلاک چین در تقویت اعتماد عمومی و شفافیت در نهادهای دولتی ایران می‌پردازد. با توجه به کاهش اعتماد عمومی ناشی از فساد اداری، عدم شفافیت اطلاعات و کمبود پاسخگویی، فناوری بلاک چین به عنوان راهکاری نوین برای ایجاد سیستم‌های غیرمتمرکز، امن و شفاف پیشنهاد شده است. پژوهش حاضر با تحلیل وضعیت کنونی اعتماد عمومی در ایران، چالش‌هایی نظیر محدودیت‌های فرهنگی، اقتصادی و ساختاری را شناسایی کرده و نقش بلاک چین در ثبت غیرقابل تغییر داده‌ها، تسهیل مشارکت شهروندی و کاهش فساد را بررسی می‌کند. طراحی شبکه اجتماعی مبتنی بر بلاک چین با ویژگی‌هایی مانند دسترسی عمومی به اطلاعات، مکانیسم‌های پاداش ده توکن محور و تعامل دوسویه بین شهروندان و نهادها، به عنوان راه‌حلی عملی ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد این فناوری می‌تواند با افزایش

۱. کارشناسی ارشد MBA، دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول، Mrahaki@ymail.com.

پاسخگویی، بهبود ردیابی تصمیمات و کاهش هزینه‌های اداری، گامی مؤثر در بازسازی اعتماد عمومی باشد. با این حال، چالش‌هایی نظیر مقیاس‌پذیری، پذیرش اجتماعی و محدودیت‌های قانونی نیازمند همکاری نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است.

واژگان کلیدی: بلاکچین، نهادهای دولتی، شفافیت، فناوری، شبکه‌های اجتماعی، سیستم‌های غیرمتمرکز، فساد.

بررسی و تبیین چهارچوب سبک زندگی اسلامی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات مهسا ملک^۱، مهدی واحدی^۲

چکیده

در عصر حاضر، انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) با شتابی بی سابقه در حال دگرگون سازی جنبه های مختلف زندگی انسانی است. این تحولات نه تنها ساختارهای کلان اقتصادی و صنعتی را متحول کرده اند، بلکه فرآیندهای آموزشی، الگوهای ارتباطی و جنبه های روزمره زندگی را نیز تحت تأثیر قرار داده اند. در این میان، سبک زندگی به عنوان منظومه ای از عادات، ارزش ها و کنش های فردی و اجتماعی، به یکی از مهم ترین حوزه های مواجهه با فناوری های نوین تبدیل شده است. پدیده هایی همچون اینترنت فراگیر، گوشی های هوشمند و شبکه های اجتماعی، مفاهیم سنتی رفتار، سبک مصرف و سلامت جسمی و روانی را بازتعریف کرده و مرزهای میان زندگی واقعی و مجازی را به چالش کشیده اند. این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش اسنادی و مطالعات

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول،

Mhsamlk27@gmail.com.

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

کتابخانه‌ای، تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر ابعاد پنج‌گانه سبک زندگی اسلامی بررسی می‌کند. این ابعاد شامل حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی و بین‌المللی هستند. هدف اصلی پژوهش، ارائه تحلیلی جامع از پیامدهای مثبت و منفی این تحولات بر سبک زندگی، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو و فراهم‌سازی بستری برای نگرشی متعادل و کل‌نگر در مواجهه با فناوری‌های نوین است. این مطالعه می‌تواند به تصمیم‌گیری آگاهانه در راستای هم‌زیستی فناوری با ارزش‌های اسلامی و هویت ایرانی کمک کند.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، سبک زندگی، سبک زندگی

اسلامی - ایرانی، برنامه هفتم توسعه.

نوآوری و تحول نظام آموزشی برای چشم‌انداز پیشرفت در عصر هوش مصنوعی

جواد تقی‌زاده فیروزجایی^۱

چکیده

امروزه در چشم‌انداز پیشرفت کشورهای جهان اول، نقش علم و فناوری محوری است به طوری که نمی‌توان در هیچ عرصه‌ای بدون استفاده از علم و فناوری حتی وارد میدان رقابت با کشورها شد. به ویژه در زمانی که فناوری‌های هوش مصنوعی تسلط خود را بر تفکر شخصی انسان‌ها به اثبات رسانده‌اند، آموزش به شکل سنتی نه تنها نمی‌تواند نسل آینده را برای حرکت در پیشرفت کشور آماده کند، بلکه آنها را به عناصر سربار و غیرمفید برای جامعه تبدیل می‌کند. این مقاله به بررسی اهمیت خلاقیت و نوآوری در برنامه راهبردی علمی و آموزشی کشور می‌پردازد و بر نقش آنها در پرورش نسل بعدی نوآوران و کارآفرینان تأکید می‌کند. اینجا یک چارچوب استراتژیک جامع را ترسیم می‌کنیم که مراکز آموزشی می‌توانند برای تقویت یک اکوسیستم کارآفرینی پر جنب و جوش، از

۱. دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی خواجه نصیر، firouzjaee@kntu.ac.ir

جمله استفاده بهتر از فناوری نوین مانند ابزارهای هوش مصنوعی برای آموزش، توسعه برنامه درسی، ایجاد مراکز پشتیبانی، همکاری صنعتی و پرورش فرهنگ کارآفرینی اتخاذ کنند. این مسئله در بند ۱۷ و ۲۲ بخش تدابیر سند الگوی اسلامی ایرانی تأکید شده است. علاوه بر این، این مقاله نقش مهمی را که مراکز آموزشی می‌توانند در رسیدگی به بیکاری اجتماعی با ارائه آموزش کارآفرینی و حمایت از گروه‌های کم‌نمایش و توسعه راه‌حل‌های کارآفرینی برای جوامع محلی ایفا کنند، نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی و خلاقیت، شاخص‌های پیشرفت، نوآوری آموزشی، عصر هوش مصنوعی.

بایسته‌ها و الزامات استوارسازی بنیان خانواده در الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت

امیر محمد طاهری^۱

چکیده

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی اساسی در تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ایفا می‌کند. استوارسازی بنیان خانواده نه تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه الزامی دینی و فرهنگی در راستای تحقق حیات طیبه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی ایرانی محسوب می‌شود. این مقاله با هدف تحلیل نقش خانواده در تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به بررسی مبانی نظری خانواده در اسلام و جایگاه آن در این الگو پرداخته است. همچنین چالش‌های پیش روی نهاد خانواده در جامعه امروز ایران شناسایی و تحلیل شده و در نهایت راهکارها و الزامات استوارسازی بنیان خانواده ارائه شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع اسلامی، اسناد مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مطالعات علمی داخلی و خارجی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که تقویت نهاد خانواده مستلزم توجه به ابعاد فرهنگی، اقتصادی،

۱. دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی دانشگاه تهران، t.olgou@gmail.com

اجتماعی و حقوقی است. در این راستا، طراحی سیاست‌های حمایتی، تقویت آموزش‌های خانوادگی و افزایش مشارکت فعال نهادهای حکومتی و اجتماعی، از اقدامات کلیدی برای تحقق این امر محسوب می‌شود

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خانواده، استوارسازی بنیان خانواده، حیات طیبه، پیشرفت اجتماعی.

نقش فضای مجازی در شکل‌گیری هویت و مشارکت اجتماعی نوجوانان در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

رقیه نوری‌پور لیاولی^۱، سیمین حسینیان^۲

چکیده

فضای مجازی به عنوان پدیده‌ای تأثیرگذار، زندگی نوجوانان را در ابعاد مختلف، از جمله هویت و مشارکت اجتماعی، دگرگون کرده است. در ایران، این فضا با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که بر ارزش‌های دینی، هویت ملی و پیشرفت جمعی تأکید دارد، تعامل پیچیده‌ای دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش فضای مجازی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی و میزان مشارکت اجتماعی نوجوانان ایرانی، این فرایند را با اصول الگوی پیشرفت هم‌سنگی کرده است. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل مضمونی در سال ۱۴۰۳، داده‌های خود را از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۱ مشارکت‌کننده (۷ نوجوان، ۲ والدین/معلم، ۲ کارشناس اجتماعی - مذهبی) گردآوری کرده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2022 تحلیل شدند. یافته‌ها نشان

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، nooripour@iaui.ac.ir

۲. استاد دانشگاه الزهراء، تهران و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

می‌دهد که فضای مجازی دارای دو وجه متناقض است: از یک سو، محتوای ارزش محور و بومی موجود در آن به تقویت هویت دینی و ملی نوجوانان کمک کرده و زمینه‌ساز افزایش مشارکت اجتماعی آنان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنلاین شده است. از سوی دیگر، مواجهه گسترده با الگوهای جهانی و فرهنگ‌های غیروبومی، چالش‌هایی برای هویت سنتی ایجاد کرده و به کاهش تعاملات خانوادگی منجر شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان با بهره‌گیری از سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه، تولید محتوای متناسب با ارزش‌های اسلامی-ایرانی و افزایش آگاهی خانواده‌ها و نهادهای آموزشی، فضای مجازی را به ابزاری مؤثر برای تقویت هویت و مشارکت اجتماعی نوجوانان در راستای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تبدیل کرد؛ بنابراین، اتخاذ رویکردی جامع که شامل همکاری نهادهای دولتی، آموزشی و فرهنگی باشد، برای بهره‌برداری بهینه از این فضا ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، هویت، مشارکت اجتماعی، نوجوان، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.

فضای مجازی و شکاف بین نسلی و تأثیر آن بر بنیان خانواده

سیمین حسینیان^۱، سعیده فرج نیا^۲

چکیده

فضای مجازی به عنوان یک بستر جدید برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ظهور کرده است. این فضا به ویژه برای نسل جوان به یک محیط طبیعی تبدیل شده است که در آن به تبادل اطلاعات، ایجاد روابط و شکل دهی به هویت های فردی و جمعی می پردازند. با این حال، این تغییرات به همراه خود چالش هایی را نیز به همراه آورده است که یکی از مهم ترین آنها شکاف بین نسلی است. شکاف بین نسلی به معنای تفاوت های معنادار در ارزش ها، رفتارها و تجربیات نسل های مختلف است که می تواند ناشی از تأثیرات فضای مجازی باشد. در این شرایط، خانواده ها در برابر انواع تغییرات اجتماعی، فکری و فرهنگی قرار دارند. خانواده ها شاهد انواع الگوهای هویتی، ارزشی و شخصیتی هستند و به تدریج تفاوت هایی در سبک زندگی فرزندان با نسل های قبلی شان مشاهده می شود. از آنجا که ذخیره دانش و معرفت و همچنین تجارب بشری، از طریق

۱. استاد دانشگاه الزهراء، تهران و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

(نویسنده مسئول)، Hosseinian@alzahra.ac.ir

۲. دکترای تخصصی روان شناسی، مدرس دانشکده روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

تعامل‌های میان‌نسلی انتقال پیدا می‌کنند، فقدان یا ضعف چنین تعامل‌هایی می‌تواند زیان‌ها و آسیب‌های چشمگیری برای فرد، خانواده و جامعه به همراه داشته باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش فضای مجازی در شکاف بین‌نسلی و تأثیر آن بر بنیان خانواده انجام شده است.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، شکاف، بین‌نسلی، خانواده.

اثربخشی برنامه بخشایشگری بر پر خاشگری، همدلی، روابط بین فردی و پیشرفت تحصیلی نوجوانان زهرا مشکوتی^۱، باقر غباری بناب^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه بخشایشگری بر کاهش پر خاشگری، بهبود همدلی، روابط بین فردی و پیشرفت تحصیلی نوجوانان انجام شد. روش: طرح پژوهشی حاضر از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون می باشد. نمونه مد نظر برای پژوهش، دانش آموزان دختر پایه دهم دبیرستان فرزندگان یک تهران، شامل ۱۵ نفر گروه در گروه کنترل و ۱۵ نفر در گروه آزمایش انتخاب شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل فرم سنجش روابط انسانی انرایت (۱۹۹۱) و پرسشنامه روابط بین فردی ماتسون (۱۹۸۳)، پرسشنامه همدلی تورنتو (۲۰۰۹) و پرسشنامه خشم اسپیلبرگر (۱۹۹۹) و نمرات پیشرفت تحصیلی استاندارد شده دانش آموزان بود که در دو مرحله، قبل و بعد از ارائه آموزش ها، اجرا و نمره گذاری شد. تحلیل داده های این پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیره و با استفاده از نسخه ۲۷ نرم افزار SPSS انجام شد.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکز، نویسنده مسئول، z.meshkut@gmail.com

۲. استاد دانشگاه تهران.

یافته‌ها: تحلیل کواریانس چند متغیره نشان داد که آموزش بخشایشگری توانسته است در دانش‌آموزان تیزهوش منجر به کاهش شاخص کلی پرخاشگری و افزایش معنی‌داری در همدلی، روابط بین فردی و سه بعد بخشایشگری (عاطفی، شناختی، رفتاری) داشته باشد؛ اما بر در پیشرفت تحصیلی معنی‌دار نمی‌باشد. بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایرانی، برنامه طراحی شده بخشایشگری می‌تواند در راستای آموزشی و بهبود مسائل روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آموزش بخشایشگری، پرخاشگری، همدلی، روابط بین فردی، پیشرفت تحصیلی.

سبک رهبری کاریزماتیک در جنگ: بررسی تطبیقی شیوه

رهبری امام علی (ع) و امام خمینی (ره)

امید مهدیه^۱، یوسف فتحی^۲، انسیه عبداللهی نورعلی^۳

چکیده

مبحث رهبری از موضوعات مهمی است که هم در حوزه امور اجتماعی و هم در زمینه‌های تجارت و کسب و کار مورد توجه بسیاری پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گرفته است. نظریه‌های مختلفی در راستای تبیین چرایی و چگونگی تأثیر رفتار یا سبک رهبری بر اقدامات و رفتارهای پیروان وجود دارد که رهبری کاریزماتیک یکی از این نظریه‌ها است. شخصیت رهبر در نظریه رهبری کاریزماتیک، برای پیروان الهام‌بخش، الگو و مرجع به شمار می‌رود؛ به طوری که پیروان هویت خود را از او می‌گیرند. پژوهش حاضر در پی تبیین مؤلفه‌های سبک رهبری امام خمینی (ره) و مقایسه آن با سبک رهبری امام علی (ع) می‌باشد. پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی قرار دارد و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. با استفاده از روش تطبیقی، نمونه‌هایی از

۱. استادیار دانشگاه زنجان. نویسنده مسئول، mahdieh@znu.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه زنجان.

۳. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی اسلامی، دانشگاه زنجان.

الگوپذیری امام خمینی (ره) در مقام گفتار و عمل از شیوه رهبری امیرالمؤمنان (ع) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که سبک رهبری امام خمینی (ره) مبتنی بر سبک مدیریت کاریزماتیک بوده و تأثیر گرفته از مکتب علوی است. به علاوه، سبک رهبری کاریزماتیک در جنگ شامل پنج بعد مدیریت جنگ و صلح، بسیج عمومی و آموزش نظامی، معنویت‌گرایی در جنگ، دشمن‌شناسی و اخلاق در جنگ می‌باشد.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، امام خمینی (ره)، سبک رهبری، دفاع مقدس، رهبری کاریزماتیک.

نقش جهاد تبیین در تحقق گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر منظومه فکری رهبر انقلاب

محمد قوام آبادی^۱

چکیده

نظریه‌ها، مدل‌ها و مباحث گسترده‌ای پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شده است. اجرایی شدن یک الگو و نقشه جامع، مستلزم تولید و توسعه گفتمان‌های اساسی مرتبط با آن می‌باشد. لزوم گفتمان‌سازی در این عرصه زمانی بهتر روشن می‌شود که پس از گذشت یک دهه از تدوین سند این الگو، در بخش‌های مختلف، هنوز گفتمان عمومی برای حرکت به سمت وضع مطلوب، ایجاد نشده و نه تنها عناصر گفتمان‌ساز این زمینه و محیط‌های نخبگانی کشور اولویت اصلی خود را بر این حوزه متمرکز نکرده‌اند بلکه به نظر می‌رسد این گفتمان به ویژه در محیط‌های نخبگانی، دانشگاهی و حوزوی مورد غفلت قرار گرفته است. ضمناً گفتمان‌های رقیب و مقابل این گفتمان به درستی تبیین نشده‌اند. شرایط اقتصادی کشور و وضع معیشت مردم، توجهات و ذهنیت عموم جامعه را به عرصه‌های اقتصادی سوق داده است. تبیین، یکی از اصلی‌ترین راهبردهای تحقق

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ertebate89@gmail.com

یک گفتمان است. هدف مقاله این است که نقش جهاد تبیین را به عنوان رویکردی نوین در تحقق گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت روشن کند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی منابع مرتبط به ویژه بیانات رهبر انقلاب، ابتدا سعی شده مبتنی بر منظومه فکری ایشان، الزامات گفتمان‌سازی استخراج شود و در ادامه، جایگاه جهاد تبیین در سه گام اساسی تحقق گفتمان یعنی ارائه تصویر درست از وضع مطلوب، ایجاد ادبیات و اقناع ادبیات مشخص شود و در نهایت به نزدیک شدن گفتمان به اجرا کمک کند.

واژگان کلیدی: جهاد تبیین، گفتمان، الگوی اسلامی-ایرانی، پیشرفت.

تأملی در مبحث بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی پایان‌پذیر در افق بین‌نسلی با رویکرد خدامحور

محمدعلی متفکر آزاد^۱، سالار جلیل‌پور^۲، مسعود ایرانی^۳

چکیده

با توجه به دیدگاه نه‌چندان مطلوب دیدگاه حاکم معاصر در نگاه به مفهوم رفاه و تلاش با همه توان برای رسیدن به آن از مسیر رشد و توسعه مادی، در کنار اینکه این ایدئولوژی حس عمیق رضایت از زندگی و رفاه به مفهوم واقعی را برای او به ارمغان نیاورده است، باعث فشار مضاعف به منابع حیاتی تجدیدنابذیر زمین، از تعادل خارج شدن اکوسیستم‌های حیاتی برای بقای او و بقیه مخلوقات و حتی زیرسوال رفتن موجودیت نسل‌های احتمالی بشر شده است. به نظر می‌رسد که کوشش انفرادی محدود انسان‌های خیراندیش و حتی جوامع محدود در رعایت اصول اخلاقی نسبت به کره خاکی و نسل آتی و به اصطلاح رعایت توسعه پایدار، اگر عمومیت به تمامی افراد و تمامی جوامع نیابد و یکپارچگی رفتاری لازم صورت نگیرد، کاری از پیش نخواهد برد و این همکاری و حرکت تمام

۱. استاد دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول m.motafakker@gmail.com

۲. دکترای اقتصاد، سازمان صمت.

۳. کارشناس ارشد مدیریت کسب و کار، سازمان صمت.

جوامع، ممکن و محتمل نخواهد بود مگر اینکه تابع هدف تعریف شده برای بشر تغییر یابد. به عبارت دیگر نویسندگان معتقدند که نمی توان از نظر تئوریک، تابع هدف را بر مبنای مطلوبیت مادی بشر پایه ریزی کرد و انتظار رعایت اخلاق را زمینه‌ی بهره‌برداری از منابع طبیعی و رعایت حقوق نسل‌های آتی داشت. این مسئله بایستی به صورت تئوریک و از اساس اصلاح و تک‌تک افراد و جوامع به صورت عقلانی بپذیرند که شادی و احساس رضایت عمیق آنها از زندگی، اگرچه متناسب اما به صورت کامل برابر با رفاه مادی او نیست. نویسندگان در مطالعه حاضر کوشیده‌اند با ارائه تابع هدف مبتنی بر رضایت واقعی محور از انسان، جوانب مختلف تخصیص بهینه منابع تجدیدناپذیر را در داخل یک نسل و همچنین در افق بین‌نسلی بحث و بررسی کنند. از مهم‌ترین نتایج تحلیل‌های ارائه شده، می‌توان به لزوم رعایت تناسب بین نرخ رشد و توسعه انسانی و نرخ بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر برای تخصیص بهینه این منابع در افق بین‌نسلی و همچنین فضا برای حرکت در مسیر بهینه‌گی پارتویی انسانی در داخل یک نسل بدون فشار مضاعف بر بهره‌برداری از منابع طبیعی، اشاره کرد. به عبارت دیگر می‌توان در کوتاه مدت با بازتوزیع منافع حاصل از بهره‌برداری منابع طبیعی در جهت کمک به رشد و توسعه انسانی جمعیت پایین‌تر از متوسط رشد در یک جامعه، به نقطه بهینه‌گی انسانی پارتویی منابع طبیعی نزدیک شد. این در حالیست که برای نیل به آن (بهینگی انسانی پاره تویی) لازم است که بهره‌برداری

از هر واحد از منابع طبیعی و تخصیص آن، بیشترین کمک ممکن را به شاخص رشد و توسعه انسانی در هر دوره بهره‌برداری کند به طوری که هیچ تخصیص بهتری مقدور نباشد.

واژگان کلیدی: منابع طبیعی تجدیدناپذیر، تخصیص منابع بهینه انسانی، عدالت بین‌نسلی، رشد و توسعه انسانی.

اقتصاد دریامحور؛ پیشران توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای سواحل مکران

محمدرضا رضوانی^۱، علی اکبر رضوانی^۲

چکیده

بررسی روند تحولات تاریخی اقتصاد دریامحور در جغرافیای سرزمین، بیانگر رابطه میان دسترسی دریایی کشورها با میزان توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ به گونه‌ای که کشورهایی که از سطح توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردار هستند، به پهنه‌های آبی دسترسی دارند. فرصت‌ها و قابلیت‌های نهفته در بخش دریایی به حدی است که می‌تواند برای کشورها منافع و مزایای درآمدی ایجاد کند و با توجه به رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن از سایر بخش‌ها، موجبات رشد و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم کند. ایران که حدود ۳۷ درصد مرزهای آن در مجاورت دریا و به آب‌های آزاد دسترسی دارد، مستعد دستیابی به توسعه اقتصادی دریامحور است. در این راستا موقعیت مکران و سواحل آن در جنوب شرقی ایران و زیرساخت‌های طبیعی در سازمان فضایی مکران، ویژگی‌های ممتاز

-
۱. دکترای اقتصاد صنعتی گرایش بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول، Rezvani.sem@gmail.com.
 ۲. دانش‌آموخته علوم جغرافیا و مدرس مرکز تربیت معلم.

و نقش ژئواکونومی را در مدار جغرافیا، سیاست، قدرت و بر پایه اقتصاد منطقه پدید آورده است. در این پژوهش، بر اساس سیاست‌های کلی توسعه دریامحور ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و با هدف به کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مناطق کشور، به بررسی اولویت‌ها و ارائه راهبردهای توسعه سواحل مکران، پرداخته شده است. قابلیت‌ها و جاذبه‌های بی‌نظیر سواحل مکران در عرصه‌های مختلف و قرار گرفتن در بین سه تنگه مهم بین‌المللی هرمز، باب‌المندب و مالاکا، که حدود یک‌سوم تجارت دنیا در آن صورت می‌گیرد، سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصادی و زیرساخت‌ها، ایجاد خوشه‌های صنعتی و مناطق تجاری و گردشگری را ضروری ساخته است. توجه به این مهم، می‌تواند سوابق تجاری و بازرگانی بین‌المللی سواحل مکران را بازگرداند و نقش ژئواکونومی منطقه را بر پایه توسعه دیپلماسی اقتصادی، تقویت و موجبات پیشرفت و آبادانی کشور را فراهم کند.

واژگان کلیدی: اقتصاد دریامحور، منطقه و سواحل مکران، ژئواکونومی، دیپلماسی اقتصادی.